



اشعار فارسی کاشیمای تخت سلیمان

عبدالله قوچانی



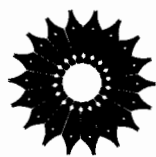


**Persian Poetry on the Tiles
of Takht-i Sulaymān**

(13th. Century)

Abdollah Ghasuchani

	٩٠٠
	٢٩



اشعار فارسی کاشیهای تخت سلیمان

عبدالله قوچانی



اشعار فارسی کاشیهای تخت سلیمان
تألیف عبدالله قوچانی
ویراسته احمد سمیعی (گیلانی)
مرکز نشر دانشگاهی، تهران
چاپ اول ۱۳۷۱
تعداد ۲۰۰۰
طراح و صفحه‌آرا: لی‌لا دانشور
ناظر چاپ: جواد خسروی
حروفچینی: لاینوترون مرکز نشر دانشگاهی
لیتوگرافی: مردمک
چاپ و صحافی: کارون
حق چاپ برای مرکز نشر دانشگاهی محفوظ است

قوچانی، عبدالله
اشعار فارسی کاشیهای تخت سلیمان
Abdollah Ghouchani
ص.ع. به انگلیسی
Persian Poetry on the Tiles of Takht-i Sulaymān
کتابنامه
۱. کاشی و کاشیکاری ایرانی. ۲. شعر فارسی. ۳. تخت سلیمان. الف. مرکز نشر
دانشگاهی. ب. عنوان.
۷۳۸/۶ NK ۴۶۷۰

فهرست

عنوان	صفحه
■ پیشگفتار	بنج
■ تاریخچه مختصر کاشی طلایی	۱
■ کاشیکاران دوره‌های مختلف	۵
■ مضمون نوشته‌های روی کاشی	۸
■ اشعار و متون چگونه در اختیار کاشیکار قرار می‌گرفت	۱۷
■ اهمیت اشعار روی کاشی و ظروف در تصحیح متون ادبی	۲۴
■ تاریخ دقیق ساخت کاشیهای تخت سلیمان	۲۷
■ نقوش و محل ساخت کاشیهای تخت سلیمان	۳۲
■ توضیحات	۴۱
■ اشعار فارسی روی قطعات کاشی تخت سلیمان	۴۳
■ کتابنامه	۱۱۳
■ فهرست اشعار	۱۱۶
■ فهرست اعلام	۱۱۹
■ فهرست موزه‌ها	۱۲۱
■ تصاویر رنگی	۱۲۳
■ مقدمه انگلیسی	

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

یکی از انواع کاشیهای تزینی بناها در دوره اسلامی کاشی طلایی یا زرین فام است. این نوع کاشی در شکلهای و اندازههای مختلف ساخته می شده است که عبارت اند از ستاره هشت پر به اندازه های مختلف، ستاره شش پر، صلیبی چهار گوشه، هشت ضلعی. گاهی نیز، شکل آن به مقتضای مناسبت معینی اختیار می شود مانند کاشیهای «شکل ۲۱ و ۲۲»، یا مطابق با جای کاشی روی دیوار مانند «شکل ۲۷».

حاشیه قسمت اعظم این کاشیها با کتیبه همراه است. لازم به توضیح است که در این کتاب از انواع دیگر کاشیها (کاشیهای محرابی) بحث نخواهد شد مگر در جهت اثبات مطلبی که بر روی کاشیهای مورد بحث آمده است. درواقع، بحث درباره کاشیهای محرابی خود بسیار مفصل است و در این کتاب نمی گنجد.

متن کتاب نشان می دهد که موضوع آن قطعات کاشی به دست آمده از تخت سلیمان است. این قطعات از لحاظ تاریخ و محل ساخت و نیز اشعار فارسی نوشته شده بر روی آن بررسی می شوند. هویت گویندگان اشعار تا آنجا که امکان داشت مشخص شد. به اختلافات بین اشعار روی کاشی و اشعار مضبوط در متون چاپی نیز اشاره رفت. قبل از شروع به بحث درباره قطعات کاشی تخت سلیمان، بررسی قسمتی از هنر کاشیگری ایران، شامل دوره های قبل و بعد از زمان ساخت کاشیهای تخت سلیمان، ضرورت دارد. در این

بررسی، از تاریخچه این نوع کاشی، کاشیکاران دوره های مختلف، مضمون نوشته های روی کاشی، چگونگی قرار گرفتن اشعار در اختیار کاشیکار، و سرانجام، اهمیت اشعار و دیگر نوشته های روی کاشی در تصحیح متون ادبی بحث خواهد شد. سپس به بحثی درباره کاشیهای تخت سلیمان پرداخته خواهد شد که به تاریخ و محل ساخت (با مقایسه آنها با کاشیهای دوره های قبل و بعد) اختصاص خواهد داشت. در پایان نیز به معرفی قطعات کاشی و اشعار روی آن مبادرت خواهد شد.

در خاتمه لازم می دانم که از موزه ها و دوستانی که در تهیه و بهتر شدن این کتاب به نگارنده یاری کردند تشکر و قدردانی کنم.

از موزه های: ملی ایران، رضا عباسی، هنر اسلامی برلن غربی، هنر اسلامی برلن شرقی، متروپولیتن، مردم شناسی مونیخ و موزه هامبورگ به لحاظ در اختیار گذاشتن تعدادی از کاشیهای مجموعه هاشان سپاسگزارم. همچنین از خانم مهناز عبدالله خان گرجی که از نقوش تعدادی از کاشیهای طراحی کردند و آقای ناصر نوروززاده چگینی که خلاصه مقدمه را به انگلیسی برگرداندند و آقای اصغر پورشیروی که عکسهای کاشیهای حرم امام رضا را در اختیار نگارنده گذاشتند تشکر می کنم.

عبدالله قوچانی

تاریخچه مختصر کاشی طلایی

اعظم رباعی فارسی به علت شکسته شدن کاشی و ناقص بودن آن از بین رفته و تنها ابتدا و انتهای رباعی به صورت زیر مشخص است:

آن چهره نگر که بر قمر می‌خندد
.....
.....
..... که بر گهر می‌خندد

قدیمیترین کاشی زرین فام تاریخ‌دار که قبلاً شناسایی شده است متعلق به سال ۶۰۰ هـ ق است. این کاشی به شکل ستاره هشت‌پر است و در موزه عربی قاهره نگهداری می‌شود (شکل ۱)^۱. حاشیه کاشی موزه قاهره^۲ با سه بیت شعر عربی و یک رباعی فارسی علاوه بر تاریخ و نام سازنده آن تزیین شده است. اشعار عربی متأسفانه، به علت پاك شدن قسمت اعظم نوشته‌ها، به طور کامل مشخص نیست و قسمت



شکل ۱



شکل ۲

متن کتیبه، حاوی تاریخ و نام سازنده کاشی چنین است:
 لکاتیه ابی زید بعدما عمله وصنعه فی لیلة الاربعاء من اواخر صفر
 سنة ستماية هجرية عربية
 متعاقباً نگارنده موفق به شناسایی يك کاشی به شکل
 ستاره شش پر شد که نیز دارای تاریخ ۶۰۰ هـ ق است (شکل
 ۲). حاشیه این کاشی^۲ علاوه بر تاریخ مذکور با يك رباعی
 فارسی و يك بیت شعر عربی تزیین شده است. متن اشعار این
 کاشی ضمن بحث از اهمیت اشعار نوشته شده روی کاشی در
 تصحیح متون ادبی ذکر خواهد شد. تاریخ ساخت این کاشی
 چنین است:

فی ذی القعدة ستماية

اخيراً نگارنده در حین بازدید از موزه اسلامی برلن شرقی
 متوجه کهنسالترین کاشی شناخته شده زرین فام ایران در
 جهان شده است. این کاشی (شکل الف) ۷۱ سال کهنسالتر
 از دو کاشی معرفی شده است (چون عکس این کاشی
 هنگامی که کتاب زیر چاپ بود اضافه شده است، برای آن
 شکل الف در نظر گرفته شده است). کاشی مذکور در تاریخ
 نوزدهم جمادی دوم سال ۵۲۹ هـ ق ساخته شده است و به
 مدفن یکی از سادات تعلق دارد که در عنفوان جوانی درگذشته
 است. نام این سید علی بن احمد الحسینی است. علاوه بر نام
 متوفی و تاریخ ساخت کاشی، بیت عربی زیر نیز روی آن



شکل الف

نوشته شده است:

وفدت علی الکریم بغیر زاد من الحسنات و [ال] قلب [ال] سلیم
 این بیت بر روی تعدادی سنگ قبر موجود در خوانسار
 متعلق به قرن هشتم هجری نیز مشاهده شده است. همچنین
 این شعر بر روی يك روپوش پارچه‌ای صندوق قبر نیز دیده
 می شود که متعلق به سال ۳۳۰ هـ ق است و هم اکنون در موزه
 رضا عباسی نگهداری می شود.

روی سنگ قبرها و پارچه مذکور، علاوه بر این بیت، بیت
 دیگری به شرح زیر آمده است:

و حمل الزاد اقبح کل شیء
 اذا کان الوفود علی الکریم

بقیه نوشته های کاشی موزه اسلامی برلن شرقی بدین
 شرح است:

دفن فی هذا المقام / علی بن احمد الحسینی فی ربیعان الشباب / ناسع
 عشر ۵۲۹/۲

به تاریخ بعد از ۶۰۰ هـ ق، تعداد زیادی کاشی تاریخ دار
 در موزه های مختلف دنیا موجود است. آخرین کاشی
 تاریخ دار که قبلاً آن را دیدیم دارای تاریخ ۷۳۹ هـ ق است.
 این کاشی به شماره ثبت ۳۸۸۳ در موزه ملی ایران (موزه
 ایران باستان) نگهداری می شود (شکل ۳). نوشته های این
 کاشی عبارت اند از يك رباعی و يك بیت شعر فارسی به اضافه
 تاریخ و محل ساخت آن. رباعی روی کاشی منسوب به
 افضل الدین کاشانی^۴، اوحداالدین کرمانی^۵، شاه سنجان



شکل ۳

چنین است:

کتب فی غرة شهر الله المعظم الاصم الرجب المرجب لسنة تسع و
خمسين و سبعمائة...

کاشی «شکل ۵» در نهم رمضان سال ۷۶۰ هـ ق به دست
حسام...^۱ حیدر قصاع ساخته شده است، حاشیه این کاشی،
علاوه بر تاریخ و نام سازنده آن، با کلمات قصار حضرت علی
(ع) تزیین شده است. متن این کلمات بعداً، ضمن گفتگو از
مضمون نوشته‌های روی کاشی، ذکر خواهد شد و متن
کتیبه‌ای که در آن نام و تاریخ ساخت کاشی آمده چنین است:

فی التاسع من رمضان لسنة ستين و سبعمائة عمل حسام... حیدر
قصاع...

نگارنده کاشی تاریخ‌داری از نوع مورد بحث که مورخ
به بعد از ۷۶۰ هـ ق باشد ندیده است، ولی يك کاشی صلیبی
چهارگوشه که يك گوشه آن از بین رفته است در موزه ملی
ایران موجود است. کاشی مذکور با شماره ثبت ۲۰۶۰۸ و
بدون تاریخ است. لیکن، با توجه به اینکه اشعاری از حافظ

خوافی^۶ و خواجه عبدالله انصاری^۷ است و متن آن چنین
است:

ای دل تو ز هیچ خلق یاری مطلب
وز شاخ برهنه سایه‌داری مطلب
عزت ز قناعتست و خواری ز طمع
با عزت خود بساز و خواری مطلب

بیت شعر روی کاشی از فردوسی^۸ است و متن آن چنین است:

بکام تو بادا سهر بلند
ز چشم بدانت مبادا گزند

تاریخ و محل ساخت این کاشی چنین است:

و کتب ذلك فی شهر ذی الحجة تسع و ثلثین و سبعمائة بمقام کاشان

سپس تعدادی عکس از کاشیهای حرم امام رضا (ع)
به دستم رسید. بر روی چند کاشی از آن تاریخ و نام
کاشیکاران جدیدی دیده می‌شود. کاشی «شکل ۴» در ماه
رجب سال ۷۵۹ هـ ق ساخته شده است و حاشیه آن با سوره
النصر تزیین شده است و متن کتیبه تاریخ ساخت این کاشی



شکل ۵



شکل ۴



شکل ۶

شیرازی^{۱۰} روی آن نوشته شده است، آن کاشی به اواخر قرن هشتم هجری یا اوایل قرن نهم هجری متعلق است. بر سر اشعار روی کاشی جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» (شکل ۶) آمده است. متن اشعار چنین است:

من نه آن رندم که ترك شاهد و ساغر کنم
محتسب داند که من این کار[ها] کمتر کنم
چون صبا مجموعه گل را بآب لطف شست
کج دلم خوان گرا نظر به صفحه دفتر کنم
لاله ساغر گیر و نرگس مست و برما نام فسق
داوری دارم بسی [یارب کرا داور کنم]

کاشی دیگری که به شماره ۱۸-۶۴-۱۲ در موزه مردمشناسی مونیخ موجود است نیز به اواخر قرن هشتم هجری یا اوایل قرن نهم هجری تعلق دارد. قبل از شروع اشعار فارسی جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» آمده است که با مقایسه این جمله با جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» نوشته شده روی کاشی موزه ملی ایران مسلم می شود که هر دو کاشی به دست يك شخص ساخته شده است. متن اشعار روی



شکل ۸



شکل ۷

کاشیکاران دوره‌های مختلف

معروفترین سازنده کاشی که نام او بر روی چندین کاشی نوشته شده است، سید شمس‌الدین حسینی معروف به ابوزید است. تعداد زیادی کاشی که در موزه‌های مختلف دنیا موجود می‌باشد به دست این کاشیکار ساخته شده است و همه آنها متعلق به دودۀ اول قرن هفتم هجری است. تاکنون نام این کاشیکار روی کاشی فقط به صورت ابوزید آمده است. وی چند محراب نیز ساخته است که نمونه ساخته‌های وی در حرم امام رضا (ع) و نیز در حرم حضرت معصومه (س) موجود است. این کاشیکار معمولاً بعد از کنیه خود جمله «به‌خط» را نیز می‌آورد که معنی آن «به‌خط خود» است. در گذشته، نام این کاشیکار را به صورت «ابورفاظه یا ابوزید بظه» خوانده‌اند^{۱۲} که اشتباه است. لقب و کنیه او به صورت «سید شمس‌الدین حسینی ابی‌زید» فقط بر روی يك بشقاب زرین فام ساخته شده در سال ۶۰۷ هـ ق نوشته شده است که جمله «ابی‌زید» قبلاً روی این بشقاب توسط متخصصان خوانده نشده بود و محققان گمان می‌کردند که «سید شمس‌الدین حسینی» سفالگری غیر از ابوزید است. نگارنده عکس این قسمت از بشقاب مذکور را، که در آن نام ابوزید به صورت کامل آمده، چاپ کرده است^{۱۳} این بشقاب در «فریر گالری» واشنگتن ۵

این کاشی (شکل ۷) چنین آمده است:

بصد منت دهم جان و جهانم
بهای بوسه دان کز نقد جان است
مرادش حاصل است از دور گیتی
هر آنکس را که یاری مهربان است
جوان‌بخت آنکسی باشد که او را
نگاری نوجوان ناز زمان (?) است
برانگیزی غبار از چرخم ای خاک
هنوزم مهرت اندر استخوان است
میفشان

يك کاشی هشت گوشه دیگر (شکل ۸) در موزه اشمولین به شماره ۱۵۷۶-۱۹۷۸ موجود است^{۱۱} که به اوایل قرن نهم هجری تعلق دارد. روی این کاشی يك رباعی و جمله «دوست نباید زدوست» نوشته شده است، متن رباعی چنین است:

رفتم بسر تربت شمس تبریز
دیدم دوهزار زنگی خون‌ریز
هریک به زبان حال با من گفتند
[جا] می که بدست تو است کج‌دار و مریز

آنچه درباره تاریخچه مختصر کاشی گفته شد به این معنی نیست که قبل از سال ۵۲۹ هـ ق یا بعد از قرن نهم هجری این صنعت وجود نداشته است؛ بلکه نگارنده تنها به آنچه تا به حال دیده اشاره کرده است.

می ساخته‌اند، ولی متأسفانه نام آنان روی چنین کاشیهایی تا به حال به جز کاشیهای شکل ۱۱ و ۱۲ دیده نشده است. بعد از ابوزید، تا دههٔ اول قرن هشتم هجری، از نام کاشیکاران بر روی کاشیهای از نوع مورد بحث اثری دیده نمی‌شود. در دههٔ اول قرن هشتم هجری چند کاشی به دست علی بن جهان الحسینی ساخته شد، که تعدادی از آنها در موزهٔ ملی ایران و نیز در موزهٔ قم موجود است که از امامزاده علی بن جعفر قم به دست آمده است.

کاشیهای «شکل ۹ و ۱۰» که متعلق به موزهٔ ملی ایران است به دست کاشیکار مذکور ساخته شده است.

حاشیهٔ کاشی «شکل ۹» با اشعاری از کمال الدین اسماعیل اصفهانی تزیین شده است و متن آن چنین است^{۱۴}:

بذات خود اگر چه... بود
ولیکن صحبت بد نیک راتباه کند
چنانک مازو کزو سفید گردد پوست
چو جفت زاج شود عالمی سیاه کند

متن کتیبه‌ای که نام کاشیکار در آن ذکر شده چنین است:

کاتبه العبد الضعیف النحیف علی بن جهان الحسینی غفر الله
ذنبه و ستر عیوبه.

بعضی از کلمات اشعار نوشته شده بر روی کاشی «شکل ۱۰» ناخواناست و از آوردن آنچه خوانده شده است نیز خودداری شد. ولی نام کاشیکار به صورت زیر نوشته شده است:

حرره العبد علی الحسینی

بر روی دو کاشی مذکور تاریخ ساخت نوشته نشده است؛ ولی در همین مجموعه در موزهٔ ملی ایران يك کاشی با تاریخ ۷۰۵ هـ ق موجود است.

کاشیکار دیگری که نام او بر کاشی نقش بسته است جمال الدین نقاش است. این کاشیکار در کارخانهٔ کاشی‌سازی کاشان، که صاحب آن سید رکن الدین محمد غضایری بوده، کار می‌کرده است. چند نمونه از کارهای این کاشیکار در موزهٔ ملی ایران و موزهٔ قم موجود است و متعلق به سال ۷۳۸ هـ ق است و از امامزاده علی بن جعفر قم به دست آمده است.

کاشی «شکل ۱۱» متعلق به موزهٔ ملی ایران است. کاشی «شکل ۱۲» به موزهٔ قم تعلق دارد و از ساخته‌های جمال الدین نقاش است. در حاشیهٔ هر دو کاشی احادیثی از پیامبر اکرم (ص) نوشته شده است که متن احادیث در مبحث مضمون نوشته‌های بر روی کاشی ذکر خواهد شد. نام کاشیکار در «شکل ۱۱» چنین نوشته شده است:



شکل ۹



شکل ۱۰

نگهداری می‌شود.

از نمونه‌های کار ابوزید بر روی کاشی می‌توان از کاشیهای «شکل ۱، ۱۶، ۲۰، ۲۸ و ۳۱» یاد کرد.

لازم به توضیح است که نام کاشیکاران زیادی از خانوادهٔ ابوطاهر کاشانی بر روی چندین محراب آمده است و شکی نیست که آن کاشیکاران کاشیهایی از نوع مورد بحث نیز



شکل ۱۱

در سال ۷۵۹ هـ ق، با نام يك كاشيکار جديد برمی خوریم که نام او روی چند کاشی موجود در حرم امام رضا (ع) نوشته شده است. نام این کاشیکار علی بن محمد بن ابی سعد النقاش است که سه کاشی «شکل ۱۴، ۱۸ و ۱۹» چاپ شده در این کتاب به دست کاشیکار مذکور ساخته شده است. متن نوشته‌های این سه کاشی متعاقباً در صفحات بعد ذکر خواهد شد. این سه قطعه کاشی بدون تاریخ است ولی با مقایسه دوتا از این سه کاشی با کاشی «شکل ۴»، که در سال ۷۵۹ هـ ق ساخته شده است، مسلم می‌شود که سازنده آن کاشی نیز علی بن محمد بن ابی سعد النقاش است.

در سال ۷۶۰ هـ ق، نیز نام يك كاشيکار جديد بر روی کاشی موجود در حرم امام رضا (ع) دیده می‌شود. وی حسام... حیدر قصاع است که قبلاً، حین صحبت درباره تاریخچه مختصر کاشی طلایی «شکل ۵»، به آن اشاره شد. بعد از تاریخ مذکور نامی از کاشیکاران روی کاشی از نوع مورد بحث دیده نشده است. فقط يك كاشی بدون تاریخ در موزه اشمولین^{۱۵} موجود است که نام يك كاشيکار جديد نیز ۷

کتاب فی عاشر ربیع الآخر سنة ثمان [و] ثلثین و سبعماية بمقام کاشان بکارخانه سیدالساده رکن الدین محمد عمل استاد جمال نقاش.

نام این کاشیکار روی کاشی «شکل ۱۲» چنین نوشته شده است:

کتاب فی عاشر ربیع الآخر سنة ثمان [و] ثلثین و سبعماية بمقام کاشان بکارخانه سیدالساده سید رکن الدین محمد ابن المرحوم سید زین الدین علی الفضایری عمل استاد الاجل المحترم استاد جمال نقاش.

خود سید رکن الدین محمد غضایری نیز کاشیکار بوده است و او کسی جز فرزند سوم علی بن محمد بن ابوطاهر نیست. متخصصان پنداشته‌اند که علی بن محمد بن ابوطاهر فقط دو فرزند داشته است: یکی یوسف بن علی و دومی ابوالقاسم کاشانی مؤلف عرایس الجواهر و تاریخ اولجایتو. لیکن این کاشی مدرکی بر داشتن سومین فرزند برای علی بن محمد بن ابوطاهر است. علی بن محمد فرزند چهارمی نیز داشته است که چون جای بحث درباره خانواده ابوطاهر در این کتاب نیست، به همین اشاره اکتفا می‌شود.



شکل ۱۲

روی آن نوشته شده است. نوشته‌های این کاشی، برخلاف کلیه کاشیهایی که تصویر آنها در این کتاب چاپ شده است، وسط کاشی را اشغال کرده است و در حاشیه آن چیزی نوشته نشده است. نام کاشیکار نیز در وسط نوشته شده است (شکل ۱۳). متن نوشته‌های این کاشی، که به نظر می‌آید به قرن نهم هجری تعلق دارد، چنین است:

تم بتریزین دقایق صنعہ المرتضیٰ المعظم السید ضیاء الدین ابن
سید شرف الدین حسین الحسینی دام توفیقہ

شاید در امامزاده‌ها یا موزه‌ها و مجموعه‌های مختلف کاشیهای وجود داشته باشد با نام کاشیکارانی جدید که در حال حاضر اطلاعی از آنها در دسترس نگارنده این سطور نیست.

مضمون نوشته‌های روی کاشی

بر روی کاشیهای مختلف تاکنون نوشته‌هایی گوناگون دیده شده است. صرف نظر از نام کاشیکار، تاریخ ساخت یا محل



شکل ۱۳



شکل ۱۴

روی اشیاء از قرن سوم هجری معمول بوده است. تعدادی زیاد از کلمات قصار و اشعار آن حضرت روی ظروف سفالی نیشابور به خط کوفی نوشته شده است و نگارنده مجموعه‌ای از آن را قبلاً در کتاب کتیبه‌های سفال نیشابور به چاپ رسانده است. استفاده از کلمات قصار و اشعار روی ظروف فلزی و زینت آلات طلایی نیز معمول بوده است و دو نمونه آن يك آویز گردن بند طلاست که متعلق به قرن چهارم هجری است و به شماره ۸۵۲۰ در موزه ملی ایران و يك بشقاب نقره‌ای طلاکوب قرن چهارم هجری با دو بیت شعر از علی (ع) در موزه رضا عباسی موجود است.

استفاده از اشعار علی (ع) روی پارچه‌های ابریشمی قرن چهارم هجری نیز متداول بوده است. یکی از ابیات روی کاشی «شکل ۱۶» (بیت سوم آن) عیناً بر روی پارچه^{۱۶} متعلق به قرن چهارم هجری نیز، به خط کوفی، آمده است.

بر روی کاشی نیز از کلمات قصار و سخنان و اشعار علی (ع) استفاده می‌شده است و تصویر سه کاشی از این نوع در این کتاب چاپ شده است.

کاشی اول (شکل ۵)، که به دست حسام... حیدر قصاب در سال ۷۶۰ هـ ق ساخته شده، با جملات زیر^{۱۷} تزیین گردیده است:

قال امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام
اصداؤک ثلاثة و اعداؤک ثلاثة فاما اصداؤک فصدیقک و
صدیق صدیقک و عدو عدوک.

ساخت، تا به حال نوشته‌هایی دیده شده است که شامل آیات قرآنی، احادیث پیامبر اکرم (ص)، کلمات قصار و سخنان و اشعار حضرت علی (ع)، مناظره امام حسن (ع) با معاویه، کلمات قصار امام محمد باقر (ع)، کلمات قصار امام حسن عسکری (ع)، متنی مربوط به تورات و اشعار فارسی و عربی است که این موارد با نمونه‌هایی بررسی خواهد شد.

استفاده از آیات قرآنی در حدی وسیع بر روی کاشی دیده شده است. قسمت اعظم این قبیل کاشیها در مساجد، امامزاده‌ها یا بقاع متبرکه بر روی دیوار نصب شده بود و یا هنوز هم هست که نمونه‌های آن را در این کتاب (شکل ۴ و ۲۴) می‌توان یافت.

نوشتن احادیث از پیامبر اکرم (ص) روی کاشی نیز معمول بوده است. در کتاب حاضر، سه کاشی با این احادیث چاپ شده است که دو تای آن به شکل ستاره هشت پر است (شکل ۱۱ و ۱۲) و به دست جمال الدین نقاش در سال ۷۳۸ هـ ق ساخته شده است و یکی هشت ضلعی (شکل ۱۴) و جزو کاشیهای حرم امام رضا (ع) است و به دست علی بن محمد بن ابی سعد النقاش ساخته شده است، کاشیهای «شکل ۱۱ و ۱۲» به ترتیب در موزه ملی ایران و موزه قم نگهداری می‌شوند. متن احادیث نوشته شده روی کاشی «شکل ۱۱» چنین است:

قال النبی علیه من الصلوات افضلها ومن التحیات اکملها
اول ما يحاسب العبد الصلوة الناس كأسنان المشط الخمر
جامع الاثم الخمر ام الخبائث اشفعوا توجروا قیدوا العلم
بالكتابة طلب العلم فريضة على كل مسلم ما عال من اقتصد
الناس عالم و متعلم و سائر الناس همج لحوم العلماء مسمومة
صدق رسول الله صلى الله عليه و سلم.

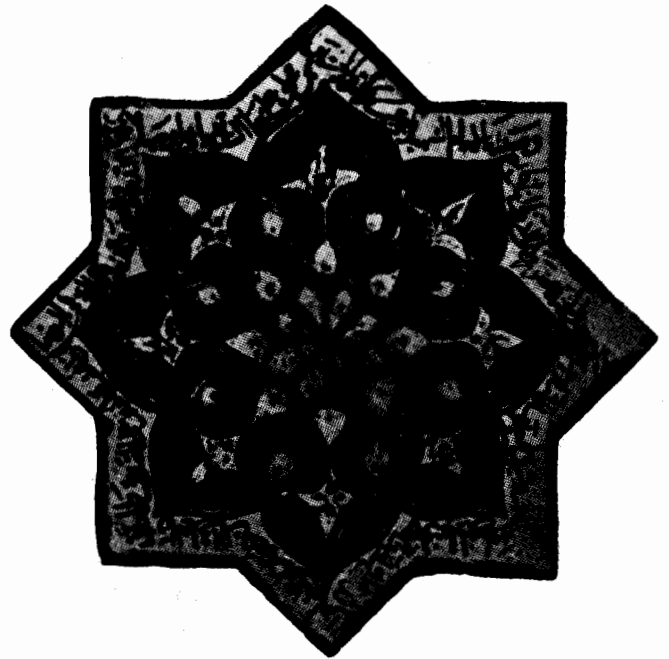
و متن احادیث نوشته شده روی کاشی «شکل ۱۲» چنین است:
قال النبی صلى الله عليه و سلم الاعمال بالنیات المجالس
بالامانة المستشار مؤتمن العدة العطية العدة الدين الحرب
خدعة الندم توبة الجماعة رحمة الفرقة عذاب الامانة
عنى الدين نصيحة الحسب المال و الكرم التقوى الدين
شین الدین.

و متن احادیث نوشته شده روی کاشی «شکل ۱۴» چنین است:
کلام رسول الله صلى الله عليه و آله صدقة السر تطفئ
غضب الرب صلة الرحم تزيد في العمر فعل المعروف يقى
مصارع السوء الرجل في ظل صدقته حتى يقضى الله
بين الناس المعتدى في الصدقة كمانعها التائب من الذنب
كمن لا ذنب له، الظلم ظلمات... يوم القيامة في كل كبد
حرى [اجر].

استفاده از سخنان و کلمات قصار و اشعار علی (ع) بر



شکل ۱۶



شکل ۱۵

وصیت علی (ع) به امام حسین (ع) نیز روی کاشی نوشته شده است. کاشی مذکور در موزه پنسیلوانیا^{۱۸} نگهداری می شود (شکل ۱۵). از مقایسه نقوش این کاشی با نقوش کاشی «شکل ۱۹» به نظر می آید که کاشی موزه پنسیلوانیا نیز به دست علی بن محمد بن ابی سعد النقاش ساخته شده است و احتمالاً از کاشیهایی است که قبلاً در حرم امام رضا (ع) بوده است، متن نوشته های این کاشی^{۱۹} چنین است:

وصيته الامام (كذا) الشهيد ابی عبدالله الحسين بن علی علیها السلام یا بنی اوصیک بتقوی الله فی الغنی و الفقر و کلمة الحق فی الرضا و الغضب و بالعدل علی الصدیق و العدو و بالعمل فی النشاط و الکسل و الرضا عن الله فی الشدة و الرخاء و بینها یا بنی ما شر بعده الجنة بشر و لاخیر بعده النار بخیر و کل نعیم دون الجنة محفور و کل بلاء دون النار عاقبة. کاشی سوم، که به دست ابوزید در ماه صفر سال ۶۱۲ هـ ق ساخته شده است، هشت ضلعی است (شکل ۱۶) و روی آن چهار بیت شعر^{۲۰} و یک جمله از کلمات قصار علی (ع) نوشته شده است. این کاشی نیز در حرم امام رضا (ع) قرار دارد. متن کتیبه های این کاشی چنین است:

الناس من جهة التمثال اکفاء
ابوهم آدم و الام حواء
فان یکن لهم من اصلهم شرف
یفاخرون به فالطین و الماء
ما لفخر الا لاهل العلم انهم
علی الهدی لمن استهدی ادلاء



شکل ۱۷

وقیمة المرء ما [قد] ید کان یحسنه
والجاهلون لاهل العلم اعداء

وقال علیه السلم الانسان عبید الاحسان کتبه ابوزید بخطه
فی صفر سنة ۶۱۲.

بر روی یک کاشی از کاشیهای حرم امام رضا (ع) (شکل ۱۷)، که نیز در سال ۶۱۲ هـ ق ساخته شده است، متنی از

سخنان امام حسن (ع) آمده است که جواب آن حضرت به معاویه است. متن کتیبه چنین است:

من كلام الامام الزكي الحسن بن علي عليهما السلام، افعلی
تفتخر وانا ابن عروق [الثـ]رى وابن سيد اهل الدنيا انا
ابن من... يا معاوية من قديم تباهی به اواب تفاخرنی به قل
لا او نعم ای ذلك شئت فان قلت نعم ابيت وان قلت لا
عرفت قال معاوية فانی اقول لا تصديقاً لك في شهور سنة
اثني عشر و ستمائة هجرية

متن مذکور با کمی اختلاف در المحاسن و المساوی^{۲۱}

به صورت زیر آمده است:

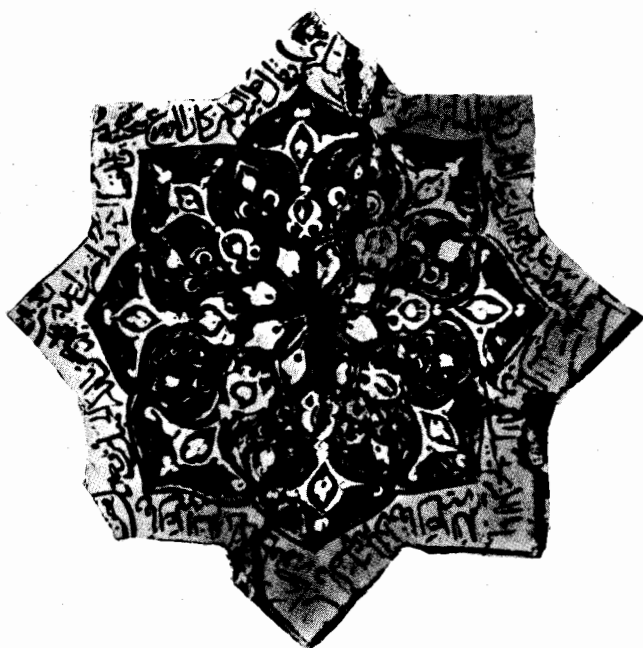
افعلی تفتخر یا معاویه انا ابن ماء السماء و عروق الثرى و
ابن من ساد الدنيا بالحسب الثابت و الشرف الفائق و القديم
السابق انا ابن من رضاه رضى الرحمن و سخطه سخط
الرحمن فهل لك اب كأبي و قديم كقدیمی فان قلت لا تغلب و
ان قلت نعم تكذب فقال معاوية اقول لا تصديقاً لقولك.
از امام محمد باقر (ع) نیز جملاتی روی کاشی به یادگار
مانده است. کاشی مذکور به دست علی بن محمد بن
ابو سعد النقاش ساخته شده است (شکل ۱۸) و جزو
کاشیهای حرم امام رضا (ع) است. متن نوشته های کاشی
مذکور چنین است:

من كلام الامام ابي جعفر محمد بن علي الباقر عليهما السلام
لبعض شيعته كنا لانغنى عنكم و الله... ولا بالورع وان
ولا يتنا... اشد الناس يوم القيامة حسرة من وصف عدلا و اق
جوراً و قال [ع] عليه السلام اذا علم الله تعالى من عبد محسن
نية اکتفاه بالعصمة و قال عليه السلام لا يصبر علی

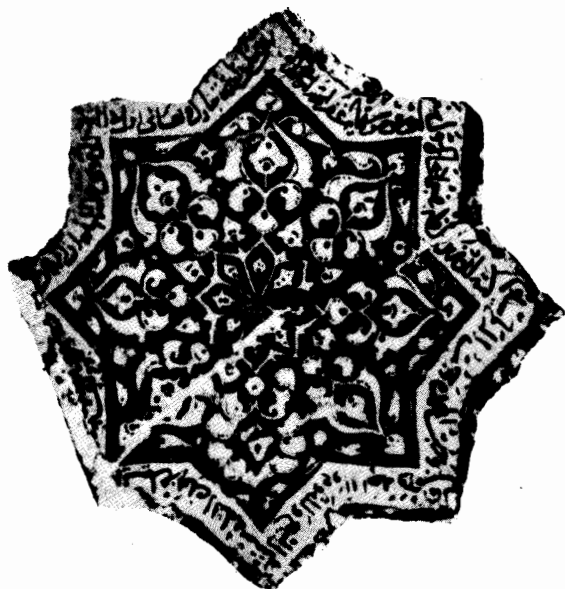
المروءة الا صاحب طبع كريم و كان کتبه علی بن محمد بن ابي
سعد النقاش

از امام حسن عسکری (ع) نیز جملاتی بر روی يك کاشی
نوشته شده است. این کاشی (شکل ۱۹) به دست علی بن
محمد بن ابي سعد النقاش ساخته شده است. متن نوشته های
این کاشی چنین است:

من كلام الامام الحسن بن محمد^{۲۲} بن علي العسكري
عليهم السلام و قال عليه السلام من كان الورع سجيته و
الفضل... انتصر من اعدائه و حسن الثناء عليه و نخص
بالذكر الجميل من وصول... و قال عليه السلام اذا كان
المقدور كاین فالضراعة لماذا و قال عليه السلام... الكريم
يحييك... اللثيم يضعك ليزيد؟ کتبه علی بن محمد بن ابي سعد النقاش



شکل ۱۹



شکل ۲۰



شکل ۱۸



شکل ۲۱

سال ۷۱۱ هـ ق نیز نوشته شده است. روی یکی از این دو کاشی (شکل ۲۱)، که حاشیه آن به صورت اثر پای شتر است، يك خیمه و يك اسب و يك شتر به اضافه نوشته‌هایی به زبان فارسی در حاشیه کاشی نقش گردیده و روی خیمه تزئین شده است، روی کاشی دوم (شکل ۲۲) اثر نعل اسبی نقش گردیده و مطالبی به زبان فارسی نوشته شده است.

این دو کاشی را قبلاً دکتر شهریار عدل همراه با نوشته‌های کاشی اول به چاپ رسانده است^{۲۳}، دو کاشی مذکور در گذشته به یکی از بقاع متبرکه کاشان تعلق داشت و در حال حاضر تنها کاشی دوم (شکل ۲۲) در موزه ملی سرامیک سور (Musée National de Céramique de Sévres)

يك متن مربوط به تورات به دست ابوزید، در ماه جمادی الاول سال ۶۱۲ هـ ق، بر روی يك کاشی به شکل ستاره هشت پر (شکل ۲۰) نوشته شده است. این کاشی نیز در حرم امام رضا (ع) است. متن کتیبه‌های این کاشی چنین است:

روی ان الله تبارك و تعالى انزل في التوراة الى موسى عليه السلام ان امهات... [ثلاثة الكبر والحسد... يسيل من هذه الثلاثة ستنه (كذا) الشيع والنوم والراحة وحب المال وحب المحمدة وحب الرياسة، كتبه ابوزيد بخطه في جمادی الاول سنة اثني عشرة وستمائة غفر الله له بمحمد و آله

يك متن بسیار جالب روی دو کاشی دایره‌ای شکل ساخت



شکل ۲۲

که درین مکان پی جازه نقش کرده اند و چون روز بیامد پی جازه بدین اندازه؟ [دید]/ خدایش بیامرزاد که یکبار سورت (کذا) الحمد و سه بار سوره قل هو الله از براء (برای) بانی این خیر و از [براء] (برای) بیننده خواب و از براء (برای) نویسنده این حروف و کننده این نقش بخواند

کاشی دوم^{۲۴} حاوی نام کامل بیننده خواب و تاریخ دقیق خواب دیدن و نام امیر کاشان و نام یکی از دروازه های کاشان است به اضافه شرح آنچه بیننده خواب در خواب دیده است.

در دو طرف کاشی جملات زیر نوشته شده است:

نعل اسب روز بدین / اندازه مشاهده کرد

و در وسط کاشی متن زیر آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم سيد فخر الدين حسن طبري شب آدینه اول ماه شوال سنة احدى عشر و سبعماية صبحگاهي در خواب چنان دید که در باغ امیر که متصل سور کاشان است بر ظاهر درب مهریقا باد بود و خلقی انبوه از زن و مرد هم درین باغ حاضر خیمه زده دید و اسبی و جمازه آنجا

موجود است و کاشی اول (شکل ۲۱) معلوم نیست که کجاست و تنها عکس آن در بایگانی موزه لوور موجود است.

نوشته های روی این کاشیها حاکی از آن است که نقش یکی (کاشی اول) از روی اثر پای شتر علی (ع) است و نقش دیگری (کاشی دوم) از روی اثر نعل اسب حضرت صاحب الزمان (عج). قطر اولی احتمالاً ۳۲٫۸ سانتیمتر و قطر دومی ۲۸٫۵ سانتیمتر است. نوشته روی خیمه کاشی اول چنین است:

الملك لله الواحد القهار حسبي ربي علي ولي الله محمد صاحب الزمان

در دو طرف کاشی جملات زیر نوشته شده است:

پی جازه / بدین اندازه

در حاشیه کاشی متن زیر آمده است:

بیننده خواب سيد فخر الدين در شب بوا [قعه]؟ چنین دید

بسته و نیزه بزمین فرو برده جوانی در غایت حسن و جمال و بهاء کمال از آن خیمه بیرون آمد برسم عرب تحت الحنك بسته و تیغی حمایل کرده از میان آن همه قوم بیننده خواب اشارت کرد چون بخدمتش رسید سر بر زمین نهاد و سلام کرد جواب فرمود و در خیمه برانداخت بیننده خواب مردی را دید نورانی بغایت مهیب متمکن نشسته زرهی پوشیده تیغی حمایل کرده و از شجاعت و صلابت وی زمین در حرکت آمد و نور از روی مبارک وی به آسمان پیوسته و دستها بر سر زانو نهاده جوان با بیننده خواب گفتی که امیر المؤمنین علی است علیه السلام بیننده خواب بر وی در افتاد و تضرع و زاری کرد امیر المؤمنین فرمود که سر بردار چون سر برداشتی فرمودی که این جوان فرزند ماست مهدی صاحب زمان و این ساعت بطرف هندوستان می‌رویم که کافرانی چند را در دایره اسلام آریم و اشارت خواهم فرمود تا اینجا بنیاد تربتی عالی بنهند که هر کس که خواهد زیارت من دریابد و آنجا نتوان آمدن این مقام را زیارت کند بیننده خواب در اثناء این حال از خواب بیدار گشت و برخاست و بباغ امیر رفت ربعی بیست و پنج خشت در بیست و پنج خشت کشید و نشستگاه امیر المؤمنین و پی اسب برین منوال که این کلمات در بطنش مسطور است و پی جمازه آن موضع را نشان کرد و با شهر مراجعت نمود بعد از دو سه روز دو مرد و دو زن که بزور صلاح و سداد متحلی بودند/ جمازه و امیر المؤمنین علی علیه السلام در خوابی دیدند که با ایشان فرمود که بحیدر فارس گوئید تا آنجا که ما فرموده‌ایم بنیاد تربتی عالی بنهد بر موجب شأن چون این کلمات بسمع مولانا معظم بهاء الملة والدین فارس رسید در روز بعمارت این مقام مشغول شد بحکم ان الله لا یضیع اجر المحسنین والسلم [علی] من اتبع الهدی

صرف نظر از خواب دیدن سید فخرالدین حسن طبری که باعث بنای بقعه و ساخت این دو کاشی شد، مطالب تاریخی مهمی از کاشی دوم به دست می‌آید که باغ و کاخ امیر کاشان در سال ۷۱۱ هـ ق متصل به باروی کاشان و مشرف بر دروازه مهریق آباد بوده است، نام امیر کاشان در آن زمان، به استناد نوشته‌های روی کاشی، بهاء الملة والدین حیدر فارس است. تا این لحظه موفق به پیدا کردن نام این امیر در متون تاریخی نشدم. در ضمن نام دروازه مهریق آباد را نیز در هیچ متنی نیافتم و احتمالاً نام این دروازه به مرور زمان عوض شده است.

محل دقیق بقعه‌ای که این کاشیها قبلاً در آن بوده نیز معلوم نیست. ولی، با بررسیهایی که در سال ۱۳۶۷ در شهر کاشان برای پیدا کردن این بقعه انجام دادم، در فاصله بسیار کمی از باروی کاشان، که هنوز آثاری از آن باقی است،

نزدیک دروازه عطا، محلی معروف به قدمگاه وجود دارد که یکی از اطاقهای قدیمی آن از لحاظ مساحت تقریباً مطابق با نوشته‌های روی کاشی (بیست و پنج خشت در بیست و پنج خشت) است. اگر این بقعه همان بقعه مورد نظر باشد، پس کاخ و باغ امیر کاشان در اوایل قرن هشتم هجری در اطراف همین بقعه بوده است. يك بقعه دیگر نیز به نام قدمگاه در نزدیکی دروازه ملك موجود است که متأسفانه در آن زمان موفق به دیدن آن نشدم؛ احتمال دارد قدمگاه نزدیک دروازه ملك همان بقعه مورد نظر باشد.

بیننده خواب سید فخرالدین حسن طبری کیست؟ با جستجو در متون قدیم موفق به پیدا کردن شرح حال این شخص شدم. این شرح حال دوبار در تلخیص مجمع‌الآداب فی معجم‌الآلقاب ابن الفوطی آمده است که يك بار آن اشتباهاً به نام «حسین» معرفی شده و مصحح کتاب مذکور در پاورقی اشاره کرده است که شرح حال این شخص قبلاً ذیل «حسن» آمده است. نام کامل وی در این کتاب^{۲۵} به صورت «فخرالدین حسین بن الحسن الموسوی الطبری» آمده و اشاره شده است که نامبرده اهل طبرستان است و در سال ۷۰۱ هـ ق برای زیارت ائمه از آمل به بغداد آمده است. نام این شخص در کتاب مذکور^{۲۶} نیز به صورت «فخرالدین حسن بن حسن بن حسین العلوی الآملی» آمده و اشاره شده است که نامبرده از فرزندان حمزه بن موسی بن جعفر است و در سال ۷۰۱ هـ ق از آمل برای زیارت ائمه به بغداد مسافرت کرده است.

تا اینجا مشخص شد که این شخص سید است و همان سید فخرالدین حسن طبری بیننده خواب است.

با توجه به ذکر کلمه «آملی» به عنوان لقب این شخص در کتاب مذکور، این لقب نگارنده را به یاد يك شاعر شیعه قرن هشتم هجری انداخت که اغلب اشعارش در مدح حضرت علی(ع) و ائمه اطهار است، این شاعر کاشانی الاصل است ولی در آمل متولد و بزرگ شده است و همان مولانا حسن کاشی است. شرح حال او در تذکرة الشعرا سمرقندی^{۲۷} آمده است و بیت زیر از وی نقل شده است:

مسکن کاشی اگر در خطه آمل بود

لیکن از جد و پدر نسبت بکاشان می‌رود

و ضمن شرح حال او اشاره شده است که وی بعد از زیارت کعبه به قصد زیارت مرقد حضرت علی(ع) روان شد و در آنجا، در شب زیارت، حضرت علی(ع) را به خواب دید. در



شکل ۲۴

هورایس هاو مایر در سال ۱۹۴۱ م به آن موزه هدیه کرده است. روی این کاشی با آیات قرآنی تزیین شده است و بعد از آیات يك بيت شعر فارسی که در مصرع دوم آن يك آیه قرآنی گنجانیده شده به صورت زیر نوشته شده است:

ندارم هیچ گونه توشه راه
بجز لا تقنطو (کذا) من رحمت الله

همان طور که ملاحظه می شود این بیت شعر از لحاظ معنی رنگ مذهبی دارد. همین بیت شعر بر روی سردر ورودی قرائت خانه و مدفن خانوادگی لرزاده در شهرری به خط نستعلیق نوشته شده است. و طبق گفته آقای لرزاده این بیت شعر را قبلاً روی سنگ قبر پیری در خواجه ربیع مشهد دیده است. ولی بر روی يك کاشی موجود در موزه رضا عباسی، به يك نمونه عجیب و جالب از لحاظ نوشته برمی خوریم. این کاشی صلیبی شکل چهار گوش است (شکل ۲۵) و در سال ۶۸۱ هـ ق ساخته شده است و فقط در چهار گوشه آن نوشته هایی دیده می شود. کلیه نمونه هایی که تاکنون دیده شده از لحاظ نوشته مستقل است، یعنی کل متن بر روی همان کاشی نوشته شده است و ارتباطی به کاشی دیگری ندارد. بر روی کاشی موزه رضا عباسی دو مورد جلب توجه می کند: مورد اول نوشتن آیات قرآنی در يك گوشه کاشی و نوشتن رباعیات عاشقانه در سه گوشه دیگر؛ و مورد دوم ناقص بودن متن آیات قرآنی و اشعار فارسی که نشان دهنده این است که از نظر نوشته کاشی مستقل نبوده بلکه مکمل آیات و اشعار منقوش بر روی کاشیهای به شکل ستاره هشت پر دیگر بوده است؛ و این دلیل بر وجود يك مجموعه کاشی بر روی دیوار با



شکل ۲۳. آرامگاه سید فخرالدین حسن طبری معروف به ملاحسن کاشی در سلطانیه.

آن خواب داستان دیگری درباره بازگانی آمده است که در کشتی در حال غرق شدن بود و در آن حین، برای نجات، يك هزار دینار نذر حضرت علی (ع) کرد که در پایان داستان، مولانا حسن کاشی آن مبلغ را وصول می کند.

در کتاب تذکرة الشعرا اشاره شده است که سال وفات مولانا معلوم نیست چه زمانی است، ولی ملازم دربار اولجایتو بوده است و بعد از فوت در سلطانیه دفن شده است.

در حال حاضر، يك مقبره در نزدیکی گنبد سلطانیه موجود است که متعلق به اوایل قرن هشتم هجری است و معروف به آرامگاه ملاحسن کاشی است (شکل ۲۳).

به استناد کاشی دارای نقش نعل اسب، سید فخرالدین حسن طبری در اول شوال سال ۷۱۱ هـ ق زنده بوده و احتمال دارد چند سال بعد از آن و حداکثر تا ۷۱۶ هـ ق (تاریخ وفات سلطان اولجایتو که به علما و شعرای شیعه احترام زیادی می گذاشت) فوت شده باشد. دیوان اشعار این شاعر هنوز چاپ نشده است و شاید از اشعار موجود در دیوان او بتوان مطالبی درباره بقعه مورد نظر یا امیر کاشان به دست آورد. نوشتن اشعار فارسی بر روی کاشی از اوایل قرن هفتم هجری در حدی بسیار وسیع دیده شده است، در حالی که استفاده از اشعار عربی بر روی کاشی محدود بوده است، قسمت اعظم اشعار فارسی نوشته شده روی کاشی رباعیات و سپس اشعار فردوسی است. از دیگر انواع شعر فارسی، مانند غزلیات و شکوایات و ملمع و قطعه و دیگر انواع شعر فارسی، نیز گاهی استفاده می شده است.

تلفیق مضمونهای مختلف بر روی کاشی بسیار نادر است که يك نمونه آن بر روی کاشی شماره ۲۴-۱۶۵-۴۱ موجود در موزه متروپولیتن (شکل ۲۴) دیده می شود که آن را آقای



شکل ۲۵

متن مرتبط به هم است.

در گوشه سمت چپ بالای کاشی مذکور قسمتی از سوره «القدر» به شکل زیر نوشته شده است:

رو ما ادراك ما ليلة القدر ليلة الـ

و در گوشه سمت راست بالا، تاریخ ساخت کاشی به اضافه آغاز يك رباعی به صورت زیر نوشته شده است:

... احدی و ثمانین [و] ستمایه یادم چو ازین عزم

متن کامل این رباعی در یکی از کاشیهای تخت سلیمان (شماره ۶۲)، در همین کتاب، ذکر شده است.

در گوشه سمت چپ پایین قسمتی از يك رباعی نوشته شده است به این صورت:

اختر بازی وی عادت من در

متن کامل این رباعی در یکی از کاشیهای تخت سلیمان (شماره ۴۲)، در همین کتاب، ذکر شده است.

در گوشه سمت راست پایین قسمتی از يك رباعی نوشته شده که تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری دیده نشده است، متن آن چنین است.

لانی کردی با مرکب باد هم عنانی کردی از بادی

این رباعی از مهستی است^{۲۸} و عبارت «از بادی» در اصل

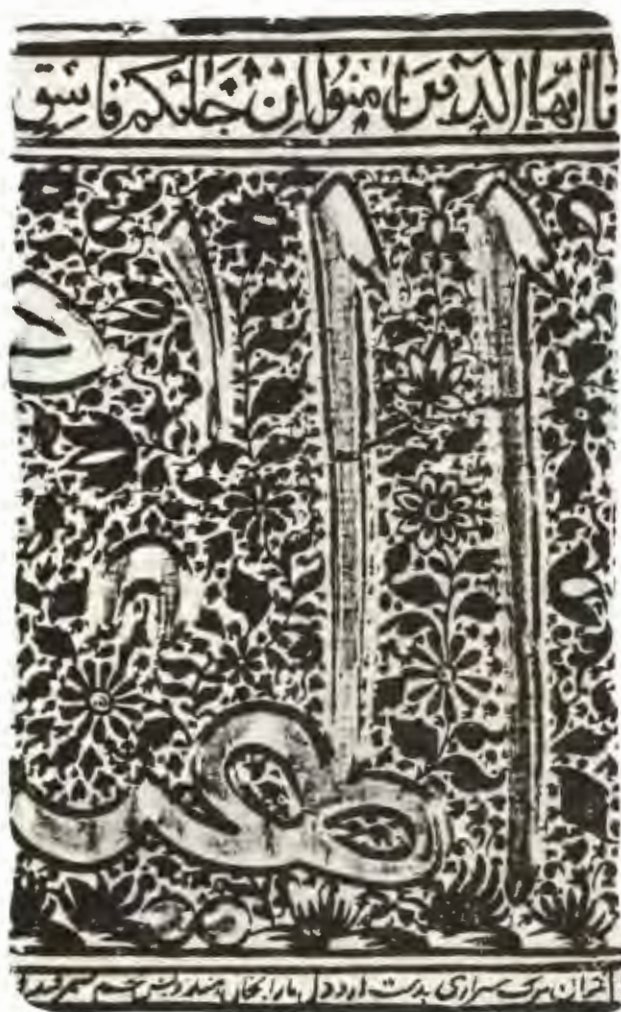
شعر مهستی نیامده است، متن کامل آن رباعی چنین است:

ای رشته چو قصد لعل کانی کردی

با مرکب باد هم عنانی کردی

در سوزن او عمر تو کوتاه چراست

نه غسل به آب زندگانی کردی.



شکل ۲۶

يك نمونه دیگر، قسمتی از يك کاشی خشتی (شکل ۲۶) متعلق به قرن نهم هجری است که توأماً با آیات قرآنی و اشعار حافظ تزیین شده است. روی این کاشی^{۲۹}، در قسمت بالا به خط ثلث، قسمتی از آیه ۶ سوره ۴۹ (الحجرات) نوشته شده است:

يا ايها الذين آمنوا ان جائكم فاسق

و در وسط با خط ثلث قسمتی از آیه ۱ سوره ۱۰۲ (التكاثر) به صورت زیر نوشته شده است:

الهيـ[كم التكاثر]

در قسمت پایین، اشعاری از حافظ شیرازی به خط نستعلیق نوشته شده که روی کاشی تنها بیت اول آن اشعار مانده است. متن این بیت شعر^{۳۰} چنین است:

اگر آن ترك شیرازی بدست آرد دل ما را

بخال هندویش بخشم سمرقندو [بخارا را]

از نمونه‌های اشعار فارسی روی کاشی به اشعار کاشی «شکل ۲۷»، که در مجموعه محسن مقدم نگهداری می‌شود و شکل آن مطابق با جای آن روی دیوار ساخته شده است،



شکل ۲۷

اشاره می‌شود. روی این کاشی يك رباعی از مجیرالدین بیلقانی^{۳۱} و قسمتی از يك رباعی دیگر نوشته شده است. متن رباعی اول چنین است:

با دل گفتم چو دلبری بگزیدی
بنشین و بگو [که] با منش چون دیدی
دل گفت [که] از تو جان طمع می‌دارد
می‌دان و تو این سخن ز من نشنیدی

و متن رباعی دوم به صورت زیر نوشته شده است:

داری سر آن که این دل غم پرورد
صد غدر بخواهدت بجرمی که نکرد
یا رسوایی که بصد محنت و درد
خونش بخوری.....

به آوردن نمونه‌هایی دیگر از اشعار فارسی روی کاشی نیاز نیست. در مورد اشعار عربی می‌توان از کاشی «شکل ۱» و کاشی «شکل ۱۶» نام برد که یکی با اشعار عربی از ابوزید و دومی با اشعاری از علی (ع) تزیین شده است.

اشعار و متون چگونه در اختیار کاشیکار قرار می‌گرفت
بعضی از متخصصان در گذشته اعتقاد داشتند که اشعار توسط خود کاشیکار سروده و روی کاشی نوشته شده است، در حالی که این نظر اشتباه محض است و با جستجوی فراوان در دیوانها و تذکره‌های شعرا، از چاپی و خطی، موفق به پیدا کردن بیش از چهارصد رباعی و دیگر انواع شعر شده‌ام که به نام دهها شاعر مشهور یا گمنام عرب و فارس است. تعلق شعر به خود کاشیکار یا سفالگر بیشتر در مورد سفالینه‌های مینایی صادق است. در پشت قسم اعظم کاسه‌های مینایی، بعد از اشعار عبارت «قائله و کاتبه بعد ما صنعه...» (گوینده و نویسنده آن پس از اینکه آن را ساخت) نوشته شده است. در مورد کاشی، یگانه موردی که می‌توانیم بگوئیم که اشعار روی

آن را خود کاشیکار سروده است همان کاشی «شکل ۱» است که در سال ۶۰۰ هـ.ق به دست ابوزید ساخته شده است و قبل از نام ابوزید و بعد از اشعار، که سه بیت آن عربی است و يك رباعی فارسی است، نوشته شده است «لکاتبه ابوزید بعد ما عمله و صنعه فی لیلة الاربعاء من اواخر صفر سنة ستمائة هجرية عربية». این نوشته ثابت می‌کند که اشعار روی کاشی از ابوزید است. از این کاشیکار چند رباعی دیگر نیز بر روی کاسه‌های مینایی متعلق به دهه نهم قرن ششم هجری آمده است و از آن رباعیات تنها یکی روی کاشیها و ظروف دوره‌های مختلف استفاده شده است. البته روی هیچیک از این کاشیها و ظروف اشاره نشده که رباعی از ابوزید است. مدرک ما تنها يك کاسه مینایی است. متن این رباعی، ذیل شماره (۸۶)، بر روی کاشیهای تخت سلیمان، در کتاب حاضر ارائه شده است.

پرسشهای دیگری که در مورد اشعار روی کاشی پیش می‌آید این است که آیا کاشیکار اشعار را حفظ کرده سپس روی کاشی می‌نوشته است یا آنها را از روی دیوان شعری یا مجموعه اشعاری مستقیماً بر روی کاشی منعکس می‌کرده است؟ آیا خود او از روی دیوان یا مجموعه اشعار می‌خواند و می‌نوشت یا شخص دیگری برای کاشیکار شعر را می‌خواند و کاشیکار فقط شعر را می‌نوشت؟ به این پرسشها با ارائه نمونه‌هایی از کاشیهای مختلف پاسخ داده خواهد شد.

در حال حاضر چهار کاشی موجود است که ثابت می‌کند که اشعار از روی دیوان یا مجموعه اشعار بر روی کاشی منعکس شده است. همچنین مدارکی بر روی خود کاشیها موجود است که ثابت می‌کند شخص دیگری اشعار را می‌خوانده و کاشیکار آن را می‌نوشته است.

در دیوانها و مجموعه‌های اشعار اصطلاحاتی وجود دارد که در بالای اشعار نوشته می‌شود مانند «ایضاً»، «ایضاً له»، «هموراست» و نظایر آنها. از کلمه «ایضاً» معمولاً برای اجتناب از ذکر مکرر نام شاعر که نام او در بالای شعر قبلی یا در ابتدای اشعار نوشته شده است استفاده می‌شود. همچنین از این کلمه برای نشان دادن این معنی استفاده می‌شود که شعر ذیل آن از لحاظ موضوع نوعاً با شعر قبلی از يك مقوله باشد، مانند وصف زلف، روی، غم، خزان و مانند آنها که معمولاً این عناوین بالای شعر قبلی یا در ابتدای اشعار نوشته می‌شود. دو کلمه دیگر «ایضاً له» و «هموراست»، که هم معنی اند، مشخص می‌کند که شعر دومی نیز متعلق به سراینده

از بس که دل شکسته در ... [شکند]
 ... و دل کنون ز غم کم شکند
 يك دم چو خوشدلی فراهم آرم
 در پای کشد غم و فراهم شکند
 ایضاً

... این دل بی حاصل را
 این منزل تنگ ناخوش مشکل را
 دانی که دل تنگ فراخست
 ای عمر..... [را]

... ابوزید بخطه فی شهر سنة ۶۰۷ هجریة

کاشی دوم (شکل ۲۹)، که از کاشیهای حرم امام رضا (ع) است، با اشعاری از عبدالعزیز بن آدم بن ابو نصر قمی تزیین شده و متعلق به سال ۶۱۲ هـ ق است. در مورد این شخص (عبدالعزیز بن آدم بن ابو نصر قمی) متعاقباً توضیحاتی ارائه خواهد شد. حاشیه این کاشی با چهار بیت شعر در مدح علی (ع) آرایش شده است که بعد از بیت دوم عبارت «هموراست» نوشته شده است که ثابت می کند اشعار از روی دیوان یا مجموعه اشعار نقل شده است. در ضمن، کتیبه کاشی با «قال فی منقبة امیر المؤمنین الحاجی عبدالعزیز بن آدم القمی» شروع می شود و این نیز ثابت می کند که متن با عنوان از روی کتاب خاصی برداشته شده است. متن کتیبه های این کاشی چنین است:

قال فی منقبة امیر المؤمنین الحاجی عبدالعزیز بن آدم القمی



شکل ۲۸

شعر قبلی است.

روی سه کاشی از این چهار کاشی این عبارات در لابلای اشعار روی کاشی نوشته شده است که ثابت می کند که اشعار از روی مجموعه اشعاری نقل شده نه اینکه کاشیکار اشعار را حفظ کرده است؛ چون در این حالت نوشتن این عبارات روی کاشی که معمولاً حفظ نمی شود، موردی پیدا نمی کند. وجود این عبارات روی کاشی همچنین نشان می دهد که اشعار برای کاشیکار خوانده می شده و او آنچه را می شنیده روی کاشی می نوشته است و این معنی با مدارکی دیگر نیز ثابت می شود که بعداً به آنها خواهیم پرداخت.

کاشی اول که عبارت «ایضاً» دوبار روی آن آمده (شکل ۲۸) با سه رباعی تزیین شده است. و آن بعد از رباعی اول و نیز بعد از رباعی دوم نوشته شده است، و هر سه رباعی در فصل «غم» می گنجد. در ضمن رباعی اول از عمادی شهریار^{۳۲} است و احتمالاً دوربای دیگر یعنی رباعیهای دوم و سوم نیز از همین شاعر است. این کاشی در سال ۶۰۷ هـ ق به دست ابوزید ساخته شده است و هم اکنون در موزه هنرهای زیبای بوستن^{۳۳} نگهداری می شود. متن کتیبه های این کاشی چنین است:

گفتم بشکسته دل کچون داری کار
 اندر شکن زلف خم اندر خم یار
 دل گفت که نیکوست ز ما دست بدار
 ما هر دو شکسته را بهم باز گذار
 ایضاً



شکل ۲۹

ای شهنه شرع و شوهر پاك بتول
وی بازوی [تو] رونق بازار رسول
در عالم علوی و جهان سفلی
بی خب ولای تو عمل نیست قبول
هموراست

تا دست فلک تخم بد و نیک بکشت
بر ذات شریف تو ملك بد نوشت
در خانه تو آمده ای پاك سرشت
از چرخ فلک زهره و زهرا ز بهشت

در کاشی سوم (شکل ۳۰) که نیز با اشعاری از عبدالعزیز بن آدم قمی تزیین شده است، عبارت «ایضاً له» بعد از بیت دوم آمده است. این کاشی در سال ۶۱۲ هـ ق ساخته شده است و از کاشیهای حرم امام رضا (ع) است. متأسفانه قسم اعظم اشعار از بین رفته و مشخص نیست و آنچه از کتیبه‌های این کاشی مشخص است چنین است:

حاجی عبدالعزیز گوید
اعراض و جواهرند اسباب جهان

در گرد سرا پرده صنعت.....
...خط فرمان تو کوه.....

.....

ایضاً له

جانها در شب عالم غیبی بردند
تنها همه در..... [بر] دند
...اسرار تو آمده رسولی....

.....بردند

کتب فی جمادی الآخر سنة اثنی عشر و ستمائة



شکل ۳۰

آوردن عنوان «حاجی عبدالعزیز گوید» قبل از اشعار نیز ثابت می‌کند که متن با عنوان از روی کتاب خاصی برداشته شده است.

کاشی چهارم يك کاشی صلیبی شکل چهارگوش^{۳۴} است که باز از آن می‌توان به عنوان مدرکی بر نقل اشعار از کتاب خاصی یاد کرد. این کاشی نیز به دست ابوزید ساخته شده است. اشعار روی این کاشی بسیار جالب است و کاشی در پرتو وجود این اشعار منحصر به فرد است. روی این کاشی کلا هشت بیت شعر نوشته شده است که چهار بیت شعر آن عربی است و چهار بیت دیگر فارسی. آنچه در این اشعار جلب توجه می‌کند اینکه دو بیت شعر عربی نوشته شده است، سپس محتوای همان دو بیت به شعر فارسی آمده است. بعد از بیت ششم، عبارت «بالفارسیة» یعنی «به زبان فارسی» نوشته شده است که باز ثابت می‌کند که اشعار نوشته شده روی کاشی از روی مجموعه اشعاری نقل شده است. بیت‌های سوم و چهارم، که ترجمه فارسی بیت‌های اول و دوم است منسوب به سنائی غزنوی^{۳۵} و قاضی شمس الدین طبسی^{۳۶} است. متن کتیبه‌های این کاشی (شکل ۳۱) چنین است:

اقلل مجالسة الاشرار ان لهم
رجساً ینجس منك العرض ان امرا
کضوء شمس تراه مشرقاً فاذا
بذرة من سحاب صار مستترا
با بدان کم نشین که صحبتشان
گرچه پاکی ترا پلید کند



شکل ۳۱



شکل ۳۲



شکل ۳۳

چنین است:

اضعف عباد الله محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین زید بخطه بعد
ما عمله وصنعه غفر الله له ولجميع المؤمنين والمؤمنات بمحمد و
عتره (کذا) الطاهرین.

و متن کتیبه‌ای که نام عبدالعزیز بن آدم قمی در آن آمده (شکل
۳۴) چنین است:

خداوندا بحق این امام پاك معصوم بر آن بنده رحمت كن كه يك
بار سوره فاتحه الكتاب بخواند از بهر این ضعیف عبدالعزیز بن
آدم و بگوید كه خداوندا گناهانش عفو كن و بروی رحمت كن
بفضلك و كرمك و رحمتك



شکل ۳۴

آفتاب ارچه روشنت اورا
اندکی ابر ناپدید کند
لا طاقه لی بما حوی الاحشاء
لا اجترأ شکوک فلا اشکاء
لا وجه... تهجر هوناً هوناً
یارب کذا بغیر دائی^{۳۷} داء
بالفارسیه

نه طاقت غمخوردن و نه زهره آن
کز تو بکسی بنالم ای جان و جهان
نه روی بریدن از تو آسان آسان
هرگز دردی بود چنین بی درمان
کتیبه ابوزید

غیر از مذارك ارائه شده در مورد نقل متون از کتب خاص،
نمونه‌های زیادی که در آغاز کتیبه‌ها نوشته شده نیز ثابت
می‌کند که متن از کتاب خاصی برداشته شده است، مانند آغاز
احادیث نبوی و کلمات قصار علی (ع) و امامان که عکسهای
آنها در صفحات پیشین آمده است.

در مورد هویت عبدالعزیز بن آدم بن ابونصر قمی چند
ابهام وجود دارد. در گنجینه آثار قم^{۳۸} آمده است که این
شخص خود کاشیکار بوده است و در سال ۵۰۰ هـ ق حاشیه
کاشیهای حرم امام رضا (ع) را با کتیبه‌های قرآنی و احادیث
نبوی و مرتضوی نوشته است. این شخص در اوایل قرن هفتم
هجری زنده بوده و همچنانکه از کاشیهای (شکل ۲۹ و ۳۰)
مشخص است شاعر است و نمی‌تواند که در سال ۵۰۰ هـ ق
وجود داشته باشد. در ضمن، خود این شخص سفارش دهنده
ساخت کاشیهای حرم امام رضا (ع) در سال ۶۱۲ هـ ق بوده
است. محراب بزرگ کاشی حرم امام رضا (ع) و کاشیهای
جبهه ورودی حرم نیز به دستور این شخص ساخته شده
است. محراب حرم، که هنوز هم برجاست، به دست محمد بن
ابوطاهر بن ابوالحسین با همکاری ابوزید ساخته شده است،
چون نام هر دو کاشیکار در دو جای مختلف محراب نوشته
شده است. در قسمتی که نام ابوزید آمده (شکل ۳۲) این
نوشته دیده می‌شود:

اللهم اغفر لمن استغفر لابی زید بن محمد بن ابی زید النقاش

روی همین محراب نام عبدالعزیز بن آدم قمی نیز نوشته شده
است ولی اشاره‌ای نشده که وی در ساخت محراب نقشی
داشته است، در حالی که در مورد محمد بن ابوطاهر در کتیبه،
با این عبارت: «بعد ما عمله وصنعه»، به این معنی اشاره شده
است. از ابوزید کارهای زیادی نیز موجود است، متن
کتیبه‌ای که نام محمد بن ابوطاهر در آن آمده (شکل ۳۳) ۲۰



شکل ۳۵



شکل ۳۶

ساخته شده به دست محمد بن ابو طاهر عبارت «القاشانی» نوشته نشده است و نیز محرابی که در سال ۶۶۷ هـ ق به دست علی بن محمد بن ابو طاهر ساخته شده و در حرم امام رضا (ع) موجود است به محمد بن ابو طاهر نسبت داده است، که درباره اشتباه مؤلف کتاب مذکور احتیاج به توضیح نیست. در ضمن، اکنون چندین کاشی موجود است که به دست افراد همین خانواده ساخته شده و عبارت «القاشانی» بعد از نام آنان ذکر شده است. يك نمونه آن محراب كوچك مسجد كله است که در شهر قهرود کاشان موجود است. این محراب (شکل ۳۸)، که قسمتی از پایین آن در حال حاضر در زیر کف ۲۱

همچنین متن کتیبه‌ای که نام عبدالعزیز بن آدم روی کاشیهای مدخل ورودی حرم آمده (شکلهای ۳۵، ۳۶ و ۳۷) چنین است:

تقرب بهذه العمارة السنية العلية العبد الضعیف الذلیل المحتاج الى رحمة الله تعالى مولی آل محمد عبدالعزیز بن آدم بن ابونصر القمی حشره الله معه ومع آله الطاهرين و آبائهم المطهرين. مؤلف گنجینه آثار قم سعی کرده است به استناد ذکر نام عبدالعزیز بن آدم روی کاشی ثابت کند که خانواده ابو طاهر، قمی هستند نه کاشانی و کارگاه آنان در قم بوده است نه در کاشان، و اشاره کرده است که روی هیچیک از کاشیهای



شکل ۳۷

النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أمر بتجديد عمارت هذا المسجد المبارك
العبد الضعيف محمد بن فضل الله بن علي القهرُدي (كذا) في
جمادى الأولى سنة [ع] [شرو] [س] [بعماية]
و در وسط محراب جمله «لا اله الا الله محمد رسول الله»
و سورة اخلاص نوشته شده است. نام سازنده محراب بالای
دو ستون وسط محراب (شکلهای ۳۹ و ۴۰ به شرح زیر
نوشته شده است:

عمل یوسف بن / علی / بن / محمد / [بن] ابی طاهر
الغضایری / القاشانی

البته استناد مؤلف گنجینه آثار قم بیشتر به خزاین نراقی
(صص ۳۶۰ تا ۳۶۲) است که در آن مطالبی درباره سفارش
ساخت کاشیهای حرم امام رضا (ع) در سال ۵۰۰ هـ ق آمده و
اشاره شده است که نوشته‌های روی کاشی به دست
عبدالعزیز بن آدم نوشته شده است. با مراجعه به کتاب مذکور
مطلبی غیر از آنچه مؤلف گنجینه آثار قم نقل کرده است دیده
نشده و متأسفانه معلوم نیست مرجع نراقی در مورد کاشیهای
چیست و نامه قاضی احمد قمی را، که مطالب درباره کاشی در
آن درج شده، از کجا نقل کرده است. متن نامه مذکور چنین
است:

«صورت مراسله که جناب قاضی احمد قمی بیگی از
فضلازاده‌های بلوک جاسب که از جمله بلوک قم است نوشته،
بسم الله الرحمن الرحيم... (چند سطر) و شیخ (شیخ جعد)
در زمان سلطان سنجر ماضی که از سلاطین سلجوقی بوده
است و بجهت انوار و دیوار حرم محترم کاشی که بهتر از
چینی ترتیب داده اند، و تمامی احادیث نبوی و مرتضوی و



شکل ۳۸

شبستان مسجد قرار دارد به دست نوه محمد بن ابوطاهر
ساخته شده است. در کاشیه محراب جملات زیر نوشته شده است:
[بنی] هذا المسجد المبارك في سنة ثلاث وثمانين عن عيد(?)



شکل ۳۹



شکل ۴۰

قرآن مجید که بر آن کتابت شده، ترتیب‌دهنده آن کاشی جاسبی بود و نویسنده آن قرآن و احادیث عبدالعزیز بن ابی-نصر قمی بود و در تاریخ خمسانه بوده و آنها را بر اشتران لوك سوار کرده، از معجزات این است که آنها بطی ارض بحوالی مشهد مقدس آمده بودند و در گودی فرود آمده بودند، صبحی جمعی بر سر گود آمده کسی همراه نبود، آنها را برداشته پیش سیدالنقبا سید محمد موسی برده‌اند و بکار نشانده، و اولاد و اولادشین جعد از آن تاریخ خادم و مجاور و صاحب اختیار آستانه بوده‌اند... (چند سطر)

در باب اینکه آیا شخص دیگری اشعار را برای کاشیکار می‌خوانده یا نه، علاوه بر عبارات عنوانی مذکور که نقل اشعار از روی متون ادبی را می‌رساند، در چند رباعی نوشته شده روی کاشی اشتباهاتی در نوشتن بعضی کلمات دیده می‌شود که این اشتباهات باز ثابت می‌کند که کاشیکار آنچه را شنیده نوشته است و اشتباهات در واقع در جریان تلفظ کلمات توسط شخصی که اشعار را می‌خوانده و استماع آنها رخ داده است و به احتمال قوی، در حین خواندن اشتباهی رخ نمی‌داده و درست خوانده می‌شده ولی شنونده (کاشیکار) به همان صورتی که می‌شنیده روی کاشی می‌نوشته است.

توضیح اینکه تلفظ بعضی کلمات با صورت مکتوب آنها مطابق نیست و همین امر منشأ اشتباه شنونده در نقل آنها می‌شود. اولین نمونه، رباعی ابوسعید ابوالخیر است (تصویر ۲-ب) در قطعات کاشی تخت سلیمان که کلمه اول بیت دوم آن «هان ای» روی چندین کاشی به صورت «هانی» نوشته شده است. در واقع این عبارت در خواندن به صورت «هانی» تلفظ می‌شود و کاشیکار آنچه شنیده روی کاشی نوشته است. مورد دوم (تصویر ۷۷-ب-ج) در قطعات کاشی تخت سلیمان دیده می‌شود. روی این دو قطعه کلمه «بیژن» روی قطعه کاشی (۷۷-ب) به صورت «بجن» و روی قطعه کاشی (۷۷-ج) به صورت «بژن» نوشته شده است. کلمه «بیژن» را عامه به صورت «بجن، بژن» تلفظ می‌کنند و باز کاشیکار آنچه شنیده روی کاشی نوشته است. مورد سوم حرف «و» است که در بعضی اوقات در حین خواندن اشعار به صورت «او» تلفظ می‌شود که در (تصویر ۱۰۲-ب-ج) در عبارت «و در بی آبی» است که حرف «و» روی چندین کاشی و ظرف زرین فام به صورت «او در بی آبی» نوشته شده است. همین حرف «و» در همین رباعی روی يك بشقاب زرین فام موجود در سازمان میراث فرهنگی تهران به صورت صحیح



شکل ۴۱

تصرف و تحریف مصون مانده است، می‌توان هر يك از کاشیها و ظروف را به عنوان يك سند خطی دست نخورده تلقی کرد. در صورتی که گاهی کلماتی از نسخ خطی در اثر مرور زمان و عوامل مختلف، نظیر پاره شدن کاغذ و آب‌خوردگی و جز آن، نامشخص است و کاتب هنگام نسخه‌برداری اجتهاد به رأی می‌کند و به مدد ذوق خود کلمات مناسبی را به جای آنها قرار می‌دهد و یا بد خط بودن نسخه او را، برخلاف اصل رعایت امانت، به تعویض کلمات ناخوانا می‌کشاند.

هنگام مقایسه اشعار روی کاشیها و ظروف با اشعار مندرج در دیوانها به اختلافات متعددی برخوردیم. بعضی از این اشعار کاشیها و ظروف به نظر نگارنده صحیحتر و به سبک صاحب اثر نزدیکتر است. در اینجا به مواردی از صدها مورد اختلاف اشاره می‌کنم.

یکی از آنها، کاشی به شکل ستاره شش‌پر (شکل ۲) است که عکس آن در مبحث اول چاپ شده است و حاوی يك رباعی از ابوسعید ابوالخیر است. بیت دوم این رباعی به طور کامل با بیت دوم رباعی چاپی ابوسعید ابوالخیر متفاوت است و بیت دوم رباعی چاپی از نظر معنی، ارتباطی با بیت اول ندارد.

کاشی:

جانا بزمین خواوران خاری نیست
کش با من و روزگار من کاری نیست
اجزای وجودم همه گر خصم شوند
اینجا که منم خصومتم باری نیست
سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر^{۳۹}:

جانا بزمین خواوران خاری نیست
کش با من و روزگار من کاری نیست

آن «و در بی آبی» نوشته شده است. در ضمن، در يك رباعی جدید، که تا به حال روی کاشی یا ظروف دیده نشده است، روی همین بشقاب يك اشتباه وجود دارد که باز ثابت می‌کند که کاشیکار و سفالگر اشعار را از شخص دیگری می‌شنیده‌اند. این اشتباه در عبارت «او بس» است که صحیح آن «و بس» است. رباعی شامل این عبارت به علت فقدان جای کافی به طور کامل نوشته نشده است. متن بیت اول این رباعی (شکل ۴۱) چنین است:

من بودم دوش و آن پری زاده او بس
يك مرغ و خروسکی پر از باده او بس

امثال این اشتباهات در نوشتن اشعار روی ظروف و کاشی زیاد دیده می‌شود و علتی جز آنچه ذکر شد ندارد و آخرین نمونه آن؛ که در اینجا مطرح می‌شود، عبارت «ای جان جهان» است که روی چندین کاشی و ظرف، در رباعیات مختلف، به صورت «ای جان و جهان» نوشته شده است، از جمله روی کاشی (شکل ۳۱) در مصرع «کز تو بکسی بنالم ای جان و جهان».

اهمیت اشعار روی کاشی و ظروف در تصحیح متون ادبی

اشعار روی کاشی و نیز روی ظروف سفالی می‌تواند از جهات مختلف مورد تحقیق قرار گیرد که مهمترین آنها از نظر نگارنده جنبه ادبی آن است، مقایسه این اشعار، اعم از فارسی و عربی، با اشعار مندرج در دیوان شاعران، می‌تواند محققان را در تصحیح انتقادی و علمی آثار آنان یاری دهد.

با توجه به قدمت این ظروف و کاشیها و اینکه اکثر آنها دارای تاریخ ساخت و کتابت است و از تاریخ تحریر از

با لطف و نوازش جمال تو مرا
در دادن صد هزار جان عاری نیست.

همین رباعی روی کاشی به همان صورت، بر روی يك بشقاب زرین قام ساخته شده در سال ۶۱۳ هـ ق آمده است (قسمتی از رباعی به علت شکستگی بشقاب از بین رفته است). آن بشقاب در موزه هنر اسلامی برلن غربی به شماره I-528 نگهداری می شود.

گاهی سفالگر و کاشیکار در حین نوشتن يك یا چند کلمه و یا قسمتی از يك کلمه آن را سهواً دوبار تکرار می کند یا فراموش می کند بنویسد؛ و آن یا از نوشتن با لعاب که بسرعت انجام می گیرد ناشی است یا از این امر که خواننده اشعار برای کاشیکار بعضی کلمات را تکرار می کرده و سفالگر و کاشیکار آنچه می شنیده می نوشته است. مثلاً روی کاشی به شکل ستاره شش پر مذکور، «ان» در کلمه «خاوران» دوبار نوشته شده و جمله «فی جُلّها خللا» در بیت عربی بعد از این رباعی دوبار آمده است. این مورد روی چند کاشی دیگر نیز دیده شده است.

برای اطلاع بیشتر، بیت عربی روی کاشی مذکور از الخرمی، شاعر ایرانی قرن دوم هجری است. وی اشعار عربی می سروده و در سال ۲۱۴ هـ ق فوت شده است، متن کامل آن بیت شعر^{۴۰} چنین است:

انّ الامور اذا الاحداث دبرها
دون الشیوخ ترى فی جُلّها خللا

و بعد از آن بیت، تاریخ ساخت کاشی به صورت «فی ذی القعدة ستمایه» آمده است.

برمی گردیم به اصل موضوع و چند متن روی کاشی را با همان متن از دیوانهای چایی با هم مقایسه می کنیم و قضاوت درباره آنها را به متخصصان ادبیات فارسی واگذار می نمایم. کاشی (متن کامل رباعی روی کاشی موجود در موزه سیاتل آمده و قسمتی از همان رباعی در قطعات کاشی تخت سلیمان - تصویر ۳۵ - دیده می شود):

جز می زهر آنچ هست کوتاهی به
وان می ز کف بتان خرگاهی به
مستی و قلندری و گمراهی به
يك جرعه می ز ماه تا ماهی به
طربخانه رباعیات حکیم خیام:

از هر چه بجز می است کوتاهی به
می هم ز کف بتان خرگاهی به
رندی و قلندری و گمراهی به
يك جرعه می ز ماه تا ماهی به.

کاشی (متن کامل رباعی روی يك کاشی موجود در موزه سیاتل آمده و قسمتی از همان رباعی روی قطعات کاشی تخت سلیمان - تصویر ۲۷ - دیده می شود):

آنها که بنای عمر بر زرق نهند
آیند و میان جان و می فرق نهند
بر فرق نهم خروس می تا بزم
گر خود همچو خروسم آره بر فرق نهند
طربخانه رباعیات حکیم خیام:

آنان که اساس کار بر زرق نهند
آیند و میان جان و تن فرق نهند
من ترك می لعل نخواهم گفتن
گر همچو خروسم آره بر فرق نهند.

خروس می در مصرع سوم روی کاشی عبارت است از صراحی که دهانه آن شبیه به سر خروس است و نمونه هایی از آن در موزه های مختلف موجود است و از این عبارت در چند رباعی دیگر روی کاشی و ظروف سفالی استفاده شده است، مانند شکل ۴۱ و نیز تصویر ۸۵. همچنین نظامی گنجوی در چهار بیت مختلف از آن استفاده کرده است، متن دو بیت اول^{۴۱} چنین است:

خروس صراحی درآمد به جوش
خروش از سر خم همی گفت نوش
ز حلق خروسان طاوس دم
فرو ریخت در طاسها خون خم.
و دو بیت دیگر^{۴۲} چنین است:

صراحی چون خروسی ساز کرده
خروسی که بوقت آوازه کرده
زرشك آن خروس آتشین تاج
گهی تیهو بر آتش گاه دراج.

مجیرالدین بیلقانی نیز به این امر اشاره کرده است و در دیوان خود (۱۱۶) چنین سروده است:

می ز خروس ده منی همچو پر تذروده
هین که خروس صبح خوان بار دگر فشاند پر

در حال حاضر، غیر از این اشعار يك مدرک موجود است که ثابت می کند که صراحیهای خروسی شکل در قرنهای ششم و هفتم هجری به نام «خروس» معروف بوده اند. يك صراحی خروسی شکل، که دو پوشه است و با لعاب سیاه و فیروزه ای تزئین شده است، در «فریر گالری» واشنگتن موجود است. روی این صراحی رباعی زیر نوشته شده است:

همواره ترا دولت و عز افزون باد
اقبال تو بگذشته ز محد بیرون باد

تا هر چ ازین خروس بکام تو رسد
ای صدر جهان ترا بجان افزون باد

رباعی مذکور روی دهها ظرف دیگر که به اشکال مختلف ساخته شده اند نیز آمده است و بدیهی است که با تغییر شکل ظرف کلمه «خروس» مبدل می شود به کلمه دیگر که نام آن ظرف است. تا به حال این رباعی با کلمات «صراحی، کاسه، طاس، جام، سبو، قدح، صحن و طبق» به جای «خروس» روی ظروف مختلف آمده است. رباعی مذکور روی چند کاشی نیز نوشته شده است، لیکن روی آن کاشیها فقط بیت اول این رباعی نوشته شده است. به نظر می آید که این رباعی از سروده های سفالگر و کاشیکار باشد.

کاشی (تصویر ۹ قطعات کاشی تخت سلیمان):

آن به که دل از کار جهان برگیرم
وین بند گران ز پای جان برگیرم
دیوان افضل الدین کاشانی:

خواهم که دل از کار جهان برگیرم
وین بند گران ز پای جان برگیرم

کاشی (تصویر ۲۶ قطعات کاشی تخت سلیمان):

می خور که نهاد ملک محمود اینست
وز چنگ شنو که لحن داود اینست
از آمده و شده می اندیش بنقد
خوش باش که از وجود مقصود اینست
طربخانه رباعیات حکیم خیام:

با باده نشین که ملک محمود اینست
وز چنگ شنو که لحن داود اینست
از نامده و رفته دگر یاد مکن
خوش باش که از وجود مقصود اینست

کاشی (تصویر ۷ قطعات کاشی تخت سلیمان):

در دیده کاینات موجود تویی
عالم همه شاهدند مشهود تویی
نه در جهتی نه از تو خالی جهتی
هر جا که اشارت است مقصود تویی

دیوان افضل الدین کاشانی:

در دیده کاینات موجود تویی
عالم همه شاهدند مشهود تویی
نه در جهتی نه خالی از هر جهتی
هر جا که اشارتست مقصود تویی

کاشی (تصویر ۱۳ قطعات کاشی تخت سلیمان):

ای روی تو آب از گل رعنا برده
زلفت سبق از عنبر سارا برده

در بوالعجبی چشم فلک را چشمت
شش خصل فرو داده و عذرا برده

نزهة المجالس فی الاشعار (جمال الدین اشهری):

ای روی تو آب گل رعنا برده
صبر از دل من غمت بغوغا برده
در بوالعجبی چشم فلک را چشمت
شش خصل فرو داده و عذرا برده

کاشی (تصویر ۲۲ قطعات کاشی تخت سلیمان):

می را که همیشه بر خرد دندانست
هم اوست که مونس خردمندانست
می در خم اگر چه سرگرفته است رواست
در شیشه نگر چه خرم و خندانست

دیوان ظهیر الدین فاریابی:

می را که همیشه با خردمندانست
هم اوست که مونس خردمندانست
می در خم اگر چه سرگرفته ست رواست
در شیشه نگر چه خرم و خندانست

کاشی (روی يك کاشی موجود در مجموعه مرحوم دکتر محسن مقدم که قبلاً به چاپ رسانده ام^{۴۳}. این رباعی روی يك کاشی دیگر - شکل ۴۲ - نیز آمده است):

آباد خرابات ز می خوردن ماست
خون [دو هزار تو به در گردن ما] است
شاید که کند خدای پر ما رحمت
کارایش رحمت از گنه کردن ماست
طربخانه رباعیات حکیم خیام^{۴۴}:

آباد خرابات ز می خوردن ماست
خون دو هزار تو به در گردن ماست
گر من نکنم گناه رحمت که کند
آرایش رحمت از گنه کردن ماست

دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی^{۴۵}:

آباد خرابات ز می خوردن ماست
خون دو هزار تو به در گردن ماست
زان می کنم این تو به وز آن می شکم
آرایش رحمت از گنه کردن ماست

این کاشی «شکل ۴۲» در ماه جمادی الآخر سال ۷۳۹ هـ ق در کاشان ساخته شده است و غیر از رباعی اول يك رباعی دیگر و يك بیت شعر روی آن نوشته شده است که بیت مذکور همان بیتی است که در «تصویر ۸۷» آمده است. رباعی دوم روی کاشی، که روی يك کاشی موجود در موزه دفینه بنیاد مستضعفان و جانبازان نیز آمده است، از کمال الدین اسماعیل اصفهانی^{۴۶}، و متن آن چنین است:

شب گرچه ز روشنی جدایی دارد
 او را دو طرف بروشنایی دارد
 بیگانه ز حال دل منم و نه دلم
 دیر است که با تو آشنایی دارد

تاریخ ساخت کاشی به شرح زیر نوشته شده است:
 كتب ذلك في شهر جمادى الآخر تسع و ثلثين و سبعمائة
 بکاشان [ها] [لا] [هـ]



شکل ۴۳



شکل ۴۲

تاریخ دقیق ساخت کاشیهای تخت سلیمان

در میان صدها قطعه کاشی به دست آمده از تخت سلیمان، حدود نود قطعه آن با تاریخ ساخت است. کاشیهای مذکور دارای سه تاریخ مختلف - ۶۷۰، ۶۷۱ و ۶۷۴ هـ - ق - است. همه آن نود قطعه کاشی دارای تاریخ کامل ساخت نیست، چون تاریخ ساخت معمولاً در آخر متن نوشته می شود و گاهی روی بعضی کاشیها جای کافی برای نوشتن تاریخ کامل وجود ندارد؛ لذا یا تاریخ نوشته نمی شود و یا ناقص نوشته می شود. نمونه های مختلف تاریخ کامل و ناقص در قطعات کاشی تخت سلیمان موجود است و در این کتاب چاپ شده است.

روی قطعه کاشی «شکل ۴۳» فقط جمله «فی تاریخ» (در تاریخ) نوشته شده است در حالی که روی قطعه کاشی «شکل ۴۴» کلمه «ماه» نیز نوشته شده، به صورت «فی تاریخ ماه». گاهی جایی برای نوشتن ماه ساخت نیز وجود دارد ولی برای سال جای کافی نیست مانند قطعه کاشی «شکل ۴۵» که روی



شکل ۴۴

آن «...تاریخ ماه ذی القعدة» نوشته شده است. در قطعه کاشی «شکل ۴۶» با کلمه «سنة» بعد از ماه ساخت، کتیبه پایان گرفته است و به صورت «فی تاریخ ماه ربیع الآخر سنة» درآمده است. روی قطعه کاشی «شکل ۴۷» قسمت اول عدد سال نیز به صورت «... الآخر سنة احدى» نوشته شده است.



شکل ۴۷



شکل ۴۵



شکل ۴۸



شکل ۴۶

تاریخ به صورت «...ان لسنة ۶۷۴» است. نمونه نوشتن قسمتی از تاریخ ساخت با حروف و قسمتی دیگر به رقم قطعه کاشی «شکل ۴۹» است که روی آن تاریخ ساخت به صورت «ذی الحجة سنة احدى ۶۷» نوشته شده است و همچنین قطعه

فقدان جای کافی برای نوشتن تاریخ کامل ساخت گاهی کاشیکار را مجبور می کند که تاریخ را یا کلا به رقم بنویسد و یا قسمتی از تاریخ ساخت را با حروف و قسمتی دیگر را به رقم. نمونه تاریخ ساخت به رقم «شکل ۵۱» است که روی آن



شکل ۵۱



شکل ۴۹



شکل ۵۲

گاهی حتی روز دقیق ساخت نوشته می شود که در میان قطعات کاشی تخت سلیمان چنین نمونه ای دیده نشده است، ولی در کاشیهای دوره های بعد این امر مشهود است، مانند کاشیهای «شکل ۱۱» و «شکل ۱۲» که در دهم ربیع الآخر ساخته شده اند. همچنین با ذکر نام روز مانند کاشی «شکل ۱» که در شب چهارشنبه اواخر صفر سال ۶۰۰ هـ ق ساخته شده است.

همان طور که قبلا اشاره شد، کاشیهای تخت سلیمان در سه سال مختلف ۶۷۰، ۶۷۱، و ۶۷۴ هـ ق ساخته شده است. نمونه کاشیهای با تاریخ ساخت ۶۷۰ هـ ق، قطعات کاشی «شکلهای ۵۴ و ۵۵» است. نمونه کاشیهای با تاریخ ساخت ۶۷۱ هـ ق، قطعات کاشی «شکلهای ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۶ و ۲۹



شکل ۵۰

کاشی «شکل ۵۰» با نوشته «... الحجة سنة احدى وسبعين ۶». روی کاشی گاهی به ماه ساخت اشاره نمی شود بلکه به طور کلی به عبارت «فی شهر» (در ماههای) قبل از نوشتن سال ساخت اکتفا می شود. نمونه آن قطعات کاشی «شکل ۵۲» و «شکل ۵۵» است. گاهی حتی به ماه اصلا اشاره نمی شود، مانند قطعه کاشی «شکل ۵۶» با نوشته «فی سنة احدى و سبعين و ستمائة» (در سال ۶۷۱). البته روی کاشی



شکل ۵۵



شکل ۵۳



شکل ۵۶



شکل ۵۴

قطعه کاشی که جزو قطعات کاشی تخت سلیمان دیده شده نوشته شده است.

ماههایی که روی قطعات کاشی تخت سلیمان دیده شده است عبارت اند از: «ذی القعدة»، روی قطعه کاشی «شکل ۴۵»؛ «ربیع الآخر»، روی قطعه کاشی «شکل ۴۶»؛ «شوال»، روی قطعه کاشی «شکل ۴۸»؛ «ذی الحجة»، روی قطعه کاشی «شکلهای ۴۹ و ۵۰»؛ «رجب»، روی قطعه کاشی «شکل ۵۳»؛ و «رمضان»، روی قطعه کاشی «شکل ۵۹».

۵۷» است و نمونه کاشیهای با تاریخ ساخت ۶۷۴ هـ ق، قطعات کاشی «شکلهای ۴۸، ۵۱، ۵۸ و ۵۹» است.

روی بعضی کاشیها، اگر جای کافی باشد، گاهی بعد از سال ساخت کلمه «هجریه» نیز نوشته شده است، مانند قطعه کاشی «شکل ۵۷»، یا عبارت «هجریه نبویه» که روی يك



شکل ۵۹



شکل ۵۷



شکل ۶۰



شکل ۵۸



شکل ۶۱

منتفی است و با دقت در دو حرف اول هر دو کلمه روی هر دو کاشی مشخص می شود که آن دو حرف در واقع «ه» و «ر» یا «ز» است به صورت «هر» یا «هز» که اگر با کلمه «هر»، که در ۳۱

ماههای مذکور روی چند قطعه کاشی دیگر از قطعات کاشی تخت سلیمان دیده شده است.

غیر از قطعات مذکور، در دو قطعه کاشی از جمله قطعات کاشی بسیار جالب، شروع تاریخ ساخت روی قطعه اول «شکل ۶۰»، «فی سنه» است و روی کاشی دوم «شکل ۶۱»، «فی تاریخ» است. اما کلمه بعدی روی هیچیک از این دو قطعه کاشی مشخص نیست: روی قطعه کاشی «شکل ۶۰» شبیه به «مذکوره» است و بر فرض صحت، معلوم نیست مراد از مذکوره «سنه» سال ۶۷۰ یا ۶۷۱ و ۶۷۴ هـ ق است؛ در قطعه دوم «شکل ۶۱» تنها قسمت اول کلمه بعدی شبیه به قسمت اول کلمه روی قطعه کاشی «شکل ۶۰» است. این احتمال که کلمه روی قطعه کاشی «شکل ۶۰» می تواند «مذکوره» باشد



شکل ۶۲

رباعی عمر خیام (جزمی زهر آنچ هست...) آمده و اتفاقاً آن رباعی روی هر دو کاشی بعد از تاریخ ساخت نوشته شده، مقایسه شود، ثابت می شود که شروع دو کلمه روی دو کاشی باید «هر» یا «هز» باشد. آیا کل این کلمه روی هر دو کاشی تاریخ ساخت به حروف ابجد است؟ این احتمال بعید است، زیرا تاریخ ساخت باید یکی از سالهای ۶۷۰، ۶۷۱ و یا ۶۷۴ هـ ق باشد، ولی «هر» یا «هز» به اضافه بقیه حروف به حساب جمل یکی از اعداد مذکور نیست.

حرف سوم روی هر دو کاشی حرف «گ» است و حرف چهارم و پنجم روی قطعه کاشی «شکل ۶۰»، «و» و «ن» است و روی قطعه کاشی «شکل ۶۱» فقط حرف «ن» است که می توان کلمه را روی قطعه کاشی «شکل ۶۰» به صورت «هرگون» یا «هزگون» خواند و روی قطعه کاشی «شکل ۶۱» به صورت «هرگن» یا «هزگن». ولی معنی آن چیست؟ تا این این لحظه تفسیری برای این قرائت پیدا نشد.

نقوش و محل ساخت کاشیهای تخت سلیمان

در چندین فصل حفاری در تخت سلیمان، توسط مؤسسه باستان شناسی آلمان غربی، صدها قطعه کاشی شکسته به دست آمد، تعداد کاشیهای سالم تخت سلیمان اندک است. همچنانکه در معرفی قطعات کاشی تخت سلیمان دیده خواهد شد، تعداد زیادی از این کاشیها به صورت نیم کاشی درآمده است و این امر در همان جریان کار گذاشتن کاشیها روی دیوار صورت پذیرفته است. استفاده از نیم کاشی از این رو ضرورت پیدا کرده که ساخت نیم کاشی که جای آن در اطراف مجموعه کاشیها که به صورت مربع یا مستطیل درآید پیش بینی نشده است. برش پشت چند کاشی که به صورت مایل درآمده است این امر را ثابت می کند.

اثر مهمی که در قسمت اعظم کاشیهای تخت سلیمان دیده می شود انعکاس نقش کاشی دیگر بر پشت آنهاست. این اثر پشت دهها کاشی نمایان است و علت آن، به نظر نگارنده، گذاشته شدن کاشیها روی همدیگر در کوره است پیش از اینکه لعاب روی آنها خشک شود، اما نظر آقای اصغرپور- شیروی، که مدتی است روی کاشی زرین فام کار می کند، این است که علت آن حرارت بیش از حد کوره در زمانی است که کاشیها روی همدیگر در کوره قرار داشته اند.

چند نمونه کاشی که نقش کاشی دیگری بر پشت آن منعکس شده است در این کتاب چاپ شده است



شکل ۶۳

«شکلهای ۶۲، ۶۳، ۶۴ و ۶۵». در شکل ۶۲، مجموعه ای از قطعات کاشی که پشت آنها نقش کاشی دیگری منعکس شده است دیده می شود. «شکل ۶۳» تصویر يك کاشی سالم است که در موزه ملی ایران نگهداری می شود و از تخت سلیمان به دست آمده و دارای تاریخ ۶۷۴ هـ ق است. تصویر، روی کاشی را نشان می دهد. حاشیه این کاشی با همان رباعی، که در «تصویر ۶۲» قطعات کاشی تخت سلیمان آمده، تزیین شده است. غیر از این رباعی، يك بیت شعر که در «تصویر ۸۷» قطعات کاشی تخت سلیمان آمده نیز در حاشیه این کاشی



شکل ۶۶



شکل ۶۷

۸۷» قطعات کاشی تخت سلیمان ارائه شده است. روی کاشی، که در زیر قرار داشت، قسمتی از يك رباعی جدید، که قبلاً روی هیچ کاشی یا ظرف دیگری دیده نشده، نمایان است. آنچه از این رباعی مشخص است عبارت است از «خواه و آن از لب جام»، که قسمتی از رباعی متعلق به کمال الدین اسماعیل اصفهانی^{۴۷} است و متن کامل آن چنین است:

لب باز مگیر يك زمان از لب جام
تا برداری کام جهان از لب جام
در جام جهان چو تلخ و شیرین بهمست
این از لب یار خواه و آن از لب جام

همان طور که اشاره شد، انعکاس نقش يك کاشی پشت کاشی بر روی دیگر صدها قطعه کاشی دیده شده است. در مورد ظروف سفالی، نظیر کاسه و قدح و بشقاب، با گذاشتن سه پایه سفالی میان ظروف، مانع تماس بدنه ظروف با همدیگر در کوره می شوند. ولی اخیراً عکس يك کاسه سفالی زرین فام به دستم رسید که ثابت می کند در داخل ظروف زرین



شکل ۶۴



شکل ۶۵

نوشته شده است. «شکل ۶۴» پشت همان کاشی را نشان می دهد که همچنانکه ملاحظه می شود نوشته های پشت آن به صورت معکوس درآمده و با چاپ نگاتیو آن عکس به صورت معکوس نوشته های آن صورت عادی یافته است (شکل ۶۵). حاشیه کاشی که در زمان ساخت در زیر این کاشی قرار داشت، اتفاقاً با همان بیت شعری تزیین شده است که در کاشی بالایی نوشته شده بود و متن آن در «تصویر



شکل ۶۸



شکل ۶۹



شکل ۷۰

چنین است:

ی ز طمع با عزت خود بساز و خواری مطلب

که اتفاقاً قسمتی از رباعی منسوب به افضل الدین کاشانی و چند شاعر دیگر است که روی کاشی «شکل ۳» نیز آمده و متن کامل آن در تاریخچه مختصر کاشی طلایی مورد اشاره قرار گرفته است.

غیر از این نوع انعکاس نقش پشت کاشی، چند نمونه کاشی که پشت آن با لعاب نقاشی شده است - نه اینکه نقش کاشی دیگری پشت آن منعکس شده باشد - به دست آمده است. با توجه به اینکه پشت کاشی از لحظه‌ای که روی دیوار نصب می‌شود دیگر دیده نخواهد شد، معلوم نیست به چه علت پشت کاشی را نیز نقاشی کرده‌اند، «شکل ۶۹» قطعه‌ای از کاشی صلیبی شکل چهار گوشه‌ای است و «شکل ۷۰» پشت همان کاشی است که همچنانکه ملاحظه می‌شود نقاشی شده است. در «شکل ۶۲» نیز دو قطعه کاشی دیده می‌شود که پشت آن نقاشی شده است.

نقوش روی کاشیهای تخت سلیمان متنوع است، شامل نقوش هندسی و گیاهی و جانوران و انسان. نقوش گیاهی تقریباً در همه قطعات کاشی تخت سلیمان که در این کتاب

فام سه پایه سفالی - برای جلوگیری از تماس بدنه ظروف در کوره - گذاشته نمی‌شود بلکه در هر ظرف چهار ظرف دیگر به صورت قائم گذاشته می‌شود. پشت این کاسه (شکل ۶۶) نقش کاسه دیگری منعکس شده است. در این تصویر، در قسمت سفید انحنای سمت راست، انعکاس نقش دیده می‌شود. در «شکل ۶۷» کل قسمت منعکس شده دیده می‌شود و با چاپ نگاتیو آن عکس به صورت معکوس نوشته‌های آن صورت عادی یافته است (شکل ۶۸). این کاسه به شماره 1964, 60/St.201 در موزه هامبورگ نگهداری می‌شود. قسمتی از اشعار منعکس شده روی بدنه خارجی این کاسه

چاپ شده است دیده می شود و نمونه های نقوش هندسی را می توان در تصاویر ۲۰، ۲۵، ۳۴-ب، ۵۱-ب، ۶۰-الف، ۶۱، ۷۱-ب، ۷۹-د و ۸۳-ب ملاحظه کرد. نقوش انسانی که از روی کاشیها طراحی شده در طرحهای ۱ تا ۷؛ نقوش جانوران، مانند خرگوش و آهو و روباه و سگ و شیر و ماهی و جز آن در طرحهای ۸ تا ۱۸ دیده می شود.

در مباحث قبلی تعدادی کاشی، که روی آنها نام کاشیکار یا تاریخ و محل ساخت نوشته شده، ارائه شده است، روی کاشیهای تخت سلیمان نامی از کاشیکاران دیده نشده است. همچنانکه قبلاً اشاره شد، در اوایل قرن هفتم هجری نام ابوزید روی چند کاشی و از اوایل قرن هشتم هجری به بعد نیز نام چند کاشیکار روی کاشی دیده شده است. روی کاشیهای تخت سلیمان و عموماً کاشیهای قرن هفتم هجری اصلاً نام محل ساخت نوشته نمی شد در حالی که در قرن هشتم هجری نام شهر «کاشان» به عنوان محل ساخت روی چند کاشی آمده و در شکلهای ۳، ۱۱، ۱۲ و ۴۲ ارائه شده است.

با توجه به اظهار نظر مسئولان حفاری در تخت سلیمان، که هیچ گونه کوره کاشی پزی که در آن آثاری از کاشیهای زرین فام باشد نیافته اند، نتیجه می گیریم که کاشیها باید در محل دیگری ساخته شده و سپس به تخت سلیمان انتقال یافته باشد.

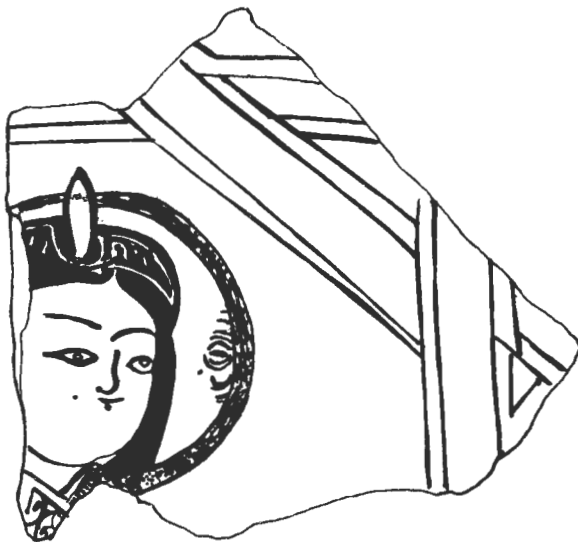
با توجه به اینکه محل ساخت انواع مختلف ظروف زرین فام و مینایی و نقاشی شده در زیر لعاب و کاشی شهر کاشان است و همه آنها در کارگاه خاندان ابوطاهر کاشانی ساخته شده است، شك نیست که کاشیهای تخت سلیمان که تاریخ



طرح ۲



طرح ۳



طرح ۴



طرح ۱



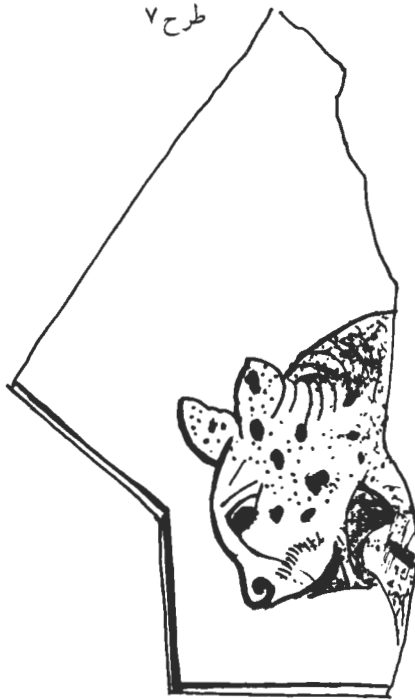
طرح ۵



طرح ۷



طرح ۶

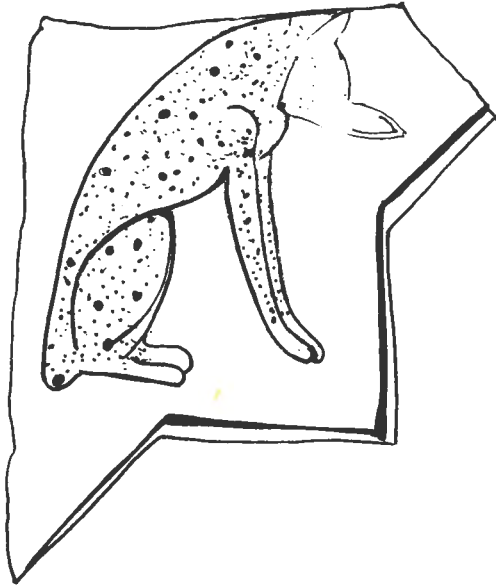


طرح ۸

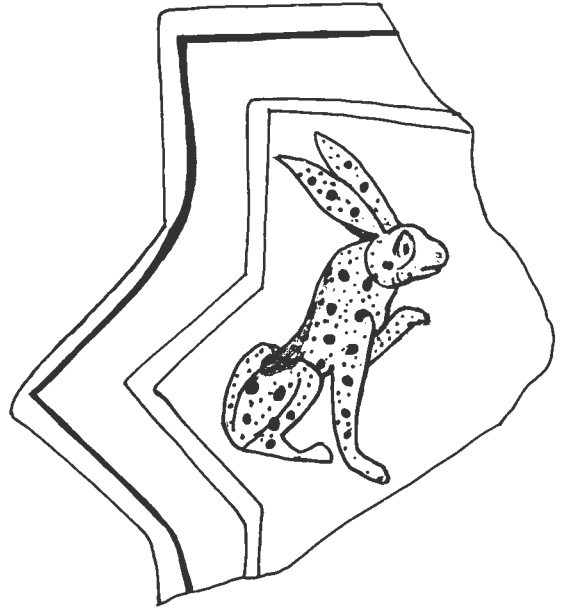
ساخت آنها، همچنانکه در مبحث قبلی اشاره شده است، سالهای ۶۷۰، ۶۷۱ و ۶۷۴ هـ ق است، در کارگاه زین الدین علی بن محمد بن ابوطاهر کاشانی در کاشان ساخته شده است. لازم به یادآوری است که کاشیهای تخت سلیمان متعلق به کاخ ابا قحطان فرزند هولاقوست که مدت هفده سال از ۶۶۳ تا ۶۸۰ هـ ق سلطنت کرده است.

با مقایسه اشعار و نقوش ترسیم شده روی کاشیهای تخت

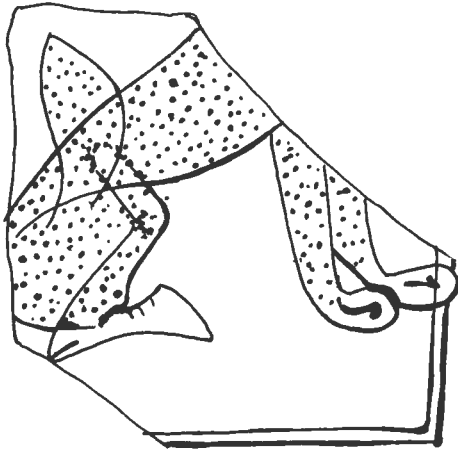
سلیمان با اشعار و نقوش کاشیهای کاشان، هرگونه ابهامی برطرف می شود و شکی باقی نمی ماند که محل ساخت کاشیهای تخت سلیمان کاشان بوده است. با ملاحظه تشابه نقوش جانوران روی کاشیهای تخت سلیمان (طرحهای آن ارائه شده است) و مقایسه آنها با نقوش ترسیم شده روی کاشیهای کاشان، مانند خرگوشی که سرش به عقب برگشته یا دست خود را بلند کرده و نقوش روباه، پرنده، آهو، سگ،



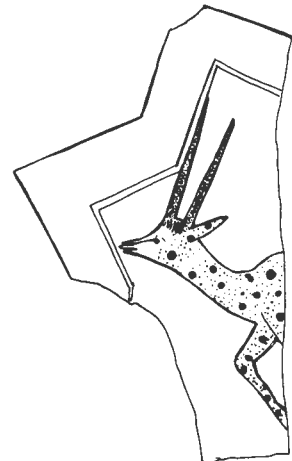
طرح ۱۲



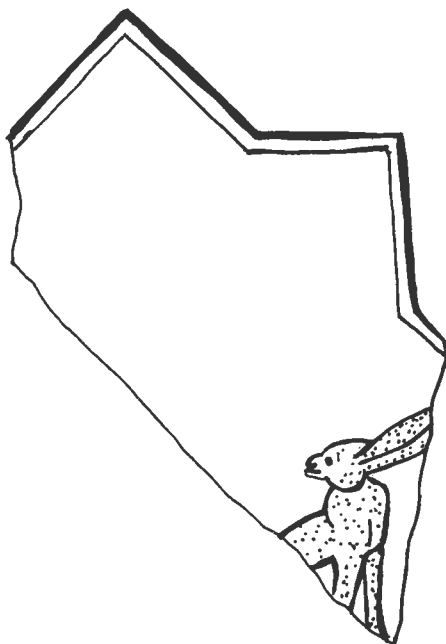
طرح ۹



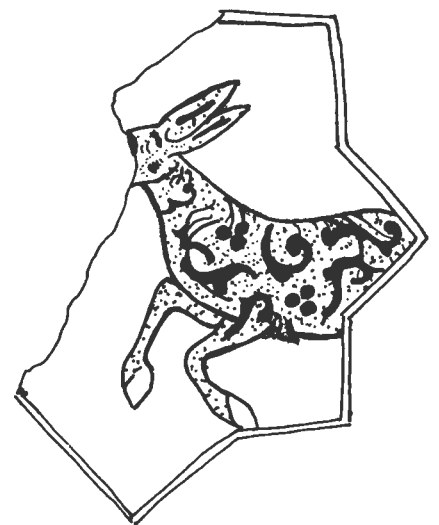
طرح ۱۳



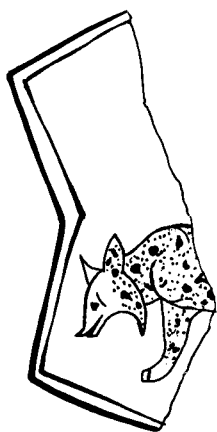
طرح ۱۰



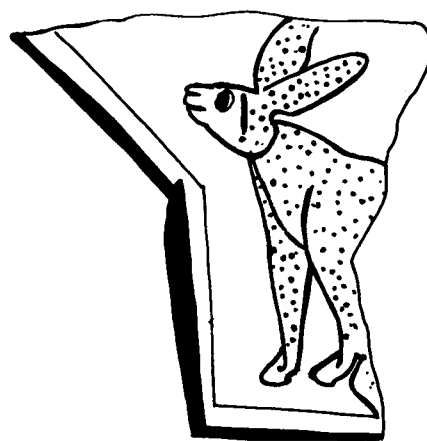
طرح ۱۴



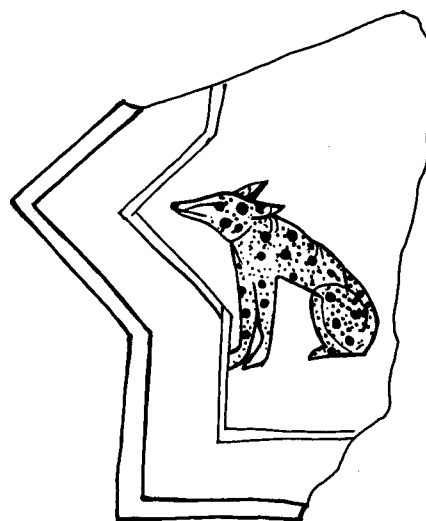
طرح ۱۱



طرح ۱۸



طرح ۱۵



طرح ۱۶



طرح ۱۷

هق است و از امامزاده جعفر دامغان به دست آمده است. از این شش کاشی فقط دو کاشی دارای تاریخ است، ولی اکثر کاشیهای امامزاده جعفر دامغان، که تعداد آنها حدود ۲۰ قطعه است، دارای تاریخ ۶۶۵ هـ ق است.

با مقایسه «طرح ۸» که اصل آن در «تصویر ۵۹-ب» چاپ شده است و قسمتی از سر یک شیر را نشان می دهد، با سر شیر کاشی «شکل ۷۱» که با نقش شیر و خورشید تزیین شده، می بینیم که تشابه صد در صد است. کاشی «شکل ۷۱» در موزه لوور نگهداری می شود و حاشیه آن با اشعاری که روی کاشیهای تخت سلیمان نیز آمده تزیین شده است. رباعی اول روی کاشی همان رباعی «تصویر ۵۲» است و رباعی دوم آن همان رباعی «تصویر ۵۵» و یک بیت شعر از فردوسی در «تصویر ۳۸» قطعات کاشی تخت سلیمان نیز آمده است. «طرح ۹» خرگوشی را نشان می دهد که یک دست خود را بلند کرده و اصل آن در «تصویر ۱۴-ب» آمده است. این نقش با نقش دو خرگوش وسط کاشی «شکل ۷۲» و همچنین با نقشهای چند خرگوش روی کاشیهای صلیبی شکل چهار گوشه ای «شکل ۷۳» قابل مقایسه است. حاشیه کاشی «شکل ۷۲» با یک رباعی کامل و دو بیت شعر و یک بیت از یک رباعی تزیین شده است، رباعی اول روی این کاشی، روی کاشیهای تخت سلیمان دیده نشده است و متن آن چنین است:

گیرم که صبا زلف تو در تاب کشد
لعل تو ز جام ارمی ناب کشد
زنگی بچه بر کنار گلزار تو کیست
کز چاه زنخدان تو می آب کشد

بیت بعدی (چو بر کس نماند جهان پایدار/ همان به که نیکی بود یادگار)، که از فردوسی^{۴۸} است، روی قطعات کاشی تخت سلیمان نیامده است.

شیر، ماهی و جز آن، ثابت می شود که کاشیهای حامل آنها نه تنها در شهر کاشان بلکه حتی به دست یک نفر ساخته شده اند. در اینجا شش کاشی، که پر از نقوش جانوران گوناگون است، برای نشان دادن تشابه آنها با نقوش کاشیهای تخت سلیمان ارائه می شود. این شش کاشی متعلق به سال ۶۶۵



شکل ۷۳

بیت بعدی روی کاشی «شکل ۷۲» همان است که در «تصویر ۸۷» قطعات کاشی تخت سلیمان دیده می شود؛ و یک بیت از یک رباعی متعلق به همان رباعی است که در «تصویر ۱۴» آمده است.

«طرح ۱۰»، که اصل آن در «تصویر ۵۵-الف» ارائه شده است، قابل مقایسه با کاشی «شکل ۷۳» است که حاشیه آن با



شکل ۷۱

اشعاری تزیین شده و این اشعار روی قطعات کاشی تخت سلیمان نیز آمده است، رباعی اول روی این کاشی همان رباعی «تصویر ۷۹» است و رباعی دوم همان رباعی «تصویر ۶۰». بیت بعدی همان است که در «تصویر ۸۷» قطعات کاشی تخت سلیمان آمده است.

نقش خرگوش نشسته (طرحهای ۱۴ و ۱۵) ارائه شده است، قابل مقایسه با نقش خرگوشها در «شکلهای ۷۴ و ۷۶» است؛ و نقش سگ در «طرحهای ۱۲ و ۱۳» که اصل یکی از آنها در «تصویر ۵۱-الف» ارائه شده است قابل مقایسه با نقش سگ در «شکل ۷۶» است، نقش روباه در «طرحهای ۱۶، ۱۷ و ۱۸» نیز قابل مقایسه با نقش روباه در کاشیهای صلیبی شکل «شکلهای ۷۲ تا ۷۶» است.

اشعار نوشته شده روی کاشی «شکلهای ۷۴ و ۷۶» کلاً روی قطعات کاشی تخت سلیمان نیز آمده است. رباعی اول و دوم و بیت بعدی روی کاشی «شکل ۷۴» به ترتیب، همان دو رباعی و یک بیت شعری است که در «تصاویر ۸۶، ۴۵ و ۸۷» دیده می شود. دو رباعی روی کاشی «شکل ۷۶» و قسمتی از بیت شعری که روی قطعه کاشی کوچک متعلق به کاشی دیگر چسبیده به کاشی مذکور نوشته شده، به ترتیب، همان دو



شکل ۷۲



شکل ۷۵



شکل ۷۴

رباعی و بیت شعری است که در «تصاویر ۱۶، ۷۳ و ۷۶» آمده است. روی کاشی «شکل ۷۵» دو رباعی و یک بیت شعر نوشته شده است که رباعی اول و بیت شعر بعد از رباعی دوم همان رباعی و بیت شعری است که در «تصاویر ۸۶ و ۸۷» خوانده می شود. رباعی دوم روی این کاشی یک رباعی جدید است و روی قطعات کاشی تخت سلیمان نیامده است و متن آن چنین است:

دوش احوالی زد دل همی پرسیدم
دل گفت برو طمع ز تو ببریدم
زان سوخته دل بعجز برگردیدم
[تا لاجرم هر آنج که شد دیدم]

در صفحات بعد اشعار نوشته شده روی قطعات کاشی تخت سلیمان بررسی می شود. تا آنجا که امکان داشت سعی کردم هویت سرایندگان آن اشعار را معلوم سازم. در چاپ تصاویر قطعات کاشی سعی شد از متن یک رباعی یا شعر آنچه میسر است از روی چند قطعه کاشی گوناگون به دست آید و بقیه آن از متون چاپی یا از روی اشعار کاملی که روی ظروف کاشی بجز تاریخ ساخت نوشته دیگری وجود داشته باشد، برای اطلاع خواننده از متن کامل آن به جایی که آن متن



شکل ۷۶

کامل در کتاب آمده است ارجاع داده شد. در نقل نوشته ها، رسم الخط روی کاشیها عیناً رعایت شده است جز در مورد صورت قدیمی «کی» که به صورت «که» نقل شده است.

توضیحات

(۱) یادآور می‌شوم که برای عکسهایی که در متن چاپ می‌شود از کلمه «شکل» استفاده شده است و برای قطعات کاشی تخت سلیمان که بعد از متن، زیر عنوان اشعار فارسی روی قطعات کاشی تخت سلیمان چاپ شده است از کلمه «تصویر» استفاده شده است.

(۲) عکس این کاشی از مرجع زیر کپی شده است:

Wiet, G. (1), pl. XIX.

(۳) عکس این کاشی از مرجع زیر کپی شده و معلوم نیست که این کاشی در حال حاضر در کجا نگهداری می‌شود:

Émile Lévy, p. [16].

(۴) دیوان افضل‌الدین کاشانی، ص ۸، رباعی ۲۲.

(۵) دیوان رباعیات احوالدین کرمانی، ص ۱۶۶، رباعی ۵۷۸. مصرع اول در این مرجع به صورت «از خلق هیچ گونه یاری مطلب» آمده است.

(۶) هفت اقلیم، ج ۲، ص ۱۷۱.

(۷) رباعیات خواجه عبدالله انصاری، ص ۱۳، رباعی ۱۳. در این مرجع، به جای «زهیج خلق»، «ز خلق هیچ» آمده است.

(۸) شاهنامه فردوسی، ج ۲، ص ۹۵۶، بیت ش ۵۹۳. داستان «بازگشتن گرگین» به ایران زمین؛ ج ۲، ص ۹۷۳، بیت ش ۹۷۳. داستان «آمدن منیژه به پیش رستم».

(۹) کلمه دوم نام سازنده به علت سرازیر شدن لعاب روی نوشته‌های کاشی ناخواناست، ولی شبیه به کلمه «زکی» است.

(۱۰) دیوان حافظ، ص ۲۳۷.

(۱۱) عکس این کاشی از مرجع زیر کپی شده است:

Watson, O. (2), fig. 144.

(۱۲) مرحوم دکتر مهدی بهرامی نام این سفالگر و کاشیکار را به این دو صورت خوانده است و محققان دیگر از او پیروی کرده‌اند؛ رجوع شود به:

Bahrami, M. (1), p. 124.

(۱۳) مجله باستانشناسی و تاریخ، س ۱، ش ۲، (بهار و تابستان ۱۳۶۶)، ص ۳۰، تصویر ۲.

(۱۴) بیت اول در دیوان خلاق المعانی کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی (ص ۶۱۷) چنین آمده است:

به ذات خویش اگر چند مرد نیک بود و لیک صحبت بد نیک را تباه کند.
همچنین در بیت دوم به جای «کزو»، «کزوی» آمده است.

(۱۵) عکس این کاشی از مرجع زیر کپی شده است:

Watson, O. (2), fig. 127.

(۱۶) عکس این پارچه در مرجع زیر چاپ شده است:

Wiet, G. (2), pl XVIII.

(۱۷) جملات مذکور در نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۲۲۸ آمده است.

(۱۸) عکس این کاشی از مرجع زیر کپی شده است:

Bahrami, M. (2), fig. 57.

(۱۹) این متن در تحف العقول عن آل الرسول (ص ۸۳) و الاغجاز والایجاز (ص ۳۳) به عنوان وصیت حضرت علی (ع) به امام حسین (ع) آمده است. کلمه دوم روی کاشی باید «للامام» نوشته می‌شد. متن مذکور با کمی اختلاف و با اضافه چند جمله دیگر در المستطرف فی کل فن مستطرف (ج ۱، ص ۱۷۸)، به عنوان وصیت علی (ع) به فرزندان خود حسن، حسین و محمد، پس از ضربت خوردن از این ملجم آمده است.

(۲۰) دیوان الامام علی (ع)؛ ص ۷؛ در مرجع مذکور جمله «مالفخر» در اول بیت سوم به صورت «مالفضل» آمده است. این جمله روی پارچه ابریشمی قرن چهارم هجری

نیز به صورت «مالفخر» آمده است.

(۲۱) المحاسن والمساوی، ص ۸۲؛ با توجه به اینکه این مرجع متعلق به قرن پنجم هجری است، به نظر می‌آید ضبط کتاب کاملتر و صحیحتر از متن روی کاشی باشد.

(۲۲) کاشیکار در نوشتن نام امام یازدهم اشتباه کرده است و به جای الحسن بن علی بن محمد العسکری، الحسن بن محمد بن علی العسکری نوشته است.

(۲۳) این دو کاشی در «Adle, (2), p. 201, fig. 76» چاپ شده است، عکس کاشی اول از همین مرجع (ص ۲۰۱ تصویر ۷۶) کپی شده است. متن کاشی دوم را

آقای شهریار عدل در سال ۱۹۷۲ م در مرجع زیر به چاپ رسانده است:

Adle, C. (1), pp. 277-297.

(۲۴) عکس این کاشی از مرجع زیر کپی شده است:

G. Le Bon, p. 84.

(۲۵) تلخیص مجمع الآداب فی معجم الالفاظ، جزء چهارم، قسم سوم، ص ۱۵۹، ش ۲۰۶۹.

(۲۶) همان کتاب، ص ۱۴۴، ش ۲۰۴۱.

(۲۷) تذکرة الشعراء، ص ۲۲۳.

(۲۸) دیوان مهستی، ص ۷۰، این رباعی در مونس الاحرار فی دقائق الاشعار (ج ۲، ص ۱۱۵۲) نیز به نام مهستی آمده است.

(۲۹) عکس این کاشی از مرجع زیر کپی شده است:

Sotheby's (3), p. 77, pl. 302.

(۳۰) دیوان حافظ، ص ۳.

(۳۱) دیوان مجیرالدین بیلقانی، ص ۴۱۳، در دیوان مذکور به جای «می‌دان و تو این»، «می‌دان تو و این» آمده است. رباعی دوم روی این کاشی نیز به احتمال زیاد از مجیرالدین بیلقانی است. اما در دیوان چاپی وی این رباعی نیامده است، بلکه در یک نسخه خطی دیوان، عبارات «صدعذر بخواهدت» و «بصد محنت و درد» در چند رباعی شاعر مذکور آمده است.

(۳۲) لباب الالباب، ج ۲، ص ۳۳۷؛ این رباعی در تذکرة روز روشن (ص ۴۸۰) به نام مجدالدین ابوسنجر (صندلی) آمده است ولی، با توجه به اینکه شرح حال مجدالدین مذکور در لباب الالباب قبل از عمادی آمده است، به نظر می‌آید که مؤلف تذکرة روز روشن در نقل این رباعی به نام مجدالدین اشتباه کرده است.

(۳۳) عکس این کاشی از مرجع زیر کپی شده است:

Pupe. A. U. (1), pl. 722-E.

(۳۴) عکس این کاشی از مرجع زیر تهیه شده است:

Herboren Oriënt Islamitisch en Nieuw Delft Aardewerk, 1984.

کاشی مذکور در موزه Haag Gemeentemuseum's Gravenhage به شماره OCI 4-1931 نگهداری می‌شود.

(۳۵) دیوان سنائی، ص ۱۰۶۵، مصرع اول آن به صورت «منشین با بدان که صحبت بد» آمده است. و به جای «اندکی»، «پاره» نوشته شده است. اشعار مذکور با کمی اختلاف در لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه «پلید» و امثال و حکم دهخدا (ج ۱، ص ۳۴۵) به نام سعدی ذکر شده است؛ ولی در کلیات سعدی این اشعار را ندیدم. وانگهی، کاشی در اوایل قرن هفتم هجری به دست ابوزید ساخته شده است و اشعار نمی‌تواند از سعدی باشد.

(۳۶) دیوان قاضی شمس‌الدین طبسی، ص ۱۳۸، که در آن مصرع اول به صورت «کم نشین با بدان که صحبت بد» است و به جای «اندکی»، «پاره» نوشته شده است.

(۳۷) این عبارت به استناد شعر فارسی «بی‌درمان» باید «بغیر دواء» باشد.

(۳۸) گنجینه آثار قم، عباس فیض، ص ۴۵۹.

- ۳۹) سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، ص ۲۱، رباعی ۱۴۱.
- ۴۰) دیوان الخریمی، ص ۵۴.
- ۴۱) دیوان کامل نظامی گنجوی، شرفنامه، ص ۸۱۸.
- ۴۲) دیوان کامل نظامی گنجوی، خسرو و شیرین، ص ۱۵۱.
- ۴۳) مجله باستان‌شناسی و تاریخ، س ۱، ش ۱، (پاییز و زمستان ۱۳۶۵)، ص ۸۳، تصویر ۱۶.
- ۴۴) طریخانه رباعیات حکیم خیام، ص ۲۰۳.
- ۴۵) دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، ص ۱۴۲، رباعی ۳۸۲ و ص ۲۸۱، رباعی

۱۵۲۸، در رباعی دوم مصرع چهارم به جای «رحمت»، «توبه» نوشته شده است.

۴۶) دیوان خلاق المعانی کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، ص ۹۰۱، رباعی ۵۲۲.

۴۷) دیوان خلاق المعانی کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، ص ۹۰۹، رباعی ۵۶۵.

۴۸) شاهنامه فردوسی، ج ۴، ص ۱۶۸۵، بیت ش ۲۰۵۵، داستان «گفتار اندر ستایش سلطان محمود» که به صورت «نباشد کسی در جهان پایدار/ همه نام نیکی بود یادگار» آمده است؛ و نیز در ج ۶، ص ۷۶، بیت ش ۷۰۸، «دروصف شاه محمود» که به صورت «نباشد جهان بر کسی پایدار/ همی نام نیکی بود یادگار» ضبط شده است.

اشعار فارسی روی قطعات کاشی تخت سلیمان



غمناك شدم

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

گر خاک تویی خاک ترا خاک شدم
چون خاک ترا خاک شدم پاك شدم
غم سوی تو هرگز گذری می نکند
آخر چه غمت از آنکه غمناك شدم.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرفی دیگر مشاهده نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری، که قسمتی از آن روی این قطعه کاشی آمده است، شماره ۸۶ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی از ابوسعید ابوالخیر است و در سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، ص ۶۰، آمده است.



۲

الف) ای آمده کار من بجان از غم تو تنگ آمده بر دلم جهان]

ب) جان از غم توهانی^۱ دل و دیده تا بسر در نکنم خاک همه

ج) خاک همه دشت خاوران از غم تو

متن کامل رباعی چنین است:

ای آمده کار من بجان از غم تو
تنگ آمده بر دلم جهان از غم تو
هان ای دل و دیده تا بسر در نکنم
خاک همه دشت خاوران از غم تو

قسمتهایی از این رباعی بر روی بیست و یک قطعه کاشی دیگری از تخت سلیمان آمده است، این رباعی همچنین آمده است بر روی دهها کاشی دیگری که در موزه های مختلف نگهداری می شود.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن بر روی قطعه کاشی «۲-الف» نوشته شده است، شماره ۸۶ را



تصویر ۱



تصویر ۲

ملاحظه کنید و جهت اطلاع از متن کامل بیت شعری که قسمتی از آن بر روی قطعه کاشی «۲-ج» نوشته شده است، شماره ۳ را ملاحظه کنید.

(۱) کلمه «هان ای» بر روی تعداد زیادی کاشی، از جمله قطعه کاشی «۲-ب» به صورت «هانی» نوشته شده است.

(۲) این رباعی از ابوسعید ابوالخیر است و در سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، ص ۸۲ آمده است. در مرجع مذکور، در مصرع سوم، به جای «در»، «بر» آمده است.



تصویر ۳



نگه کردن اندر همه کارها به از در و گوهر بخروارها
و آن يك بيت شعر^۱ است به این صورت:

نگه کردن اندر همه کارها
به از در و گوهر بخروارها.

قسمتهایی از این بیت شعر بر روی شانزده قطعه کاشی دیگری از تخت سلیمان نیز آمده و همچنین بر روی دهها کاشی و ظرف زرین فام و نقاشی شده در زیر لعاب، که در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شود، آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن بر روی این قطعه کاشی آمده است، شماره ۴۵ را ملاحظه کنید.

(۱) این بیت شعر یکی از اشعار ابوشکور بلخی است و در گنج باز یافته، ص ۵۲ آمده است. در مرجع مذکور، به جای «نگه کردن»، «شکیبایی» و به جای «در و گوهر»، «توشه زر» آمده است.



تصویر ۴



الف) نابوده دمی آنج

ب) دمی آنج تـسـرا

ج) مردان بودند تورا نرفته [ای] از آن نمودند ورنه که زد این در که درش نگشو[دند]

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

نا بوده دمی آنچه ترا فرمودند
خواهی تو چنان شوی که مردان بودند
تورا نرفته‌ای از آن نمودند
ورنه که زد این در که درش نگشودند؟

قسمتهایی از این رباعی بر روی هفت قطعه کاشی دیگری از تخت سلیمان آمده است. این رباعی همچنین بر روی يك کاشی که در مجموعه دکتر محسن مقدم نگهداری

می شود آمده است. تصویر این کاشی را نگارنده^۲ به چاپ رسانیده است.

بر روی قطعه کاشی «۴-الف» تاریخ ساخت کاشی به صورت «ذی الحجة سنة احدى ۶۷» (۶۷۱) نوشته شده است و بر روی قطعه کاشی «۴-ب»، که گوشه آن شکسته است، تاریخ ساخت به صورت «سنة احدى ۷» ([۶]۷۱) نوشته شده و عدد «۶» در قسمت شکستگی کاشی قرار داشته است.

(۱) این رباعی یکی از اشعار افضل الدین کاشانی است و در دیوان افضل الدین کاشانی، ص ۱۰۲ آمده است. در مرجع مذکور، به جای «نا بوده»، «نا کرده» آمده است.

(۲) مجله باستانشناسی و تاریخ، س ۱، ش ۱، ص ۸۵، تصویر ۲۰.



تصویر ۵



درخت از تیشه گر زانک بنا خوشی]

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

ای دل به چه غم خوردنت آمد پیشه
وز مرگ چه ترسی، چو درخت از تیشه
گر ز آنکه بنا خوشی بر ندت زین جا
خوش باش که رستی از هزار اندیشه.

متن کامل این رباعی بر روی يك کاشی دیگر^۲ نیز آمده

است.

(۱) این رباعی یکی از اشعار افضل الدین کاشانی است و در دیوان افضل الدین کاشانی، ص ۱۷۶ آمده است.

(۲) کاشی مذکور در مجموعه جیرالدریتلنگر نگاهداری می شود و عکس آن در Victoria and Albert Museum, p.40, no. 128. چاپ شده است.



تصویر ۶



و جنگ چه سود حکمی که بکرد[ه] است خ[دا]وند]

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

دلتنگ مشو، اگر شوی تنگ چه سود؟
با چرخ و فلک ستیزه و جنگ چه سود؟
حکمی که بکرده است خداوند رسول
گر بگریزی هزار فرسنگ چه سود؟

متن این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرفی دیگر مشاهده

نشده است.

(۱) این رباعی یکی از اشعار افضل الدین کاشانی است و در دیوان افضل الدین کاشانی، ص ۸۷ آمده است.

الف) دیده کاینات موجود تویی عالم

ب) تویی نه در جهتی نه [از]

ج) [توایی نه در جهتی نه از تو خالی جهتی

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

در دیده کاینات موجود تویی

عالم همه شاهدند، مشهود تویی

نه در جهتی، نه از تو خالی جهتی

هرجا که اشارت است مقصود تویی.

قسمتی از این رباعی روی يك قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان آمده است.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل دوبیت شعر دیگر که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۷-الف» آمده است، شماره‌های ۳۳ و ۳۸ را ملاحظه کنید.

روی قطعه کاشی «۷-الف» تاریخ ساخت آن نیز به صورت «فی تاریخ ماه رمضان لسنة اربع و سبعین و ستمائة هجرية» (رمضان ۶۷۴ هـ) نوشته شده است.

(۱) این رباعی یکی از اشعار افضل الدین کاشانی است و در دیوان افضل الدین کاشانی، ص ۲۰۵ آمده است.

در مرجع مذکور به جای «نه از تو خالی جهتی»، «نه خالی از هر جهتی» آمده است.



تصویر ۷

الف) [ترا پیوندست بر با ای]

ب) گفתי که رهی دراز دارم در پیش از

ج) [خواد] [بخواد] آی دوست بین تا چ[ند] است

د) [مـ]ویی بندست گفתי که رهی دراز دارم در... بین تا چندست

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

با يك سر موی اگر ترا پیوند است

بر پای دلت هر سر مویی بند است

گفתי که رهی دراز دارم در پیش

از خود به خود آی دوست بین تا چند است

این رباعی روی يك کاشی که به شماره ۶۵-۵-۲ در موزه

مردم‌شناسی مونیخ نگهداری می‌شود آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل بیت شعری که قسمتی از آن بر

روی قطعه کاشی «۸-الف» آمده است شماره ۷۶ را ملاحظه



کنید. در ضمن ، قسمتی از تاریخ ساخت این قطعه کاشی به صورت «فی تاریخ ماه» نوشته شده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن بر روی قطعه کاشی «۸-د» آمده است شماره ۶۰ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی یکی از اشعار افضل الدین کاشانی است و در دیوان افضل الدین کاشانی، ص ۲۳ آمده است.
در مرجع مذکور، به جای «بین»، «بین» آمده است و به حکم وزن درست همین است.



الف) آن به که دل از کار جهان برگیریم وین بند گران ز پای جان

ب) جان... تا دشمن و دوست از میان برگیریم

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

آن به که دل از کار جهان برگیریم

وین بند گران ز پای جان برگیریم

بی فایده گفتن و شنیدن شب و روز

تا دشمن و دوست از میان برگیریم.

قسمتی از این رباعی بر روی يك قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است. رباعی مذکور همچنین بر روی يك گلدان زرین فام متعلق به اوایل قرن هفتم هجری آمده است. گلدان مذکور به شماره ۴۸۵۳ در موزه ملی ایران نگهداری می شود.^۲

این رباعی همچنین آمده است بر روی يك کاسه زرین فام (سبك تخت سلیمان) که به شماره ۲۱۵۵۵ در موزه ملی ایران موجود است.^۳

(۱) این رباعی یکی از اشعار افضل الدین کاشانی است و در دیوان افضل الدین کاشانی، ص ۱۴۴ آمده است.

در مرجع مذکور، ردیف، به جای «برگیریم»، «برگیرم» است و به جای «وین بند گران ز پای جان»، «از پای خود این بند گران» آمده است.

(۲) عکس این گلدان را مرحوم دکتر مهدی بهرامی در Bahrami, M., (1), p. 117, plate 11.

به چاپ رسانیده است.

(۳) عکس این کاسه، که قبلاً جزء اشیایی به نمایشگاه جهان اسلام لندن رفته، در Hayward Gallery, p. 250, fig. 363.

چاپ شده است.

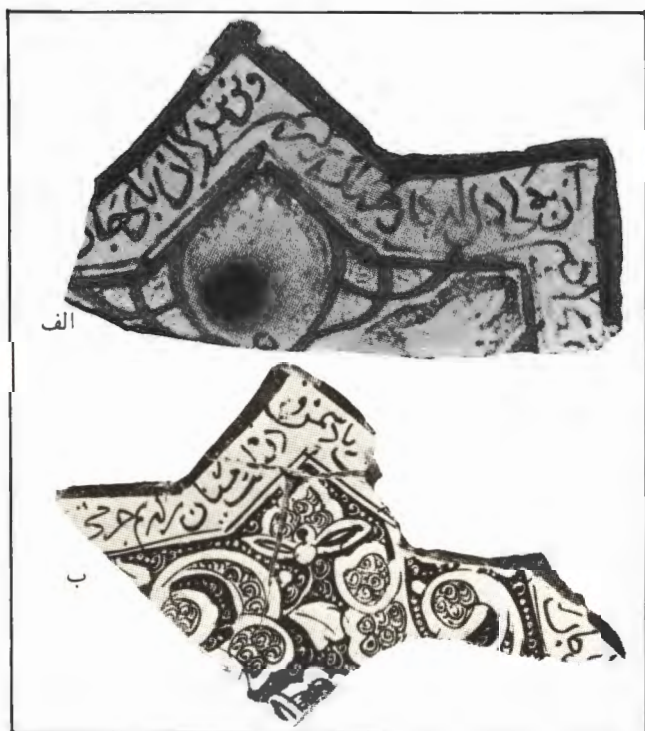


الف) ای ساریان منزل مکن... چمن

ب) [دماسن گلگون کنم اطلال را جیحون کنم از



تصویر ۸



تصویر ۹

ج) کنم اطلال را جیحون

د) از آب چشم

هـ) [سهی خالی همی بی-ینم] چمن آنجا که بود

متن کامل این اشعار^۱ چنین است:

ای ساریان منزل مکن جز در دیار یار من
تا یک زمان زاری کنم بر ربع و اطلال و دمن
ربع از دلم پر خون کشم خاک دمن گلگون کنم
اطلال را جیحون کنم از آب چشم خویشتن
از روی یار خرگهی ایوان همی بینم تهی
وز قد آن سرو سهی خالی همی بینم چمن
آنجا که بود آن دلستان با دوستان در بوستان
شد گرگ و روبه را مکان شد گور و کرکس را وطن.

این اشعار تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است. فقط بیت آخر روی کاشی شماره ۱۱ آمده است.

(۱) این اشعار از امیر معزی است و در دیوان امیر معزی، ص ۵۴۵ آمده است. ترتیب اشعار روی این قطعات و کاشی شماره ۱۱ با ترتیب اشعار در دیوان اختلاف دارد.



آنجا که بود آن دلستان با دوستان در بوستان
شد گرگ و روبه را مکان شد گور و کرکس را وطن
بر جای رطل و جام می گوران نهادستند بی
بر جای چنگ و نای و نی آواز زاغست و زغن
ایرست او با منفعت باران او از مصلحت
گوی دریدند ای عجب بر خود ز حسرت پیرهن
زین سان که چرخ نیلگون^۲

این اشعار تاکنون بر روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است. این کاشی^۲ در حال حاضر به شماره ۲۱۷۳۰ در موزه ملی ایران نگهداری می شود.

(۱) این اشعار از امیر معزی است و در دیوان امیر معزی، صص ۵۴۵-۶ آمده است. ترتیب اشعار روی کاشی با آنچه در دیوان آمده فرق زیادی دارد، به این شرح: بیت اول روی کاشی در دیوان بیت هفتم؛ بیت دوم روی کاشی در دیوان بیت چهارم؛ مصرع اول بیت سوم روی کاشی در دیوان مصرع اول بیت سی و هشتم؛ و مصرع دوم بیت سوم روی کاشی در دیوان مصرع دوم بیت یازدهم است. به نظر می آید که بیت سوم روی کاشی به همین صورت صحیحتر از بیت یازدهم دیوان باشد که چنین است:

تمثالهای بوالعجب حال آوریده بی سبب

گوی دریدند ای عجب بر تن ز حسرت پیرهن.

بر روی کاشی، «گرگ و» به صورت «گرگو» نوشته شده است که آن را جزو مدارك دال بر خواندن اشعار توسط شخص دیگر برای کاشیکار می توان به حساب آورد. در دیوان، به جای «خود»، «من» آمده است.

(۲) عکس این کاشی از Naumann, E. und R., Taf. 5-b تهیه شده است.



تصویر ۱۰



تصویر ۱۱

۱۲

[می]جویم رخساره بخوان]

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

با دل همه شب حدیث تو می گویم.
بوی تو ز هر باد سحر می جویم
رخساره به خون دیده زان می شویم
تا روز دگر زرد نباشد رویم.

این رباعی بر روی تعداد زیادی کاشی و ظروف زرین فام و نقاشی شده در زیر لعاب که در موزه های مختلف نگهداری می شود نیز آمده است.

(۱) این رباعی از انوری است و در دیوان انوری، ج ۱، ص ۶۱۹ آمده است.
در دیوان مذکور، به جای «دیده زان»، «دیدگان» آمده است.



تصویر ۱۲

۱۳

الف) ای روی تو آب از گل رعنا برده زلفت سبق از عنبر سارا برده

ب) [د]ار بلعجی چشم فلک را چشمش شش خصل

ج) [چ]اشمت شش خصل فرو داده و عذرا برده

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

ای روی تو آب از گل رعنا برده
زلفت سبق از عنبر سارا برده
در بوالعجبی چشم فلک را چشمت
شش خصل فرو داده و عذرا برده.

قسمتهایی از این رباعی بر روی سه قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

(۱) این رباعی از جمال الدین اشهری است و در نزهة المجالس فی الاشعار، ص ۳۰۰، رباعی ۱۵۳۱ آمده است.

در نزهة المجالس، در مصرع اول «از» نیامده است و مصرع دوم به صورت «صبر از دل من چشمت بغوغا برده» است و، به جای «چشم»، «هفت» آمده است. لازم به یادآوری است که «بوالعجبی» روی قطعه کاشی «۱۳-ب» به صورت «بلعجبی» نوشته شده است و ثابت می کند که اشعار را شخص دیگر برای کاشیکاری خوانده است.

۱۴

(الف) دل گرچه بغم سوخته... که درین خسته دلم آتش بدم افروخته

(ب) می گردد هر دم بتو آموخته تر می گردد زنهار مده دم که درین

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

دل گرچه به غم سوخته تر می گردد
هر دم به تو آموخته تر می گردد
زنهار مده دم که درین خسته دلم
آتش به دم افروخته تر می گردد.

قسمتهایی از این رباعی بر روی پانزده قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است. این رباعی همچنین بر روی دهها ظرف و کاشی دیگر، که در موزه های مختلف نگهداری می شود، آمده است.

(۱) این رباعی یکی از اشعار جمال الدین اشهری است و در نزهة المجالس فی الاشعار، ص ۲۳۴ ذیل شماره ۹۷۶ آمده است.

در مرجع مذکور (ص ۴۱۸ ذیل شماره ۲۵۳۴) يك رباعی دیگر به نام سلیمان شاه ایوه به صورت زیر آمده است:

هر چند دلم سوخته تر می گردد
هر دم به تو آموخته تر می گردد
زنهار دم مده که در کوره دل
آتش به دم افروخته تر می گردد

البته صورت اصلی همان باید باشد که بر روی دهها ظرف و کاشی دیگر نوشته شده است.

۱۵

(الف) خون دلم بود نهان با خون ز ره دیده

(ب) ره دیده برون خواهد شد ۵۰



تصویر ۱۳



تصویر ۱۴

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

دردا که دلم ز هجر خون خواهد شد
کارم ز فراق سرنگون خواهد شد
وان راز که در خون دلم بود نهان
با خون زره دیده برون خواهد شد.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن بر روی قطعه کاشی «۱۵-ب» آمده است، شماره ۱۰۱ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی از جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی است و در دیوان او، ص ۴۹۲ آمده است.

۱۶

[عطـار ارزد نی نی غلطم کان... يك قطره خوان]

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

گفتم می لعل در شهوار ارزد
وان بوی خوشش طبله عطار ارزد
نی نی غلطم کان...
يك قطره خون هزار دینار ارزد.

این رباعی همچنین بر روی يك قطعه کاشی^۲ که در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می شود آمده است. قطعه کاشی ۱۶ نیز در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می شود.

(۱) این رباعی از رشیدالدین خواری است و در نزهة المجالس فی الاشعار، (ص ۱۴۱، رباعی ۲۴۲) آمده است.

در نزهة المجالس مصرع اول به صورت «آن سرخی می لعل بخوار ارزد» ضبط شده و در مصرع دوم به جای «طبله»، «کلبه» آمده و مصرع سوم به صورت «زان شیشه که هوش عاقلان می ببرد» است.

(۲) تصویر کاشی مذکور را مرحوم دکتر مهدی بهرامی در: Bahrami, M.(3), pl. LXII, B (upper).

آورده است.

۱۷

(الف) زلفت که چو افعی پی شر می گردد]

(ب) چون دید که لعل تو زمرّد دارد وحشی شد و بر کوه و کمر می گردد

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

زلفت که چو افعی پی شر می گردد
دانی پس پشتت به چه بر می گردد



تصویر ۱۵



تصویر ۱۶



تصویر ۱۷



تصویر ۱۸

چون دید که لعل تو زمرد دارد

وحشی شد و بر کوه و کمر می گردد.

قسمتی از این رباعی بر روی سه قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است. این رباعی بر روی يك قطعه کاشی در مجموعه جان هونتینگتون^۲، که در موزه کلیولند نگهداری می شود، نیز آمده است.

قطعه کاشی «۱۷-الف» در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می شود.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن بر روی هر دو قطعه کاشی نوشته شده است شماره ۸۸ را ملاحظه کنید.

روی قطعه کاشی «۱۷-ب» تاریخ ساخت به عبارت «فی سنة سبعین و ستمائة» (۶۷۰ هجری) نوشته شده است.

(۱) این رباعی از رفیع الدین بکرانی ابهری است و در نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۲۶۶، رباعی ۱۲۴۰) آمده است.

رباعی مذکور، بدون ذکر نام سراینده در مونس الاحرار فی دقائق الاشعار (ج ۲، ص ۱۱۵۵) نیز آمده است.

در نزهة المجالس به جای «افعی»، «عقرب» و به جای «دارد»، «بگرفت» ضبط شده است و در مونس الاحرار، به جای «پس پشتت»، «پس پشت» آمده است.

(۲) تصویر این کاشی در

Arbor, A., p. 64, fig. 106.

چاپ شده است.

۱۸

الف) می خور که جزو [ز]... [زیر] [نکند]

ب) [مرغ] [یست که جز خایه زیر] [ن]

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

می خور که جزو عیش تو شیرین نکند

کس بر می و می پرست نفرین نکند

بر فرق خروس باده زر پاش که او

برغیست که جز خایه زرین نکند.

این رباعی بر روی دو قطعه کاشی دیگر آمده است. کاشی اول در مجموعه دکتر محسن نگاهداری می شود و نگارنده تصویر آن را چاپ کرده است^۲؛ کاشی دوم در مجموعه منزی نگاهداری می شود و مرحوم دکتر مهدی بهرامی تصویر آن را چاپ کرده است.^۳

(۱) این رباعی از اشعار رکن الدین دعوی دار قمی است و در دیوان او (ص ۲۲۱) آمده است.

(۲) در مجله باستانشناسی و تاریخ، ش ۱، ص ۸۳، تصویر ۱۷.

(۳) در

Bahrami, M. (3), pl. LXI, fig. M.

الف) مستمندت بینم شرمت ناید همیشه عاشق باشی
ب) همیشه عاشق باشی رسوا شده پیش خلق چندت بینم
متن کامل رباعی^۱ چنین است:

ای دل همه ساله درمندت بینم
در کوی وصال مستمندت بینم
شرمت ناید همیشه عاشق باشی
رسوا شده پیش خلق چندت بینم.

قسمتی از این رباعی بر روی يك قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی بر روی کاشی شماره ۳۵۲۰، که در موزه ملی ایران نگهداری می شود نیز آمده است. تصویر این کاشی را نگارنده چاپ کرده است.^۲

قطعه کاشی «۱۹-ب» در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می شود.

جهت اطلاع از متن کامل بیت شعری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۱۹-ب» آمده است شماره ۸۷ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی از سلطان محمد است و در نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۲۳۱، ذیل شماره ۹۵۳) آمده است و در آن، در مصرع دوم، به جای «وصال»، «فراق» ضبط شده است.

(۲) در مقدمه ای بر هنر کاشیگری ایران، ص ۵۷.

الف

ب

تصویر ۱۹

گردور شود زلف پشولیده او پیدا شود آن عارض پوشیده او ای باد صبا
زمزمه نرم بکن تا رقص کند زنگی شوریده او
متن رباعی^۱ چنین است:

گردور شود زلف پشولیده او
پیدا شود آن عارض پوشیده او
ای باد صبا زمزمه نرم بکن
تا رقص کند زنگی شوریده او.

قسمتی از این رباعی بر روی دو قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان آمده است.

همچنین این رباعی بر روی يك بشقاب زرین فام (سبك تخت سلیمان)، که در فریر گالری واشنگتن نگهداری می شود^۲، آمده است.

این کاشی در موزه ملی ایران نگهداری می شود.
جهت اطلاع از متن رباعی و بیت شعر دیگری که روی این کاشی نوشته شده است شماره های ۵۱ و ۳۸ را ملاحظه کنید.



تصویر ۲۰

(۱) این رباعی از شرف الدین شفروه است و در *نزهة المجالس فی الاشعار*، (ص ۲۷۲، ذیل شماره ۱۲۹۴) آمده است و در آن به جای «عارض پوشیده»، «روی پسندیده» ضبط شده است.

(۲) تصویر این ظرف در Pope, A. U. (1), Vol. IX, p. 715.

چاپ شده است.

۲۱

[وصل]ست بفریادم رس سردی مکن ای صبح

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

ای چرخ من از تو خود جفا بینم و بس
امشب شب وصلست بفریادم رس
سردی مکن ای صبح که گرمست هوس
از بهر من امشب فرو بند نفس.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

(۱) این رباعی از صدرالدین خجندی است و در *نزهة المجالس فی الاشعار*، (ص ۴۹۷، ذیل شماره ۳۱۷۵) آمده است.

۲۲

الف) می را که همیشه بر

ب) که همیشه بر خرد دندانست

ج) خردمندانست می در خم اگرچه سر گرفتست رواست در شیشه نگر]

د) [رواس]ت [د]ر شیشه نگر چه خرم و

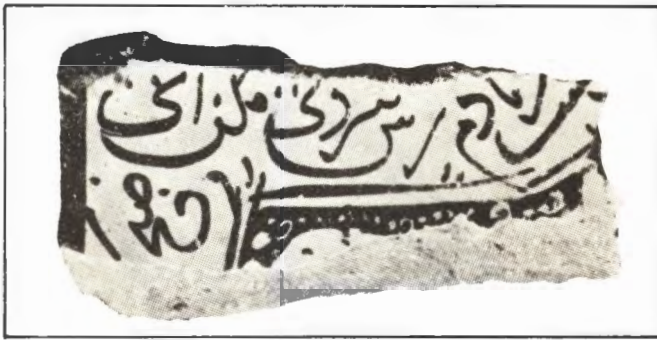
متن کامل رباعی^۱ چنین است:

می را که همیشه بر خرد دندانست
هم اوست که مونس خردمندانست
می در خم اگرچه سر گرفتست رواست
در شیشه نگر چه خرم و خندانست.

قسمتهایی از این رباعی بر روی دو قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است. این رباعی بر روی سه کاشی دیگر، که در مجموعه دکتر محسن مقدم نگاهداری می شود، نیز آمده است. این کاشیها را نگارنده چاپ کرده است.^۲ جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن بر روی قطعه کاشی «۲۲-الف» آمده است، شماره ۴۵ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی از ظهیر الدین فاریابی است و در دیوان او (ص ۳۵۴) آمده است و در آن، مصرع اول به صورت «می را که همی حضر رندانست» ضبط شده است.

(۲) ۵۴ در مجله باستانشناسی و تاریخ، س ۱، ش ۱، صص ۴-۸۳، تصاویر ۱۷، ۱۸، ۱۹.



تصویر ۲۱



تصویر ۲۲



تصویر ۲۳

دوش آوازه در افکند نسیم سحرای]... [گلگون] بچه

متن کامل اشعار^۱ چنین است:

دوش آوازه در افکند نسیم سحری
که عروسان چمن راست گه جلوه‌گری
عقل خوش خوش چو خبر یافت ازین معنی گفت
راستی خوش خبری بود نسیم سحری
گرچنینست یقین دان که جهان بار دگر
چون بهشتی شود آراسته چون در نگری
گل اندیشه چو از وصف ریاحین بشکفت
نوش کن باده گلگون بچه [اندیشه دری].
این اشعار تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

(۱) این اشعار از ظهیرالدین فاریابی است و در دیوان او (ص ۲۲۲) آمده است.



تصویر ۲۴

این و آنم کردی افسانه و شهره [جهانم]

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

انگشت نمای این و آنم کردی
افسانه و شهره جهانم کردی
با خویشتم چو آشنا کردی تو
فی الجملة اسیر جاودانم کردی.
این رباعی همچنین بر روی یک کاشی دیگر که در یک مجموعه خصوصی نگهداری می‌شود آمده است.^۲

(۱) این رباعی، که منسوب به علاء الدوله سمنانی است و در دیوان او (ص ۳۹۳) آمده است، نمی‌تواند از آن وی باشد. زیرا علاء الدوله سمنانی در سال ۶۵۹ هجری متولد و کاشی مذکور در سالهای ۶۷۰ تا ۶۷۴ هجری ساخته شده است. بدین قرار، علاء الدوله در زمان ساخت کاشی حداکثر ۱۵ سال داشته است.

در دیوان علاء الدوله سمنانی، به جای «افسانه و شهره»، «رسوای همه خلق» و مصرع سوم به صورت «بیگانه ز نفس و دل و جانم کردی» آمده است.
(۲) عکس این کاشی در Sotheby (2), No. 158, چاپ شده است.



الف

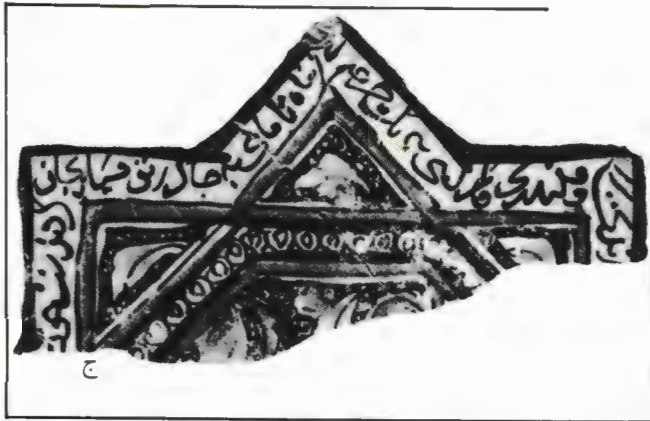
(الف) جز می زهرانچ هست کوتا[هی]

(ب) هست کوتاهی به وان می ز کف بتان خرگاهی

(ج) رندی و قلندری و گمراهی به یک جرعه می ز ماه تا ماهی به

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

جز می زهرانچ هست کوتاهی به
وان می ز کف بتان خرگاهی به
رندی و قلندری و گمراهی به
یک جرعه می ز ماه تا ماهی به



تصویر ۲۵



تصویر ۲۶

قسمتهایی از این رباعی بر روی ده قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان آمده است. این رباعی همچنین بر روی کاشیهای بسیار دیگری که در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شود و بر روی ظرف زرین فام (سبك تخت سلیمان) شماره ۲۱۳۷۷ که در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود، و روی يك كاشی متعلق به مجموعه دکتر محسن مقدم آمده است. تصویر کاشی مذکور را نگارنده به چاپ رسانیده است.^۲

بر روی قطعه کاشی «۲۵-الف» قسمتی از تاریخ ساخت به صورت «احدی ۶۷» (۶۷۱) نوشته شده است. قطعه کاشی «۲۵-ج» در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می‌شود. جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۲۵-ج» آمده است شماره ۱۰۲ را ملاحظه کنید. (۱) این رباعی از عمر خیام است و در طریخانه رباعیات حکیم خیام، (ص ۲۵۵) آمده است.

مصرع اول در طریخانه به صورت «از هر چه بجز میست کوتاهی به» و به جای «وان می» و «رندی» بترتیب «می هم» و «مستی» آمده است. (۲) مجله باستانشناسی و تاریخ، س ۱، ش ۱، ص ۸۳، تصویر ۱۴.

۲۶

(الف) می خور که نهاد ملك محمد [بود]

(ب) ملك محمود اینست بر چنگ [بگ]

(ج) شنو که لحن داود اینست از آمده و شده می اندیش... خوش

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

می خور که نهاد ملك محمود اینست

بر چنگ شنو که لحن داود اینست

از آمده و شده میندیش بنقد

خوش باش که از وجود مقصود اینست.

قسمتی از این رباعی بر روی يك قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

قطعه کاشی «۲۶-ج» در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می‌شود.

بر روی قطعه کاشی «۲۶-الف» قسمتی از تاریخ ساخت به صورت «سنه ۶۷۴» آمده است.

(۱) این رباعی از عمر خیام است و در طریخانه رباعیات حکیم خیام (ص ۲۰۶) آمده است.

در مرجع مذکور به جای «می خور که نهاد»، «با باده نشین که» و در مصرع دوم، به جای «بر»، «وز» و مصرع سوم به صورت «از نامده و رفته دگر یاد مکن» آمده است.



تصویر ۲۷

چو خروسم آره بر فرق نهند

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

آنها که بنای عمر بر زرق نهند

آیند و میان جان و می فرق نهند

بر فرق نهم خروس می تا بزم

گر خود چو خروسم آره بر فرق نهند.

این رباعی بر روی يك کاشی دیگر، که در موزه سیاتل^۲ نگاهداری می شود، نیز آمده است.

قسمتی از تاریخ ساخت کاشی روی این قطعه به صورت «فی شهور سنة» (در ماههای سال) دیده می شود.

(۱) این رباعی از عمر خیام است و در طریخانه رباعیات حکیم خیام (ص ۲۱۶) آمده است.

رباعی مذکور، بدون ذکر نام شاعر، در نزهة المجالس فی الاشعار، (ص ۱۴۰، رباعی ۲۳۰) نیز آمده است.

«آنها که بنای عمر» در طریخانه به صورت «آنانکه اساس کار» و در نزهة المجالس به صورت «آنها که بنای زهد»، همچنین «آیند و میان جان و می» در طریخانه به صورت «آیند و میان جان و تن» و در نزهة المجالس به صورت «آیند و میان من و می»، و مصرع سوم در طریخانه به صورت «من ترك می لعل نخواهم گفتن» و در نزهة المجالس به صورت «بر فرق نهم خروس می را پس ازین» است، و «گر خود» در هر دو مرجع به صورت «گر همچو» آمده است.

(۲) عکس این کاشی در

Art Iranica, Tav. LVII.

چاپ شده است.



تصویر ۲۸

آنها که بر آسمان حکمت مابند بر... [ایـن سخن آگاهند گمراه خلاقند و خود بر راهند

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

آنها که بر آسمان حکمت مابند

بر رقعه شطرنج ملامت شاهند

وانها که ز سر این سخن آگاهند

گمراه خلاقند و خود بر راهند.

قسمتی از این رباعی بر روی يك قطعه کاشی که در موزه هنر شرقی^۲، مسکو، نگاهداری می شود نیز آمده است.

این قطعه کاشی در موزه هنر اسلامی برلن غربی موجود است.

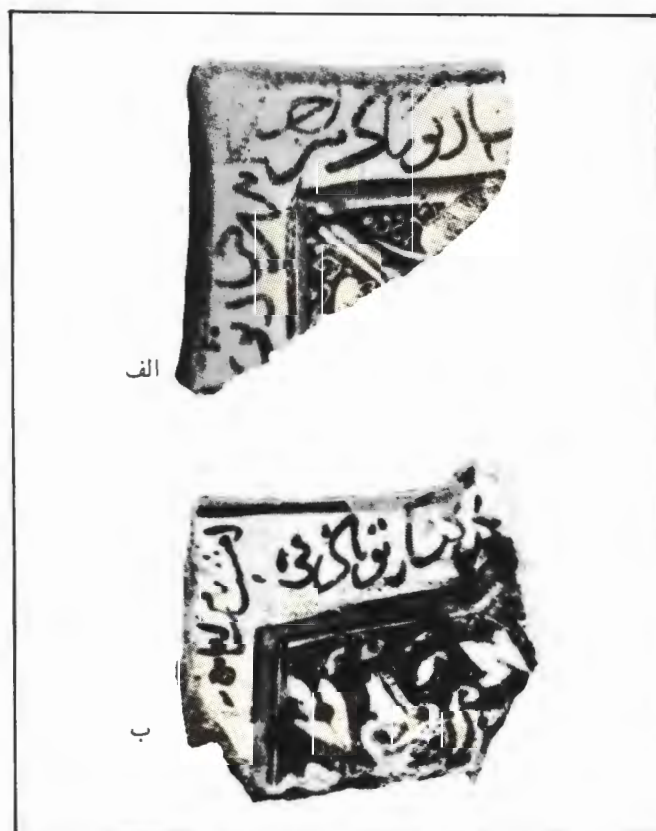
جهت اطلاع از متن کامل بیت شعری که قسمتی از آن روی این قطعه کاشی آمده است شماره ۸۷ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی از عین القضاة همدانی است و در احوال و آثار عین القضاة همدانی (ص ۲۴۰) نیز آمده است.

رباعی مذکور همچنین بدون ذکر نام سراینده آن در نزهة المجالس فی الاشعار،



تصویر ۲۹



تصویر ۳۰

(ص ۶۰۶، رباعی ۴۰۷۱) و مناقب العارفین، (ج ۲، ص ۸۷۵) آمده است. «حکمت» در احوال و آثار عین القضاة به صورت «صحبت» و در مناقب العارفین به صورت «دولت» و در نزهة المجالس و روی قطعه کاشی موزه هنر شرقی مسکو به صورت «هفتم» و «رقعه» در احوال و آثار عین القضاة و مناقب العارفین به صورت «تخته» و در نزهة المجالس به صورت «تخت» آمده است، کلمه «رقعه» به استناد قطعه کاشی متعلق به موزه هنر شرقی مسکو، در این رباعی گنجانیده شده است. (۲) عکس این قطعه کاشی در

Maslenitsyna, S., pl. 29.

چاپ شده است.

۲۹

[را]ه نیست همه تا در آزرفته فراز بک[س]

متن کامل این اشعار^۱ چنین است:

ازان راز جان تو آگاه نیست

بدین پرده اندر ترا راه نیست

همه تا در آزرفته فراز

به کس بر نشد این در راز باز.

این اشعار تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری دیده نشده است.

(۱) این اشعار از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۱، ص ۳۸۴، داستان «سهراب»، ابیات ۶ و ۷)

در این مرجع، در مصرع آخر، به جای «در راز»، «در آزر» آمده است. صورت متن از يك کاشی دیگر نقل شده است.

۳۰

الف) [ی]ا ر تو باد سر اختر اندر کنار تو

ب) [ا]ندر کنار تو باد

متن کامل این بیت^۱ چنین است:

خداوند دارنده یار تو باد

سر اختر اندر کنار تو باد

این بیت بر روی چند کاشی دیگر که در موزه‌های مختلف نگاهداری می‌شود نیز آمده است.

(۱) این بیت از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۴، ص ۱۹۵۳، داستان «پذیره شدن ایرانیان بهرام گور را»، بیت ۲۴۳۵).

۳۱

۵۸ که آمده پیاده گو تاج بخش... خواه توایم ستاده

متن کامل اشعار^۱ چنین است:

که آمد پیاده گو تاج بخش
به نخجیر که زو رمیدست رخس
پذیره شدندش بزرگان شاه
کسی کو به سر بر نهادی کلاه
همی گفت هر کس که این رستمست
و یا افتاب سپیده دمست
پیاده بشد پیش او زود شاه
برو انجمن شد فراوان سپاه
بدو گفت شاه سمنگان چه بود
که یارست با تو نبرد آزمود
درین شهر ما نیکخواه توایم
ستاده [بفرمان و راه توایم].

این اشعار تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده

نشده است.

(۱) این اشعار از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۱، صص ۷-۳۸۶، ابیات ۶۱ تا ۶۶، داستان «آمدن رستم به شهر سمنگان») بر روی این قطعه کاشی فقط قسمت اول و آخر این اشعار باقی مانده است و، با توجه به اینکه روی هر کاشی حداکثر پنج بیت جا می گیرد، می توان گفت که ترتیب اشعار در شاهنامه مورد استفاده کاشیکار با ترتیب شاهنامه چایی فرق می کند و همه ابیات میان قسمت اول و آخر متن روی کاشی نیامده است.



۳۲

[جوانی و پیری بنزد [ا]جل یکی دالان]

متن کامل این بیت^۱ چنین است:

جوانی و پیری به نزد اجل
یکی دان چو در دین نخواهی خلل.

این بیت شعر تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده

نشده است.

(۱) این بیت از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۱، ص ۳۸۴، داستان «سهراب»، بیت ۱۶).



۳۳

جهان یادگارست و ما رفتنی بمردم نماند بجز مردمی

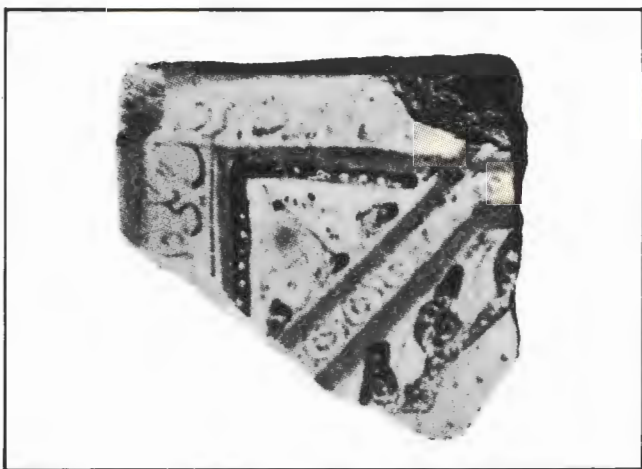
متن این بیت^۱ چنین است:

جهان یادگارست و ما رفتنی
به مردم نماند بجز مردمی.

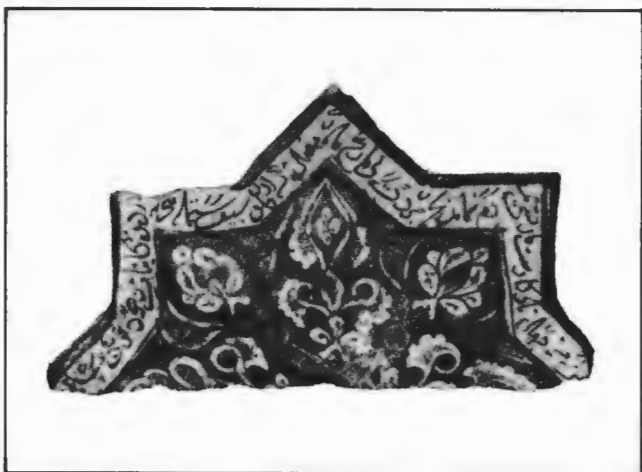
قسمتی از این بیت شعر روی دو قطعه کاشی دیگر از تخت



تصویر ۳۱



تصویر ۳۲



تصویر ۳۳

سلیمان نیز آمده است.

این بیت روی چند کاشی دیگر موجود در موزه‌های مختلف نیز آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل يك رباعی و يك بیت شعری که قسمتی از آن بر روی این قطعه کاشی آمده است، شماره‌های ۷ و ۳۸ را ملاحظه کنید.

بر روی این قطعه کاشی تاریخ ساخت به صورت «فی تاریخ ماه رمضان لسنة اربع و سبعین و ستمائة هجرية» (رمضان ۶۷۴ هـ) نوشته شده است.

(۱) این بیت از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۳، ص ۱۴۹۹، داستان «چاره ساختن سیمرخ رستم را»، بیت ۳۹۲۵) مصرع دوم این بیت شعر در شاهنامه به صورت «ز مردم نمائد جز از گفتنی» آمده ولی بر روی چندین کاشی به همان صورت متن است.

۳۴

(الف) جهان آفرین رهنمای تو باد همیشه

(ب) [آفرین رهنمای تو باد همیشه سر تخت جای تو باد

متن این بیت^۱ چنین است:

جهان آفرین رهنمای تو باد

همیشه سر تخت جای تو باد.

قسمتهایی از این بیت بر روی دوازده قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است. این بیت بر روی کاشیهای بسیار دیگری که در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شود نیز آمده است.

بر روی قطعه کاشی «۳۴-ب» قسمتی از تاریخ ساخت به صورت «فی تاریخ» باقی مانده است.

(۱) این بیت از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۳، ص ۱۱۹۸، داستان «پاسخ نامه خسرو از کیکاوس شاه»، بیت ۱۸۵۴)

۳۵

(الف) ز موبد برین گونه داریم یاد که رستم بر آراست از بامداد غمی [بد] دلش... بر کرد رخس بتیر و کمان و بگرز و کمند بیفکند بر دشت

(ب) [کـ]برد کمر بست و ترکش پر از [تـ]بیر

(ج) و ترکش پر از تیر کرد چو نزدیکی مرز توران]

(د) [سـ]راسر پر از گور دید بر افروخت چون

(و) بیفکند بر دشت نخجیر چند.



تصویر ۳۴



هـ) ...ست چون گل رخی

متن کامل اشعار^۱ چنین است:

ز موبد برین گونه داریم یاد
که رستم بر آراست از بامداد
غمی بد دلش ساز نخجیر کرد
کمر بست و ترکش پر از تیر کرد
چو نزدیکی مرز توران رسید
بیابان سراسر پر از گور دید
برافروخت چون گل رخ تاج بخش
بخندید و از جای بر کرد رخش
به تیر و کمان و به گرز و کمند
بیفکند بر دشت نخجیر چند.

قسمتی از این اشعار روی يك قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این اشعار همچنین روی دهها کاشی دیگر که در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شود آمده است.

(۱) این اشعار از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۱، ص ۳۸۵، داستان «آمدن رستم به نخجیر گاه»، ابیات ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸ و ۲۹) مصرع اول بیت اول در شاهنامه به صورت «ز موبد بر آن گونه برداشت یاد» است، ترتیب اشعار روی کاشی با شاهنامه اختلاف دارد. روی قطعه کاشی «۳۵-ه»، «گل رخ» در مصرع اول بیت چهارم، به صورت «گل رخی» آمده است.

۳۶

[بنگری]د زند بنا گمانیش کوتاه دید بدو گفت رخش بدین مرغزار ز من دور شد بی لگام و فسار]

متن کامل اشعار^۱ چنین است:

چو رستم به گفتار او بنگرید
ز دل بد گمانیش کوتاه دید
بدو گفت رخش بدین مرغزار
ز من دور شد بی لگام و فسار.

این اشعار تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

(۱) این اشعار از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۱، ص ۳۸۷، داستان «آمدن رستم بشهر سمنگان»، بیت ۶۸ و ۶۹). در این مرجع به جای «زند بنا گمانیش» و «رخش»، «ز دل بد گمانیش» و «رخشم» آمده است.

۳۷

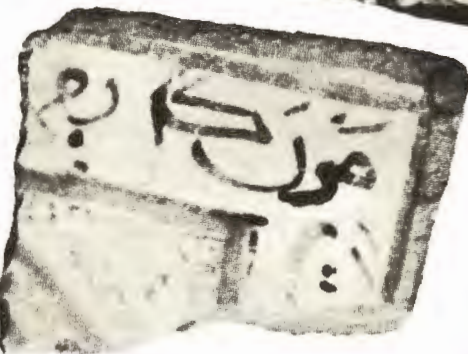
یافتند سوی بند کردند و بش[تافتند]



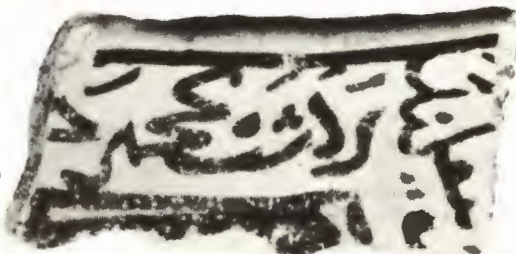
ج



د



ه



و

تصویر ۳۵



تصویر ۳۶

متن کامل بیت^۱ چنین است:

چو در دشت مر رخس را یافتند
سوی بند کردند و بشتافتند.

این بیت تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

(۱) این بیت از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۱، ص ۳۸۵، داستان «سهراب»، بیت ۲۸).

در این مرجع به جای «کردند و بشتافتند»، «کردنش بشتافتند» آمده است.



تصویر ۳۷

۳۸

بخور هرچه داری فزونی بده تورنجیده‌ای بهر دشمن منه

متن بیت^۱ چنین است:

بخور هرچه داری فزونی بده
تورنجیده‌ای بهر دشمن منه.

این بیت بر روی دهها کاشی و ظرف دیگر، که در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شود نیز آمده است. جهت اطلاع از متن کامل بیت دیگری که قسمتی از آن بر روی این قطعه کاشی نوشته شده است، شماره ۸۷ را ملاحظه کنید.

(۱) این بیت از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۲، ص ۶۷۴، داستان «بر تخت شاهی نشاندن کاووس کیخسرو را»، بیت ۱۶۱۲ و ج ۵، ص ۲۵۵۵، داستان «پادشاهی فرخزاد يك ماه بود»، بیت ۳۱).



تصویر ۳۸

۳۹

الف) خرد مرد را خلعت ایزد[یست سزاوار خلعت نگه

ب) [ک-ه کیست چو نباشد خرد جان نباشد رواست خرد

ج) [جان جانست و ایزد گواست

متن کامل این اشعار^۱ چنین است:

خرد مرد را خلعت ایزد یست
سزاوار خلعت نگه کن که کیست
چو نباشد خرد جان نباشد رواست
خرد جان جانست و ایزد گواست.

این اشعار تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

قطعه کاشی «۳۹-الف» در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می‌شود.

قطعات کاشی «۳۹-الف-ج» متعلق به يك کاشی اند.



الف

بر روی قطعه کاشی «۳۹-الف» عبارت «يك زمان» دیده می‌شود که مربوط به اشعار بالا باید باشد ولی در شاهنامه فردوسی مرجع ما ملاحظه نشد.

روی قطعه کاشی «۳۹-ج» قسمتی از تاریخ ساخت به صورت سنه احـ[دی] نوشته شده است و، به علت شکستگی، بقیه تاریخ آن از بین رفته است. تاریخ دقیق ساخت این کاشی سال ۶۷۱ هجری است.

(۱) این اشعار از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۵، ص ۲۰۷۳، داستان «بزم ششم نو شروان با بزرجمهر و موبدان»، ابیات ۱۵۱۰ و ۱۵۱۲) در شاهنامه، به جای «خرد مرد»، «خردمند» آمده است. در ضمن کاشیگر حرف «د» را در «ایزدیست» روی قطعه کاشی «۳۹-الف» انداخته است. کلمه «جو» (در آغاز مصرع سوم)، که روی قطعه کاشی «۳۹-ب» آمده است، در شاهنامه دیده نشد.

۴۰

... جهانرا چه سازی که خود ساختست جهاندار ازین کار پرداختست
متن این بیت^۱ چنین است:

جهان را چه سازی که خود ساختست
جهاندار ازین کار پرداختست.

این بیت تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگر مشاهده نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی این قطعه کاشی آمده است شماره ۸۰ را ملاحظه کنید. روی این قطعه کاشی قسمتی از تاریخ ساخت به صورت «فی تاریخ ماه ذی قعدة» نوشته شده است. بقیه تاریخ، به علت نبودن جای کافی روی کاشی نوشته نشده است.

(۱) این بیت از فردوسی است و در شاهنامه آمده است. (ج ۱، ص ۴۲۷، بیت ۹۳۵، داستان «پرسیدن سهراب نام سرداران ایران از هجیر»).

۴۱

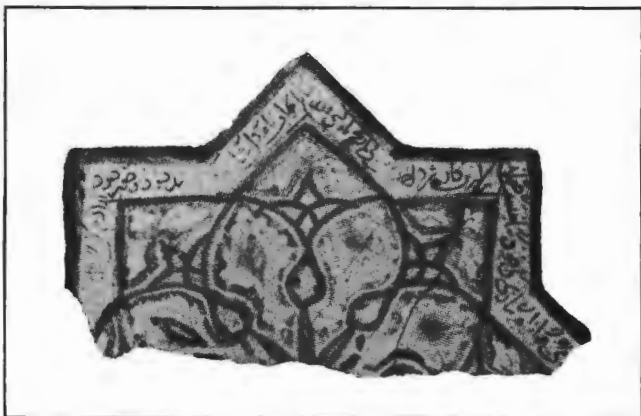
[۱] و همه شهر افسانست در سلسله

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

گفتند دل تو از خرد بیگانست
دیوانگی او همه شهر افسانست
در سلسله زلف تو بستیم او را
خود سلسله دیوانه‌تر از دیوانست.



تصویر ۳۹



تصویر ۴۰



تصویر ۴۱

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

(۱) این رباعی از کمال الدین اسماعیل اصفهانی است و در دیوان او (ص ۸۵۰) آمده است.

۴۲

ای کرده رخت بماء و اختر بازی وی عادت من در ره تو سر بازی در
جنبش باد زلفگان تو چنان زنگی بچگان کنند چنبر بازی
متن کامل رباعی^۱ چنین می باشد:
ای کرده رخت بماء و اختر بازی
وی عادت من در ره تو سر بازی
در جنبش باد زلفگان تو چنان
زنگی بچگان کنند چنبر بازی.
قسمتهایی از این رباعی همچنین روی پنج قطعه کاشی از
تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی روی دهها کاشی دیگر که در موزه های مختلف
موجود است نیز آمده است.
جهت اطلاع از متن کامل بیتی که قسمتی از آن روی این
قطعه کاشی آمده است شماره ۳ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی از کمال الدین اسماعیل اصفهانی است و در دیوان او (ص ۹۲۳) آمده است.

در این مرجع «چنبر» و «چنانك» به جای «جنبش» و «چنان» آمده است. کلمه «ره» روی چند کاشی دیگر به صورت «غم» نیز آمده است.

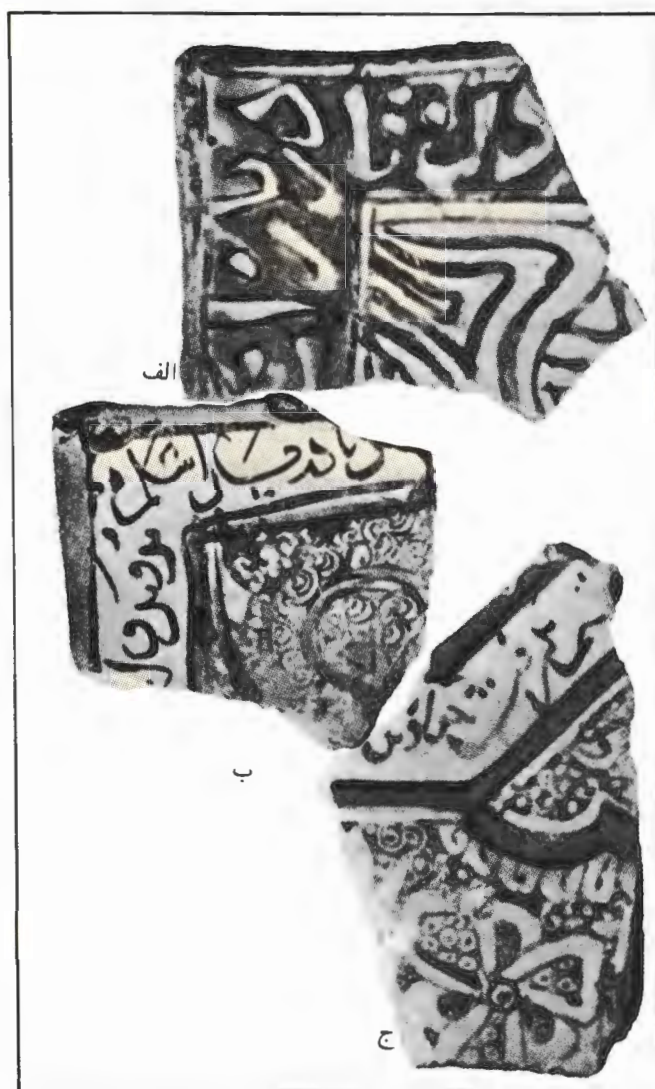
۴۳

الف) دل تا در یار اشکم]
ب) تا در یار اشکم بدوید و آستینم]
ج) آستینم بگرفت
متن کامل رباعی^۱ چنین است:
دیشب هوس دل غمینم بگرفت
و اندیشه یار نازنینم بگرفت
گفتم بروم بر پی دل تا در یار
اشکم بدوید و آستینم بگرفت.
قسمتی از این رباعی روی يك قطعه کاشی دیگر، که در
موزه قم^۲ نگهداری می شود، آمده است.

(۱) این رباعی از کمال الدین اسماعیل اصفهانی است و در دیوان او (ص ۸۲۷) آمده است. در دیوان به جای «در یار»، «آنجا» آمده است.



تصویر ۴۲



تصویر ۴۳

۴۴

الف) [بگدا]خته‌اند کایشان چو شکر خانه

ب) [خا]نه زنی ساخته‌اند

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

اهل طبرستان همه چو فاخته‌اند

کز سلۀ بیدخانه پرداخته‌اند

زان همچو شکر در آب بگداخته‌اند

کایشان چو شکر خانه زنی ساخته‌اند.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده

نشده است.

(۱) این رباعی از کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی است و در دیوان او (ص ۸۸۳) آمده است.

۴۵

الف) من دوش در آرزوی رویت هر دم در رنگ گل و باده نگه

می‌کردم با صاغر و با رباب تا روز سپید [بـ]

ب) [سپید]د بر یاد لب‌ت می‌زدم و می‌خوردم

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

من دوش در آرزوی رویت هر دم

در رنگ گل و باده نگه می‌کردم

با صاغر و با رباب تا روز سپید

بر یاد لب‌ت می‌زدم و می‌خوردم.

قسمتهایی از این رباعی روی بیست و هشت قطعه کاشی

دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی دهها کاشی دیگر موجود در

موزه‌های مختلف آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل بیت دیگری که قسمتی از آن

روی قطعه کاشی «۴۵-ب» آمده است شماره ۸۷ را ملاحظه

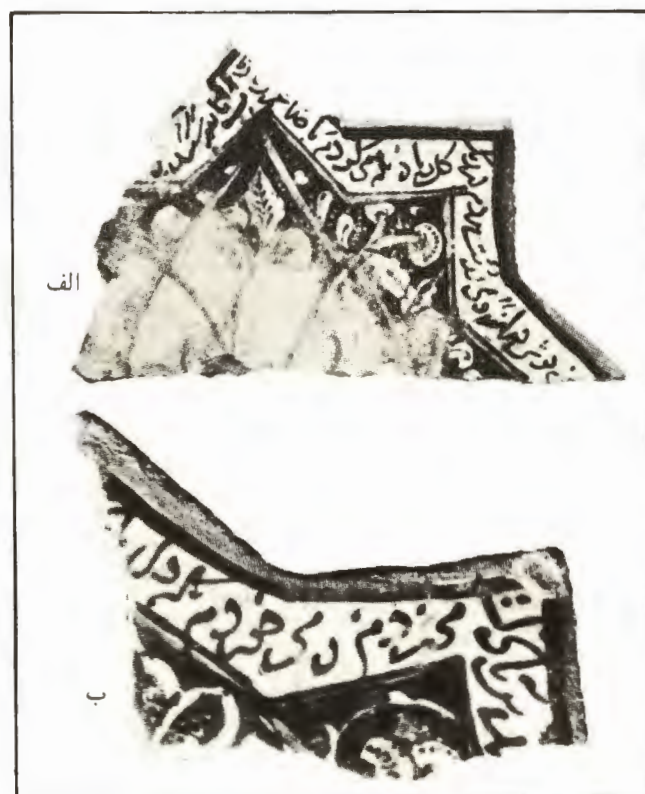
کنید.

(۱) این رباعی از کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی است و در دیوان او (ص ۸۹۱) آمده است.

در دیوان به جای «سپید» و «لب‌ت»، «فراخ» و «رخت» آمده است. در ضمن کلمه «صاغر»، بر طبق رسم الخط قرن هفتم هجری، روی کاشیهای مختلف، به جای «س»، «ص» آمده است.



تصویر ۴۴



تصویر ۴۵



تصویر ۴۶

الف) [هم-خواه] من گوش فلک ستمگر از

ب) [خون-ب] من

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

آساید اگر شوی تو همخواه من

گوش فلک ستمگر از لابه من

ای جان و جهان چون شنکرف برند

خاک سر کوی تو ز خونابه من.

این رباعی روی يك كاسه زرین فام^۲ نیز آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۴۶-ب» آمده است شماره ۶۲ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی از مجیرالدین بیلقانی است و در دیوان او (ص ۴۱۱) آمده است.

(۲) عکس این کاسه در

Sotheby (1), no. 259.

چاپ شده است.



تصویر ۴۷

الف) هرچشمه [که] کاروان تهی کرد ز آب

ب) [کارا] وان تهی کرد ز آب من باز بآب دیده پر می کردم

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

هر ناله که بر سر شتر می کردم

در پای شتر ز دیده در می کردم

هرچشمه که کاروان تهی کرد ز آب

من باز به آب دیده پر می کردم.

قسمتی از این رباعی روی يك قطعه کاشی دیگر از تخت

سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی بشقاب زرین فامی که در سال

۶۰۴ هجری ساخته شده آمده است. این بشقاب با شماره

51-1952 در موزه ویکتوریا والبرت نگهداری شده و نگارنده

عکس آن را به چاپ رسانیده است.^۲

(۱) این رباعی از اشعار مهستی است و در دیوان او (ص ۱۸۹) آمده است.

در دیوان به جای «ز دیده»، «نثار» آمده است. ضبط «ز دیده» با استناد به بشقاب موزه ویکتوریا والبرت اختیار شده است.

(۲) مجله باستانشناسی و تاریخ، س ۱، ش ۲، ص ۳۸، تصاویر ۱۹ تا ۲۱.

۶۶ الف) ای گرسنه مهر تو سیران جهان ترسان ز فراق تو دلیران جهان با

چشم تو آهوان چه د[ارند]

ب) [د]ارند بدست [ای] زلف تو پای بند

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

ای گرسنه مهر تو سیران جهان
ترسان ز فراق تو دلیران جهان
با چشم تو آهوان چه دارند به دست
ای زلف تو پای بند شیران جهان.

قسمتهایی از این رباعی همچنین روی دوازده قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی دهها کاشی و ظرف زرین فام و نقاشی شده در زیر لعاب، که در موزه‌های مختلف نگهداری می‌شوند، آمده است. بعضی از ظروف متعلق به اوایل قرن هفتم هجری است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۴۸-الف» آمده است شماره ۷۹ را ملاحظه کنید.

قطعه کاشی «۴۸-الف» در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می‌شود.

(۱) این رباعی منسوب به مولانا جلال الدین رومی است و در کلیات شمس تبریزی (ص ۱۴۴۱) آمده است.

در این مرجع به جای «مهر» و «ترسان»، «وصل» و «لرزان» آمده است. «مهر» روی چند کاشی دیگر به صورت «وصل» نیز آمده است.

این رباعی به دلیل اینکه روی چند ظرف زرین فام متعلق به اوایل قرن هفتم هجری آمده است نمی‌تواند از آن مولانا باشد که در سال (۶۰۴) هجری متولد شده است. رباعی مذکور روی چند ظرف تاریخ‌دار آمده و یکی از آن ظروف بشقاب زرین فام ساخته شده در سال ۶۱۳ هجری است که به شماره ۵۲۸ I در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می‌شود و در این تاریخ مولانا نه ساله بوده است.

۴۹

الف) گردد نوش دیدار توام... چشم آواز توام. گوش همی دارد گوش

ب) دیدار توام چشم همی دارد چشم آواز توام گوش همی دارد گوش

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

دل یاد تو آرد برود هوش از هوش
می بی لب نوشین تو کی گردد نوش
دیدار توام چشم همی دارد چشم
آواز توام گوش همی دارد گوش.

قسمتهایی از این رباعی روی سه قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی کاشی شماره ۳۵۷۵ و بشقاب زرین فام^۲ شماره ۴۷۵۸، که در موزه ملی ایران نگهداری



تصویر ۴۸



تصویر ۴۹



تصویر ۵۰

می شوند، آمده است. بشقاب مذکور متعلق به اوایل قرن هفتم هجری است.

جهت اطلاع از متن کامل بیتی که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۴۹-الف» آمده است شماره ۸۷ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی منسوب به مولانا جلال الدین رومی است و در کلیات شمس تبریزی (ص ۱۴۰۶) آمده است.

این رباعی به دلیل آمدن روی بشقاب زرین فام شماره ۴۷۵۸ موزه ملی ایران، که در اوایل قرن هفتم هجری ساخته شده است، نمی تواند از آن مولانا باشد؛ چون مولانا، که در سال ۶۰۴ هجری متولد شده است، در زمان ساخت بشقاب کودک خردسالی بیش نبوده است.

این رباعی همچنین در *نزهة المجالس فی الاشعار* (ص ۵۵۶، رباعی ۳۶۷۱) بدون ذکر نام سراینده آن آمده است.

«در کلیات شمس تبریزی به جای «توام»، «ترا» آمده است.

(۲) بشقاب مذکور توسط مرحوم دکتر مهدی بهرامی در

Bahrami, M. (1), pl. LXXIV.

چاپ شده است.

۵۰

الف) [هـ]ش [دار] که در میان جان داری دوست حس مغز تنست و

مغز حسّت جانست چون از تن و حس و جان گذشتی همه [اوست]

ب) گذشتی همه اوست

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

ای بی خبر از مغز شده غره به پوست

هشدار که در میان جان داری دوست

حس مغز تنست و مغز حسّت جانست

چون از تن و حس و جان گذشتی همه اوست.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده

نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل بیت دیگری که قسمتی از آن

روی این دو قطعه کاشی آمده است شماره ۸۷ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی منسوب به مولانا جلال الدین رومی است و در کلیات شمس تبریزی (ص ۱۳۲۷) آمده است.

کاشیکار کلمه «دار» را روی قطعه کاشی «۵۰-الف» از قلم انداخته است.

۵۱

الف) گفתי که ترا شوم مدار اندیشه دل خوش کن و بر صبر گمار

۶۸ اندیشه]ه

ب) [اندیشه کو صبر] و [چه دل کانچ دلش می خوانی يك قطره خونست و

ج) کانچ دلش می خوانی يك قطره خونست و هزار اندیشه] متن کامل رباعی^۱ چنین است:

گفتی که تراشوم، مدار اندیشه
دل خوش کن و بر صبر شمار اندیشه
کو صبر و چه دل؟ آنچه دلش می خوانی
يك قطره خون است و هزار اندیشه.

قسمتهایی از این رباعی روی یازده قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی چند کاشی دیگر موجود در موزه‌های مختلف آمده است.

۱) این رباعی منسوب به افضل‌الدین کاشانی، عایشه سمرقندی، خاقانی، اوحدالدین کرمانی و حافظ است و در دیوان افضل‌الدین کاشانی (ص ۶۸۳)، نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۲۱۲، رباعی ۷۹۱)، دیوان خاقانی (ص ۹۹۲)، دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی (ص ۱۴۷)، و دیوان حافظ (ص ۷۴۲) آمده است.

در دیوان افضل‌الدین کاشانی، به جای «گمار» و «کانچ»، «شمار» و «آنچه» آمده است؛ در نزهة المجالس به جای «کو صبر و»، «گفتم که» آمده است؛ در دیوان خاقانی به جای «کانچ»، «کانکه» آمده است؛ و در دیوان حافظ به جای «می گویی»، «می گویند» آمده است.

این رباعی در دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی به صورت زیر آمده است:
دل خوش کن و بر صبر گمار اندیشه
یعنی که دگر به دل مدار اندیشه
کو صبر و کدام دل چه می گویی تو
يك قطره خونست و هزار اندیشه.

این رباعی به دلیل آمدن روی کاشیهای قرن هفتم هجری نمی تواند از آن حافظ باشد که در دهه سوم قرن هشتم هجری متولد شده است.



تصویر ۵۱

۵۲

الف) غم با لطف تو شادمانی]

ب) شادمانی گردد عمر از نظر تو جاودانی گردد گر باد بدوزخ برد]

ج) [کوای تو خاک آتش همه آب زندگانی متن کامل رباعی^۱ چنین است:

غم با لطف تو شادمانی گردد
عمر از نظر تو جاودانی گردد
گر باد به دوزخ برد از کوی تو خاک
آتش همه آب زندگانی گردد.

قسمتهایی از این رباعی روی نه قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی چند کاشی دیگر موجود در



موزه‌های مختلف آمده است که یکی از آنها کاشی «شکل ۷۱» است که عکس آن در مقدمه کتاب چاپ شده است. بر روی قطعه کاشی «۵۲-الف» قسمتی از تاریخ ساخت آن (۶۷۱ هجری)، به علت نبودن جای کافی، به صورت «سنة احدى» آمده است.

(۱) این رباعی منسوب به افضل الدین کاشی، فخرالدین خالد هروی، مهستی و ابوسعید ابوالخیر است و در دیوان افضل الدین کاشانی (ص ۹۵): نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۵۲۸، رباعی ۳۴۲۸): دیوان مهستی (ص ۵۰): سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر (ص ۲۶): همچنین بدون ذکر نام سراینده آن در مونس الاحرار فی دقائق الاشعار (ج ۲، ص ۱۱۶۷) آمده است. در دیوان مهستی به جای «گر باد»، «آباد» آمده است. بیت اول این رباعی در سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر به شکل زیر آمده است: دل از نظر تو جاودانی گردد غم با الم تو شادمانی گردد.

۵۳

الف) جانا بر [نور] شمع دود آو [ردی]
ب) جانا بر نور شمع دود آوردی یعنی خط اگرچه خوش نبود آوردی
ج) [دود] آوردی یعنی خط اگرچه خوش متن کامل رباعی^۱ چنین است:
جانا بر نور شمع دود آوردی
یعنی خط اگرچه خوش نبود آوردی
گردود دل من است دیرت بگرفت
ور خط بخون منست زود آوردی.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

(۱) این رباعی منسوب به افضل الدین کاشانی، نجیب الدین عمر گنجه، ابوسعید ابوالخیر، ازرقی هروی و انوری است و در دیوان افضل الدین کاشانی (ص ۲۰۳): نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۳۱۱، رباعی ۱۶۳۰): سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر (ص ۹۲): دیوان ازرقی هروی (ص ۱۰۵): دیوان انوری (چاپ علمی و فرهنگی، ج ۲، ص ۱۰۳۱) آمده است.

در دیوان افضل الدین کاشانی، به جای «دیرت» و «بخون»، «ابر» و «خلاص» آمده است. در سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر به جای «جانا بر نور»، «ای آنکه بگرد» آمده است و در دیوان ازرقی هروی، به جای «جانا بر نور شمع»، «ای شمع پیش نور» و در دیوان انوری به جای «اگرچه» و «من است» (در مصرع سوم)، «ارچه» و «ماست». در مصرع چهارم، در همه مراجع بالا بجز نزهة المجالس فی الاشعار، به جای «منست»، «ماست» آمده است.

۵۴

۷۰ الف) رو دیده بدوز تا دلت دیده شود ز [ان]



تصویر ۵۲



(ب) [ش]بود زان دیده جهانی دیگر ت دیده شود
(ج) [جهانی] دگرت دیده شود گرتو ز سر [سند]

(د) شود ورتو ز سر پسند خود برخیزی

(هـ) [پسند] خود برخیزی سر تا سر کار تو پسندیده شو[د]

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

رو دیده بدوز تا دلت دیده شود

زان دیده جهانی دگرت دیده شود

گرتو ز سر پسند خود برخیزی

سر تا سر کار تو پسندیده شود.

قسمتهایی از این رباعی روی نه قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی چند کاشی دیگر موجود در موزه‌های مختلف آمده است.

(۱) این رباعی منسوب به افضل‌الدین کاشانی، اوحدالدین کرمانی و مولانا جلال‌الدین رومی است و در دیوان افضل‌الدین کاشانی (ص ۹۰)؛ دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی (ص ۲۵۶)؛ کلیات شمس تبریزی (ص ۱۳۷۶) آمده است. مصرع سوم این رباعی، در کلیات شمس تبریزی، به صورت «گرتو ز پسند خویش بیرون آیی» آمده است. در مرجع مذکور و دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، به جای «سرتاسر کار تو»، «کارت همه سر بسر» آمده است. «دگرت» به صورت «دیگرت» نیز روی کاشی آمده است که نمونه آن قطعه کاشی «۵۴-ب» است؛ همچنین «گرت» روی قطعه کاشی «۵۴-ج» به صورت «ورت» آمده است.

۵۵

(الف) فرسوده شود شك نیست که فرسوده بیهوده شود ناچار[ر]

(ب) [نا] چار هر آنچ بودنی خواهد

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

هر دل که ز چشم رفته فرسوده شود

شك نیست که فرسوده بیهوده شود

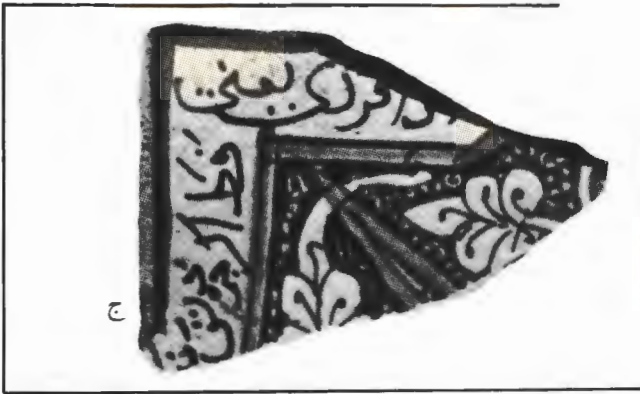
ناچار هر آنچ بودنی خواهد بود

گر جهد کنی ورنکنی بوده شود.

این رباعی روی يك کاشی موجود در موزه^۲ کلن آلمان غربی نیز آمده است.

قطعه کاشی «۵۵-الف» در موزه ملی ایران (موزه ایران باستان) به شماره ۲۰۹۴۳ نگهداری می‌شود. این قطعه کاشی از تخت سلیمان به دست آمده است.

(۱) این رباعی منسوب به افضل‌الدین کاشانی و عطار نیشابوری است و در دیوان افضل‌الدین کاشانی (ص ۱۰۴) و مختارنامه (ص ۱۰۶) آمده است. در دیوان افضل‌الدین کاشانی، به جای «ز چشم رفته»، «شك نیست»، «بیهوده»،



تصویر ۵۳



«ناچار»، «بودنی»، «گر»، «زرد دهر»، «افسوس»، «و بیهوده»، «زانگه که»، «بود آن»، «ور» آمده است. در مختار نامه، به جای «ز چشم»، «شک نیست»، «فرسوده»، «ناچار»، «ز حکم»، «افسوس»، «فرسوده» و «زیرا که» آمده است.

(۲) عکس این کاشی در Majolika, Kunstgewerbemuseum, Köln 108 چاپ شده است.

۵۶

(الف) ای نور دل و دیده و جانم چونی

(ب) آرزوی هر دو جهانم چونی من بی

(ج) [جهانم چونی من بی [لب] لعل تو چنانم

(د) که مہرس تو بی رخ زرد من ندانم چونی

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

ای نور دل و دیده و جانم چونی

وی آرزوی هر دو جهانم چونی

من بی لب لعل تو چنانم که مہرس

تو بی رخ زرد من ندانم چونی.

قسمتهایی از این رباعی نیز روی هشت قطعه کاشی از

تخت سلیمان آمده است.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده

نشده است.

روی قطعه کاشی «۵۶-الف» تاریخ ساخت (۶۷۴)

هجری) به صورت زیر آمده است: [ارب-ع] و [سب-ع-ب-ا-ن]

و ستمائة.

(۱) این رباعی منسوب به اثیر الدین اخسیکتی و مولانا جلال الدین رومی است و در *نزهة المجالس فی الاشعار* (ص ۴۷۶، رباعی ۳۰۰۲) و *کلیات شمس تبریزی* (ص ۱۴۷۳) آمده است.

کاشیکار در حین نوشتن رباعی، کلمه «لب» را روی قطعه کاشی «۵۶-ج» از قلم انداخته است.

۵۷

(الف) بر داده شود دریا همه [ز]

(ب) گر رنگ رخت بباد بر داده شود

(ج) رخت باده شود ورتو بمثل

(د) ورتو بمثل بکوه بر بو[سه]

(ه) [کوه] از لب تو عقیق [و] بیجاده شود

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

گر رنگ رخت بباد بر داده شود

دریا همه از رنگ رخت باده شود



تصویر ۵۴



تصویر ۵۵



ور تو بمثل بکوه بر بوسه دهی
کوه از لب تو عقیق و بیجاده شود.

قسمتهایی از این رباعی نیز روی چهار قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان آمده است.
این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

روی قطعه کاشی «۵۷-الف» قسمتی از تاریخ ساخت، که به علت از بین رفتن قسمتی از کاشی فقط ماه ساخت آن مشخص است، به صورت «فی تاریخ ماه ذی القعدة» باقی مانده است.

(۱) این رباعی منسوب است به برهان الدین گنجه و عین القضاة همدانی و در نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۳۴۰، رباعی ۱۸۷۹) و احوال و آثار عین القضاة همدانی (ص ۲۴۳) آمده است.

در نزهة المجالس فی الاشعار، به جای «دریا همه از رنگ رخت»، «ور»، «بکوه» و «کوه»، «از رنگ رخت باد همه»، «ار»، «بسنگ» و «سنگ» آمده است. در احوال و آثار عین القضاة همدانی، به جای «دریا همه از رنگ رخت»، «باد از طرب رنگ رخت» آمده است.

۵۸

ز راه آمد عشق

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

بر سین سریر ملک شاه آمد عشق
بر کاف کمال کل کلاه آمد عشق
بر میم ملوک دهر ماه آمد عشق
با این همه یک قدم ز راه آمد عشق.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل بیتی که قسمتی از آن روی این قطعه کاشی آمده است، شماره ۳ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی منسوب است به امیر معزی و سنائی و در نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۲۰۲، رباعی ۷۱۳) و دیوان سنائی (ص ۱۱۴۹) آمده است. مصرعهای دوم و سوم در نزهة المجالس فی الاشعار جابجا شده است، ولی در دیوان سنائی به همان صورت بالاست.

۵۹

الف) بریان یافت هر شام که

ب) [غمگ]ین دید هر صبح که خندید مرا گریان یافت.

متن کامل رباعی^۱ چنین است:



تصویر ۵۶



عالم ز لباس راحتم عریان یافت
تا چشم پر آب و دل بریان یافت
هر شام که بگذشت مرا غمگین دید
هر صبح که خندید مرا گریان یافت.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۵۹-ب» آمده است، شماره ۱۴ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی منسوب است به خاقانی و عراقی و در نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۶۰۹، رباعی ۴۰۹۳) و کلیات عراقی (ص ۳۱۱) آمده است. در کلیات عراقی به جای «راحتم» و «تا چشم پر آب»، «شادیم» و «با دیده پر خون» آمده است. «تا چشم پر آب»، از روی نزهة المجالس فی الاشعار نقل شده است.



تصویر ۵۷

۶۰

الف) گفتم که مگر غمت بود درمانم کی دانستم که با غمت درما[نم]

ب) [فتا]ده می دانستم کندر پی تو چو حلقه بر درمانم

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

گفتم که مگر غمت بود درمانم
کی دانستم که با غمت در مانم
بر خاک درت فتاده می دانستم
کندر پی تو چو حلقه بر در مانم.

قسمتهایی از این رباعی نیز روی یازده قطعه کاشی از تخت سلیمان آمده است.

این رباعی همچنین روی چند کاشی و ظرف زرین فام موجود در موزه‌های مختلف آمده است. ظروف زرین فام متعلق به اوایل قرن هفتم هجری است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۶۰-الف» آمده است، شماره ۴ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی منسوب است به ملک طغانشاه و مولانا جلال‌الدین رومی و در نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۲۴۱، رباعی ۱۰۳۱) و کلیات شمس تبریزی (ص ۱۴۳۰) آمده است.

در نزهة المجالس فی الاشعار، به جای «فتاده» و «کندر پی تو»، «نشسته» و «کز دست غمت» و در کلیات شمس تبریزی، به جای «غمت»، «غمش» آمده است. بیت دوم این رباعی در مرجع اخیر به این صورت است:

او از سر لطف گفت درمانت چیست
گفتم وصلت گفت بر این در مانم

کاشیکار، روی قطعه کاشی «۶۰-ب»، «کندر» را به صورت «کندر» نوشته شده است.

این رباعی به علت آمدن روی ظروف زرین فام اوایل قرن هفتم هجری،



تصویر ۵۸



تصویر ۵۹

۶۱

دانی که چراست ای پسندیده من پر اشك دو دیده ستم دیده من
می‌بگشاید ز آرزوی لب

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

دانی که چراست ای پسندیده من
پر اشك دو دیده ستم دیده من
می‌بگشاید ز آرزوی لب تو
آب از دهن مردمك دیده من.

قسمتهایی از این رباعی روی پانزده قطعه کاشی دیگر از
تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی دهها کاشی و ظرف زرین فام
دیگر موجود در موزه‌های مختلف آمده است. جهت اطلاع از
متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی این قطعه
کاشی آمده است، شماره ۷۳ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی منسوب است به رضی الدین نیشابوری و مجدالدین بغدادی و در
دیوان رضی الدین نیشابوری (نسخه خطی) و نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۵۶۰،
رباعی ۳۹۹۸) آمده است.

در دیوان رضی الدین نیشابوری، به جای «دانی که چراست»، «دانی ز چه گشت»
و در نزهة المجالس فی الاشعار، به جای «می‌بگشاید»، «می‌نگشاید» آمده است. در
هر دو مرجع به جای «اشك»، «آب» آمده است.

۶۲

(الف) یادم چو ازین عزم سفر می‌آید بر من همه خوا[ش]

(ب) [عزام] سفر می‌آید بر من همه خوش دلی بسر می‌آید گلگون سرشکم

[ک]ـ[چو] آبست روان از گرم روی بروی درمی‌آید

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

یادم چو ازین عزم سفر می‌آید
بر من همه خوشدلی بسر می‌آید
گلگون سرشکم که چو آبست روان
از گرم روی به روی در می‌آید.

قسمتهایی از این رباعی نیز روی نه قطعه کاشی دیگر از
تخت سلیمان آمده است.

این رباعی همچنین روی دهها کاشی و ظرف دیگر موجود
در موزه‌های مختلف آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن



تصویر ۶۰



تصویر ۶۱



روی قطعه کاشی «۶۲-الف» آمده است، شماره ۸۱ را ملاحظه کنید؛ و جهت اطلاع از متن کامل بیتی که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۶۲-ب» آمده است، شماره ۷۶ را ملاحظه کنید.

قطعه کاشی «۶۲-ب» در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می شود.

(۱) این رباعی منسوب است به سیدحسن غزنوی، شرف الدین شفره، شمس الدین طبسی و طالب جاجرمی و در *نزهة المجالس فی الاشعار* (ص ۴۷۴، رباعی ۲۹۸۸)؛ *لباب الالباب* (ج ۱، ص ۲۷۳)؛ *دیوان شمس الدین طبسی* (ص ۱۳۰)؛ و *دیوان طالب جاجرمی* (نسخه خطی شماره ۴۲۲۶ موزه ملی ایران) آمده است. در *لباب الالباب*، به جای «یادم»، «یارم» آمده است. در *نزهة المجالس فی الاشعار*، به جای «ازین»، «ازان» آمده است و در هر دو مرجع به جای «آبست»، «آبست» آمده است.

این رباعی به علت آمدن روی ظروف زرین فام اوایل قرن هفتم هجری، نمی تواند از آن طالب جاجرمی باشد که در قرن نهم هجری می زیسته است. صحت انتساب این رباعی به شمس الدین طبسی (وفات ۶۲۴ هـ) نیز بعید به نظر می آید.



۶۳

الف) من اهل بود می خوردن من بنزد وی سهل بود می خوردم
ب) بنزد وی سهل بود می خوردن من چوبازل او دانست گر من نخورم
علم خدا جهل بود

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

من می خورم و هر که چو من اهل بود
می خوردن من به نزد وی سهل بود
می خوردن من چو به ازل او دانست
گر من نخورم علم خدا جهل بود.

قسمتی از این رباعی نیز روی دو قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان آمده است.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

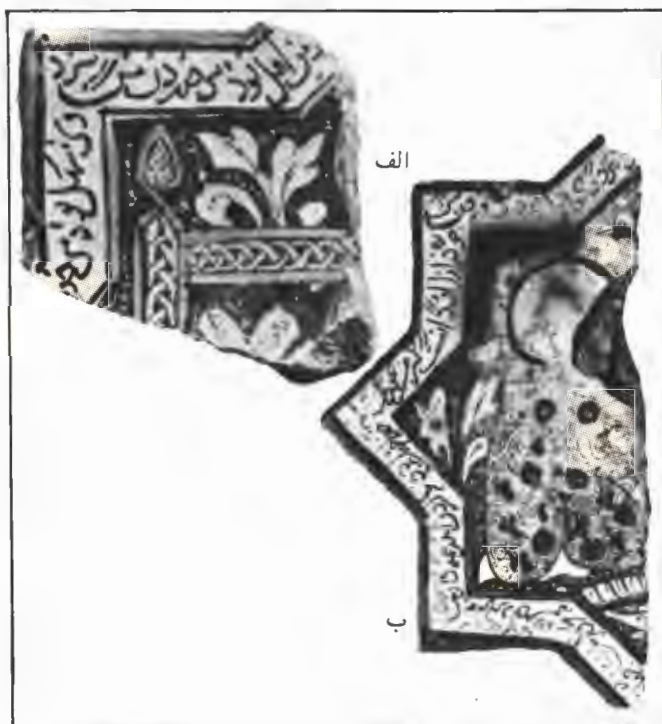
جهت اطلاع از متن کامل دوبیت دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۶۳-ب» آمده است، شماره های ۳ و ۳۴ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی منسوب است به سراج الدین قمری و عمر خیام و در *دیوان سراج الدین قمری* آملی، (ص ۵۹۸) و *طریخانه رباعیات حکیم خیام* (ص ۲۳۰) آمده است.

در *دیوان سراج الدین قمری* آملی، به جای «وی»، «او» آمده است. در هر دو مرجع به جای «چو بازل او دانست»، «حق بازل می دانست» آمده است و در *طریخانه*، در مصرع چهارم، به جای «من»، «می» آمده است.



تصویر ۶۲



تصویر ۶۳



تصویر ۶۴

تا سرش بصد شاخ نشد دست[ش]

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

در دهر کسی به گل‌گذاری نرسید
تا بر دلش از زمانه خاری نرسید
چون شانه تا سرش به صد شاخ نشد
دستش به سر زلف‌نگاری نرسید.

این رباعی همچنین روی بشقاب زرین فام (سبك تخت سلیمان) شماره ۲۱۳۷۷ موجود در موزه ملی ایران آمده است.

(۱) این رباعی منسوب است به سید شرف‌الدین مرتضی و عمر خیام و در *نزهة المجالس فی الاشعار* (ص ۲۸۲، رباعی ۱۳۷۲) و *طریخانه رباعیات حکیم خیام* (ص ۲۲۴) آمده است. مصرع سوم این رباعی در *طریخانه* به صورت «در شانه نگر که تا به صد دنده نشد» ضبط شده است.



تصویر ۶۵

الف) هرگز نشود ای

ب) [بجویی یا بی مهر تو

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

هرگز نشود ای بت بگزیده من
مهرت زدل و خیالت از دیده من
گر از پس مرگ من بجویی یا بی
مهر تو در استخوان پوسیده من.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

(۱) این رباعی منسوب است به یحیی‌الدین سبط اصفهانی و خواجه عبدالله انصاری و در *نزهة المجالس فی الاشعار* (ص ۵۲۹، رباعی ۳۴۴۱) و *رباعیات خواجه عبدالله انصاری* (ص ۵۲) آمده است. در *نزهة المجالس فی الاشعار*، به جای «مهر»، «عشق» آمده است.

متن کامل اشعار^۱ چنین است:

الا ای لعبت ساقی ز می پر کن مرا جامی
که پیدا نیست کارم را درین عالم سرانجامی
کنون چون توبه بشکستم بخلوت با تو بنشستم
ز می باید [که] در دستم نهی هر ساعتی جامی
همی خور باده صافی ز غم آن به که کم لافی

که هرگز عالم جافی نگیرد با کس آرامی
منه بر خط گردون سر ز عمر خویشتن برخور
که

قسمتهایی از این اشعار روی شش قطعه کاشی دیگر از
تخت سلیمان نیز آمده است.

این اشعار همچنین روی کاسه زرین فام^۲ (سبك تخت
سلیمان)، که به شماره ۲۱۵۵۵ در موزه ملی ایران نگاهداری
می شود، آمده است.

این کاشی در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگاهداری
می شود.

(۱) این اشعار منسوب است به سنائی و عبدالواسع جبلی و در دیوان سنائی (ص
۱۰۳۴) و دیوان عبدالواسع جبلی (ص ۵۸۰) آمده است.

در دیوان سنائی، به جای «عالم»، «گیتی» و در دیوان عبدالواسع جبلی، به جای
«غم»، «عمر» آمده است. در هر دو دیوان، به جای «در»، «که در» آمده است.
(۲) این کاسه در

Hayward Gallery, p. 250, No. 363.

چاپ شده است.



متن کامل رباعی^۱ چنین است:

دل داغ تو دارد ار نه بفر و ختمی
در دیده تویی و گر نه بر دو ختمی
دل منزل تست و ر نه روزی صد بار
در پیش تو چون سپند می سو ختمی.

این رباعی همچنین روی کاشی موجود در مجموعه دکتر محسن مقدم آمده است. متن رباعی روی کاشی مذکور را نگارنده به چاپ رسانیده است.^۲

(۱) این رباعی منسوب است به ابوسعید ابوالخیر و روزبهان بقلی و در سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر (ص ۹۶) و مجمع الفصحاء (ج ۲، ص ۶۸۰) آمده است.
در مرجع اول، به جای «بر»، «می» آمده است.
(۲) مجله باستانشناسی و تاریخ، س ۱، ش ۱، پائیز و زمستان ۱۳۶۵، (اشعار فارسی روی کاشیهای مجموعه دکتر محسن مقدم)، ص ۸۴.



تصویر ۶۷

(الف) عشق آمد و شد چو خون[م]

(ب) [تا] کرد مرا تهی و پر کرد ز دوست [اجزای]

(ج) خونم اندر رگ و پوست تا کرد مرا تهی و پر کرد ز دوست اجزای
وجودم همگی دوست گرفت نامیست ز من بر من و باقی همه اوست

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

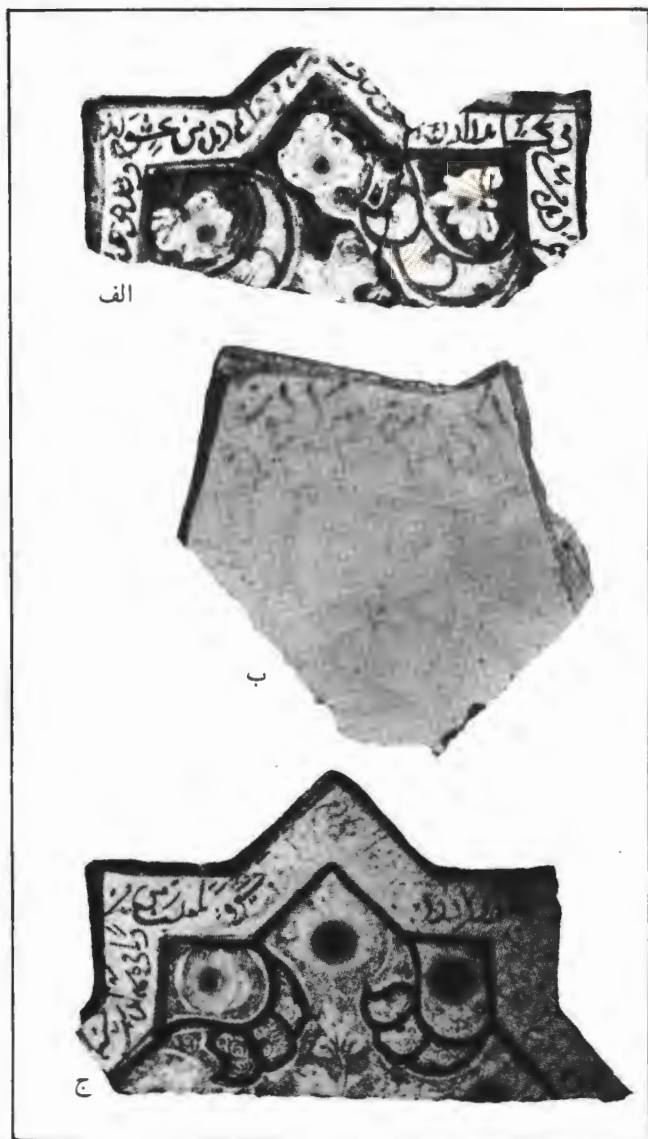
عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست
تا کرد مرا تهی و پر کرد ز دوست
اجزای وجودم همگی دوست گرفت
نامیست ز من بر من و باقی همه اوست.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

روی قطعه کاشی «۶۸-ج» قسمتی از تاریخ ساخت به صورت «سنة احـ[دی]» نوشته شده است. تاریخ دقیق ساخت این کاشی سال ۶۷۱ هجری است.

(۱) این رباعی منسوب است به افضل الدین کاشانی، اوحدالدین کرمانی، ابوسعید ابوالخیر مولانا جلال الدین رومی و خواجه عبدالله انصاری و در رباعیات افضل الدین کاشانی (ص ۱۰۹)؛ دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی (ص ۲۰۷)؛ سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر (ص ۱۶)؛ کلیات شمس تبریزی (ص ۱۳۴۴)؛ رباعیات خواجه عبدالله انصاری (ص ۱۶) آمده است.

این رباعی همچنین در جنگ اشعار خطی شماره ۹۰۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران (ص ۴۵۰)، بی ذکر نام سراینده آن، آمده است.
در همه این مراجع، به جای «وجودم»، «وجود من» آمده است. در مراجع دوم و چهارم به جای «همگی» در مصرع سوم، «همه» آمده است.



تصویر ۶۸

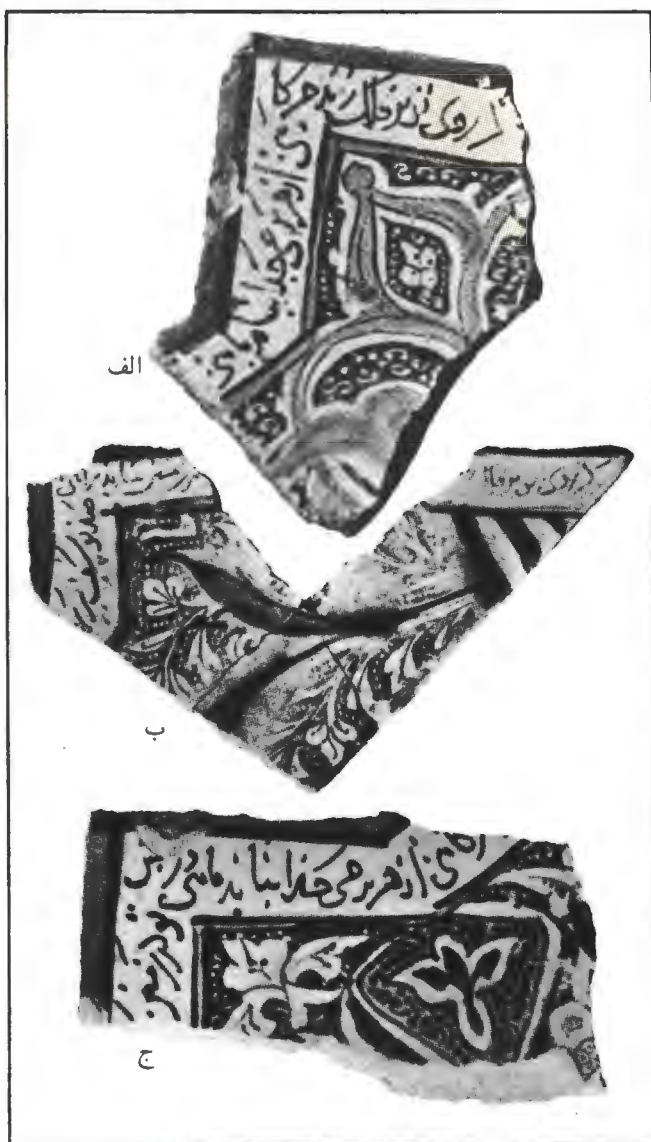
الف) گر روی تو بر فلک زند خرگاهی از هر برجی جدا بتابد ماهی
 ب) گر روی تو بر فلک... در زمین بیابد راهی صد یوسف سر بر
 ج) [خرگاهی از هر برجی جدا بتابد ماهی و] احسن تو در زمین
 متن کامل رباعی^۱ چنین است:
 گر روی تو بر فلک زند خرگاهی
 از هر برجی جدا بتابد ماهی
 و حسن تو در زمین بیابد راهی
 صد یوسف سر بر زند از هر چاهی.
 این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده
 نشده است.

(۱) این رباعی بی ذکر نام سراینده آن در نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۲۵۴،
 رباعی ۱۱۳۷) آمده است.
 در مرجع مذکور، به جای «روی» و «حسن»، «حسن» و «لطف» آمده است.

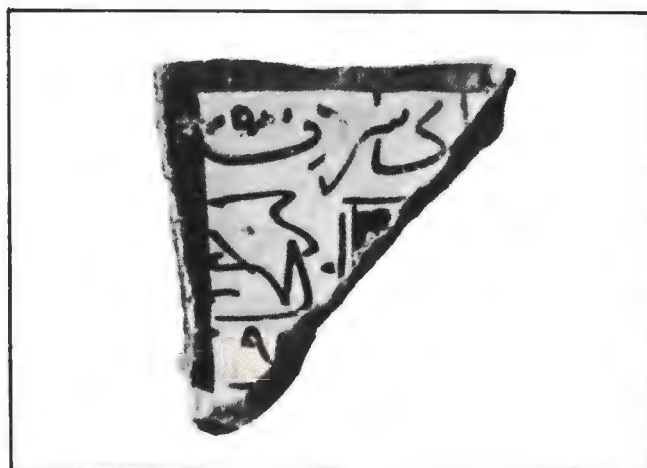
ای سرت از کجا می آید
 متن کامل رباعی^۱ چنین است:
 هر بار که یار نزد ما می آید
 شب بین که چه کوتاه قبا می آید
 بر گریه سرد من ببخشای ای صبح
 [این خنده] سرت از کجا می آید.
 این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده
 نشده است.

(۱) این رباعی، بی ذکر نام سراینده آن، در نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۵۰۲،
 رباعی ۳۲۱۶) آمده است.
 روی قطعه کاشی به جای «این»، «ای» آمده است و کاشیکار کلمه «خنده» را از
 قلم انداخته است.

الف) شکار مرغ وصلت هم[ه]
 ب) همه شب تا وقت سحر دو دیده بازست مرا
 متن کامل رباعی^۱ چنین است:
 شبها ز غمت بهره نیازست مرا
 با وصل تو تا به روز رازست مرا
 از بهر شکار مرغ وصلت همه شب
 تا وقت سحر دو دیده بازست مرا.



تصویر ۶۹



تصویر ۷۰

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

قطعه کاشی «۷۱-ب» در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگاهداری می شود.

جهت اطلاع از متن کامل دو بیت شعری که روی قطعه کاشی «۷۱-ب» آمده است، شماره ۷۶ و ۳۸ را ملاحظه کنید. (۱) این رباعی، بدون ذکر نام سراینده آن، در نسخه خطی شماره ۲۰۵۱ آمده است.

۷۲

الف) زلفت که هزار زنگی افزون دارد بر ترک خطا عزم شبیخون دارد آن زنگی لعل دزد

ب) [متوا] ایرا آویخته دارش که بسی خون دارد متن کامل رباعی^۱ چنین است:

زلفت که هزار زنگی افزون دارد
بر ترک خطا عزم شبیخون دارد
آن زنگی لعل دزد متواری را
آویخته دارش که بسی خون دارد.

قسمتهایی از این رباعی نیز روی بیست و دو قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان آمده است.

این رباعی همچنین روی دهها کاشی و ظرف دیگر موجود در موزه های مختلف آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۷۲-ب» آمده است شماره ۸۶ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی، بدون ذکر نام سراینده آن، در *مونس الاحرار فی دقائق الاشعار* (ج ۲، ص ۱۱۹۴) آمده است.

در این مرجع به جای «بر» و «آن زنگی لعل»، «با» و «آن هندوی شوخ» آمده است.

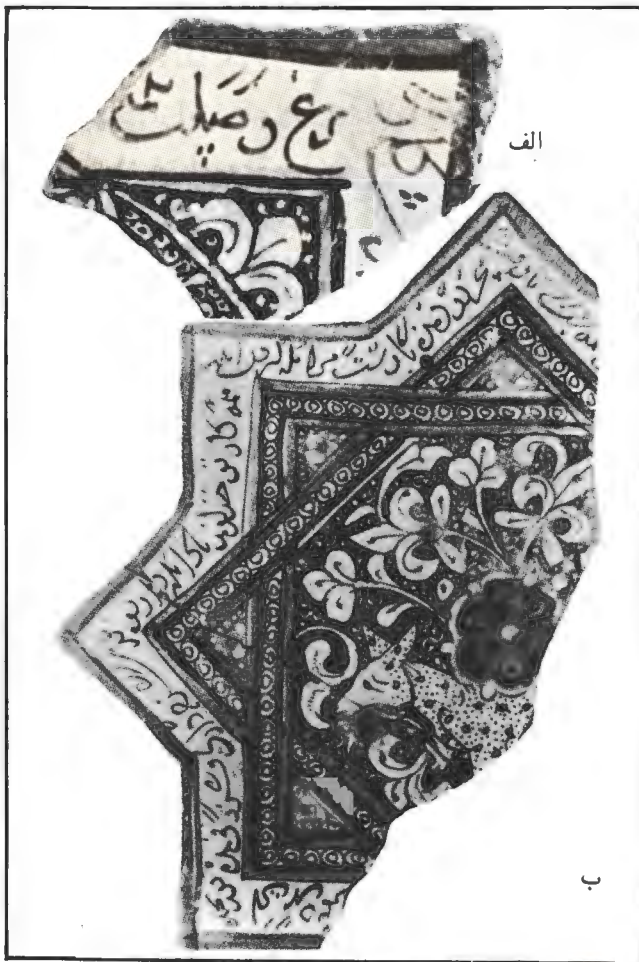
۷۳

الف) زلفت که دلم در خم او پیخته است خون دلی عاشقان بسی ریخته [است]

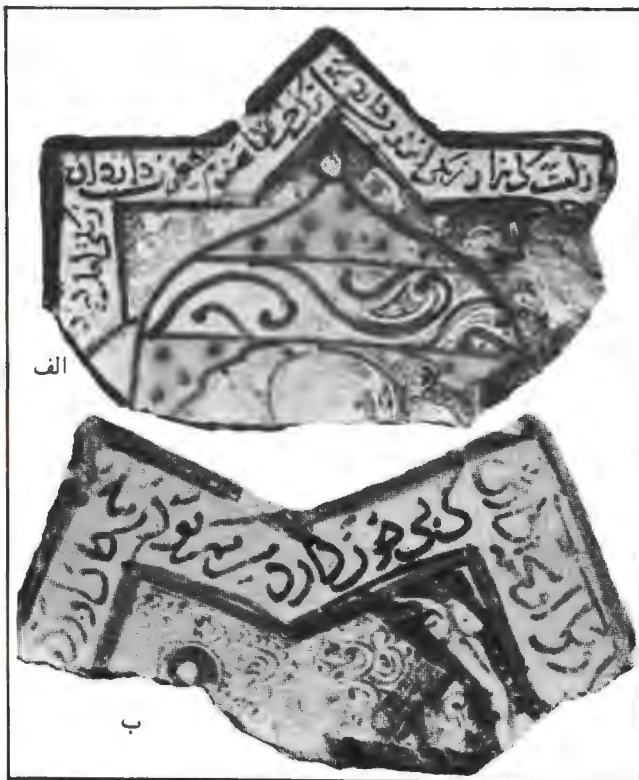
ب) در خم او پیخته است خون دل عاشقان بسی ریخته است جایست خطرناک دریغا که درو بیچاره دلم بمویی آویخته است

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

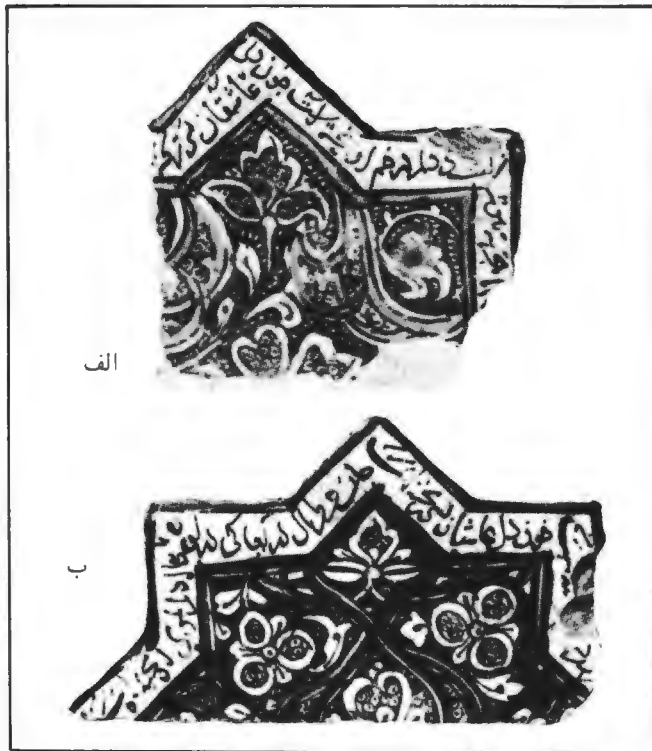
زلفت که دلم در خم او پیخته است
خون دل عاشقان بسی ریخته است



تصویر ۷۱



تصویر ۷۲



تصویر ۷۳



تصویر ۷۴

جاییست خطر ناک در یفا که درو
بیچاره دلم به مویی آویخته است.

قسمتهایی از این رباعی روی دوازده قطعه کاشی دیگر از
تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی دهها کاشی و ظرف دیگر موجود
در موزه‌های مختلف آمده است.

روی قطعه کاشی «۷۳-الف»، قسمت آخر تاریخ ساخت
کاشی (هجریه نیویه) آمده و قسمت اول تاریخ به علت
شکستگی از بین رفته است.

(۱) این رباعی، بدون ذکر نام سراینده آن، در مونس الاحرار فی دقاتق الاشعار (ج
۲، ص ۱۱۹۵) آمده است.

در این مرجع، به جای «خم» و «جاییست»، «خمش» و «چاهیست» آمده است.
«خون دل» روی قطعه کاشی «۷۳-الف» به صورت «خون دلی» نوشته شده است.

۷۴

تا روز ازل عشق تو آموخته‌اند

متن رباعی^۱ چنین است:

... چراغ او برافروخته‌اند

تا روز ازل عشق تو آموخته‌اند

سبحان الله قبای لطف گویی

بر قد دل خسته ما دوخته‌اند.

قسمتی از این رباعی روی قطعه کاشی دیگری موجود در

موزه قم^۲ نیز آمده است.

(۱) این رباعی، با کمی اختلاف و بدون ذکر نام سراینده آن، در مونس الاحرار فی
دقاتق الاشعار (ج ۲، ص ۱۱۹۵) آمده و در آن، بیت اول رباعی چنین است: تا شمع
جمال تو برافروخته‌اند / پروانه صفت دل ما را سوخته‌اند.

قسمتی از بیت اول که در بالا آمده از روی قطعه کاشی موزه قم نقل شده است.

(۲) عکس این قطعه کاشی در

Pope, A. U. (2), p. 157, fig. 6.

چاپ شده است.

۷۵

[خوش]ت وی کرده مرا [ش]ب[فته] سودای خوشت در وهم که آرد و

که یارد گفتن وصف دهن تنگ و سخنهای]

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

ای برده دلم قامت رعنای خوشت

وی کرده مرا شیفته سودای خوشت

در فهم که آرد و که یارد گفتن

وصف دهن تنگ و سخنهای خوشت.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

این قطعه کاشی در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگاهداری می‌شود.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی این قطعه کاشی آمده است، شماره ۱۰۲ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی، بدون ذکر نام سراینده آن، در *نزهة المجالس فی الاشعار* (ص ۴۰۹، رباعی ۲۴۵۹) آمده و در آن، به جای «آرد»، «آید» ضبط شده است. چنانچه ملاحظه می‌شود روی کاشی به جای «فهم»، «وهم» نوشته شده است.

۷۶

الف) یکام تو بادا همه کار تو خداوند بادا نگهدار تو

ب) نگه کردن اندر همه کار تو خداوند بادا نگهدار تو

متن کامل این بیت^۱، که مصرع اول آن به دو شکل آمده، چنین است:

۱- به کام تو بادا همه کار تو

خداوند بادا نگهدار تو.

۲- نگه کردن اندر همه کار تو

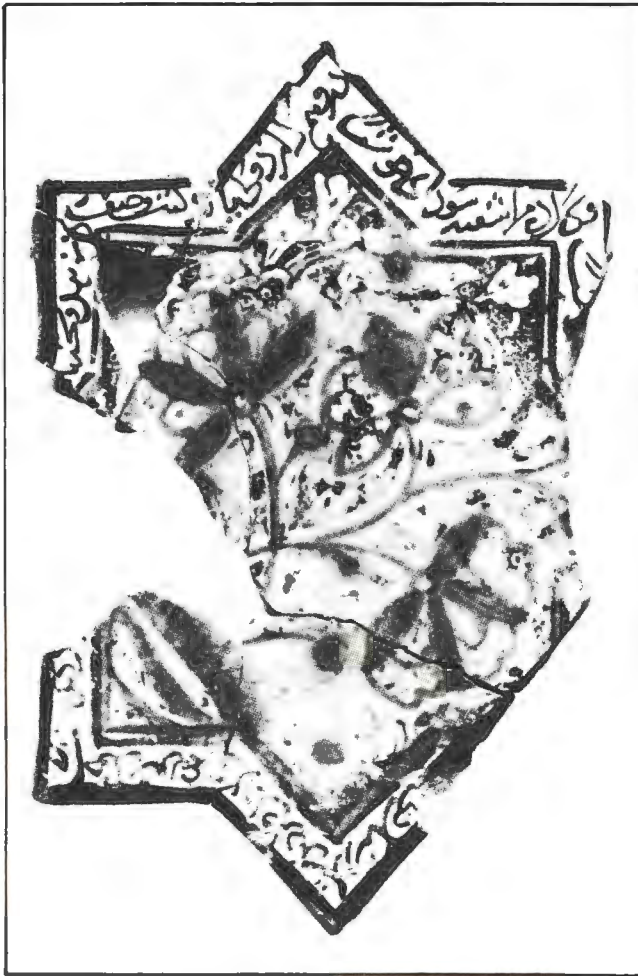
خداوند بادا نگهدار تو.

قسمتهایی از این بیت روی شش قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

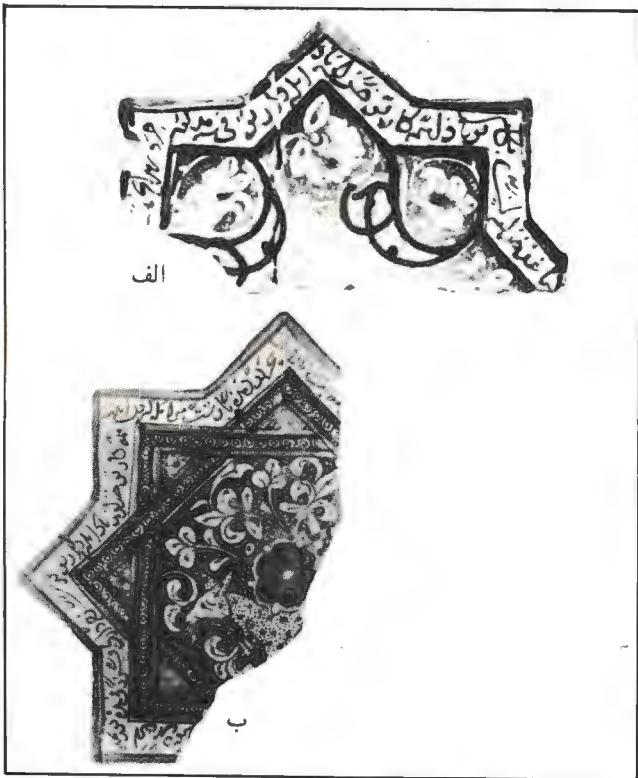
این بیت همچنین روی دهها کاشی و ظرف دیگر، موجود در موزه‌های مختلف آمده است.

قطعه کاشی «۷۶-ب» در موزه هنر اسلامی برلن غربی موجود است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی و يك بیت دیگر، که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۷۶-الف» آمده است، شماره‌های ۲۵ و ۸۷ را ملاحظه کنید. جهت اطلاع از متن کامل رباعی و بیت دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۷۶-ب» آمده است، شماره‌های ۳۸ و ۷۱ را ملاحظه کنید. روی قطعه کاشی «۷۶-الف» قسمتی از تاریخ ساخت به صورت «فی سنة...» نوشته شده است. بعد از کلمه «سنة» کلمه‌ای ناخوانا، شبیه «مذكورة» دیده می‌شود. همچنین احتمال دارد که این کلمه تاریخ ساخت کاشی با حروف ابجد باشد، که در این صورت نموداریکی از سالهای ۶۷۰، ۶۷۱ یا ۶۷۴ هجری است. در ضمن، تاکنون روی هیچ کاشی



تصویر ۷۵



تصویر ۷۶

تاریخی با حروف ابجد مشاهده نشده است. عین این کلمه روی قطعه کاشی «۷۷-د» نیز آمده است و در مقدمه حین صحبت از تاریخ ساخت کاشیهای تخت سلیمان درباره آن بحث شده است.

(۱) این بیت به صورت اول، بدون ذکر نام سراینده آن، در تاریخ گیلان و دیلمستان (ص ۴۷۴) آمده است.

۷۷

الف) اگر بدکنی کیفرش خود

ب) بخواب اندرست بر [ایوانها نقش بجن هنوز بزندان افراسیاب

ج) [اندرست بر [ایوانها نقش بژن هنوز بزندان افراسیاب

د) نقش بجن هنوز بزندان افراسیاب اندرست

متن کامل اشعار^۱ چنین است:

اگر بدکنی کیفرش خودکشی

نه چشم زمانه به خواب اندرست

بر ایوانها نقش بیژن هنوز

به زندان افراسیاب اندرست.

این اشعار همچنین روی دو کاشی شش گوش موجود در مسجد علی^۲ قهرود و روی تنگ زرین فام موجود در فریر گالری واشنگتن^۳ آمده است. بیت اول روی بشقاب سفالی زرین فام موجود در موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران نیز آمده است. تنگ و بشقاب مذکور به اوایل قرن هفتم هجری تعلق دارند.

جهت اطلاع از متن کامل دوربای دیگری که قسمتی از آن روی دو قطعه کاشی «۷۷-الف» و «۷۷-د» آمده است، شماره‌های ۱۴ و ۲۵ را ملاحظه کنید.

قطعه کاشی «۷۷-الف» در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگاهداری می‌شود.

روی قطعه کاشی «۷۷-د» قسمتی از تاریخ ساخت به صورت «فی تاریخ...» آمده است. بعد از «فی تاریخ» کلمه‌ای ناخوانا دیده می‌شود که احتمال دارد تاریخ ساخت به حروف ابجد باشد و در این صورت نمودار ۶۷۰، ۶۷۱ یا ۶۷۴ هجری است. در ضمن، تا به حال، روی هیچ کاشی، تاریخی با حروف ابجد مشاهده نشده است. عین این کلمه روی قطعه کاشی «۷۶-الف» نیز آمده است.

(۱) این اشعار، بدون ذکر نام سراینده آن، در زینت المجالس (ص ۳۹۴)؛ فرهنگ آندراج (ج ۵، ص ۳۵۲۷)؛ تجارب السلف (ص ۲۴۷)، و فارسنامه ناصری (ج ۱، صص ۶۶ و ۲۷۲) آمده است.



تصویر ۷۷



تصویر ۷۸

مصرع اول این اشعار در زینت المجالس و فرهنگ آندراج به صورت «اگر بدکنی هم خود کیفر بری» آمده که وزن ندارد.
(۲) عکس این دو کاشی در

Watson, O., pls. IV-d and V-b.

چاپ شده است.

(۳) عکس این تنگ در

Atil, Esin, pl. 27.

چاپ شده است.

۷۸

ناگاه در چاه زنخدان تو می کرد نگاه یاقوت لبث گفت که هان ای گمراه
هوش دار که مستی و شب است و لب چاه
متن کامل رباعی^۱ چنین است:
بیچاره دلم در خم زلفت ناگاه
در چاه زنخدان تو می کرد نگاه
یاقوت لبث گفت که هان ای گمراه
هوش دار که مستی و شبست و لب چاه.
این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

روی این قطعه کاشی، قسمتی از تاریخ ساخت به صورت «فی شهر [ر]» دیده می شود.

(۱) این رباعی، بدون ذکر نام سراینده آن، در نسخه خطی شماره ۲۰۵۱ آمده و در آن، به جای «یاقوت لبث»، «زلف تو ورا» آمده است. همچنانکه ملاحظه می شود روی کاشی به جای «هشدار»، «هوش دار» نوشته شده است، «هشدار» به استناد نسخه خطی مذکور مورد استفاده قرار گرفت.

۷۹

(الف) دل جای غم تست

(ب) [چنین] تنگ که هست گل چاکر روی تست بهر رنگ که هست از آب دو دیده ام

(ج) هر شب جز سنگ د[لت] هر آسیا

(د) هر آسیا سنگ که هست

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

دل جای غم تست چنین تنگ که هست

گل چاکر روی تست به هر رنگ که هست

از آب دو دیده ام بگردد هر شب

جز سنگ دلت هر آسیا سنگ که هست.

قسمتی از این رباعی روی يك قطعه کاشی دیگر از تخت

سلیمان نیز آمده است.

این رباعی روی يك کاشی موجود در موزه هنرهای



الف

ب

تزیینی پاریس^۲ نیز آمده است.
قطعه کاشی «۶۸-ب» در موزه هنر اسلامی برلن غربی
نگاهداری می شود.

روی قطعه کاشی «۶۸-الف»، از تاریخ ساخت (۶۷۱ هجری) به علت کمی جا فقط «سنه احدى» نوشته شده است.
جهت اطلاع از متن کامل بيتی که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۶۸-د» آمده است، شماره ۳ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی، بدون ذکر نام سراینده آن، در *نزهة المجالس فی الاشعار* (ص ۴۱۴، رباعی ۲۴۹۹) آمده و در آن، به جای «دیده ام»، «چشم من» ضبط شده است.
(۲) عکس این کاشی را دکتر مهدی بهرامی در

Bahrami, M. (2), fig. 45.

به چاپ رسانیده است.

۸۰

جانا بجواب نامه دلشادم کن وز بند خود و خون خود آزادم کن دانم که
خود

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

جانا به جواب نامه دلشادم کن
وز بند خود و خون خود آزادم کن
دانم که بر تو از فراموشانم
باری به دو حرف مختصر یادم کن.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری ملاحظه نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل بیت دیگری که قسمتی از آن روی این قطعه کاشی آمده است، شماره ۴۰ را ملاحظه کنید.
روی این قطعه کاشی قسمتی از تاریخ ساخت، به علت نبودن جای کافی، به صورت ناقص «فی تاریخ ماه ذی قعدة» نوشته شده است.

(۱) این رباعی، بدون ذکر نام سراینده آن، در *نزهة المجالس فی الاشعار* (ص ۱۹۸، رباعی ۶۸۹) آمده و در آن، به جای «وز بند خود و خون» و «دانم که»، «وز بند غم و عشق» و «هرچند» آمده است.

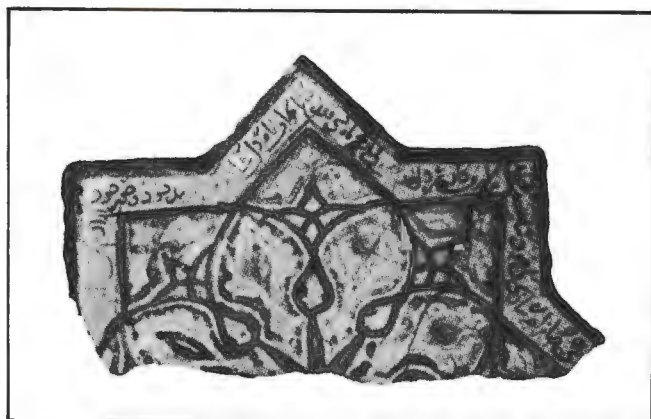
۸۱

الف) آن خال نگر برده ز هر دل گروی و آن... [آوا] ز همی دهد که صد
دل [ب-]جوی

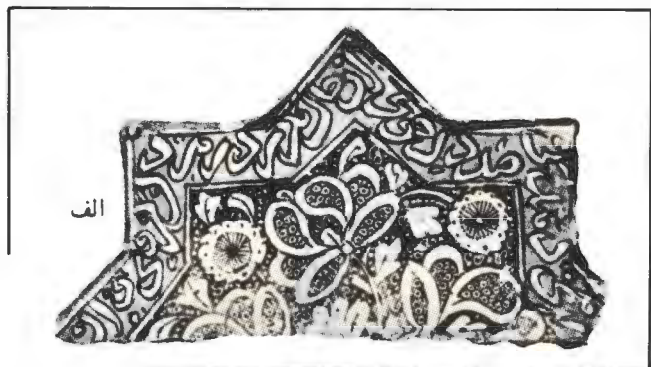
۸۶ ب) آن خال نگر برده ز هر دل گروی وان ط[سرفه]



تصویر ۷۹



تصویر ۸۰



الف

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

آن خال نگر برده ز هر دل گروی
وان طرفه نگر فتاده بر طرف گوی
چون زنگیلاک [کاسی بر لب چاه زنخش
آواز همی دهد که صد دل به جوی.

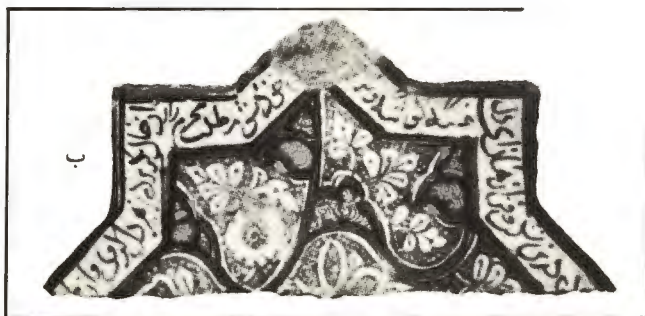
این رباعی همچنین روی يك كاسه سفالی زرین فام^۲ متعلق به اوایل قرن هفتم هجری آمده است. جهت اطلاع از متن رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۸۱-ب» آمده است، شماره ۱۰۵ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی، بدون ذکر نام سراینده آن، در مونس الاحرار فی دقائق الاشعار (ج ۲، ص ۱۲۰۲) آمده و در آن، مصرع سوم به صورت «چون هندو که بر لب آب حیوان» ضبط شده و در مصرع چهارم، به جای «آواز همی دهد»، «فریاد همی کند» آمده است. در ضمن، کاشیکار، روی قطعه کاشی «۸۱-ب»، «ب» را در «بجوی» از قلم انداخته است.

(۲) عکس این کاسه در

Sotheby (1), No. 253.

چاپ شده است.



تصویر ۸۱



تصویر ۸۲

۸۲

[درازست] بیابان بلا دیدم بهای عشق گامی هم

متن کامل رباعی چنین است:

در عالم عشق غم ز شادی کم نیست
شادان نبود آنکه به غم خرم نیست
هر چند درازست بیابان بلا
دیدم بهای عشق گامی هم نیست.

این رباعی همچنین روی دهها کاشی و ظرف دیگر موجود در موزه‌های مختلف آمده است.

۸۳

(الف) دی بر سر ره چو دل ستانم می رفت هوش از تن و

(ب) [می] رفت هوش از دل و طاقت از

(ج) و طاقت از توانم می رفت او می شد چشم ز پیش می نگری [ست]

(د) خود از جانم می رفت

متن رباعی چنین است:

دی بر سر ره چو دلستانم می رفت
هوش از تن^۱ و طاقت از توانم می رفت
او می شد و چشم ز پیش می نگریست
...^۲ خود که جانم می رفت.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده



نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۸۳-ج» آمده است، شماره ۴۲ را ملاحظه کنید.

(۱) روی قطعه کاشی «۸۳-ب» به جای «تن»، «دل» نوشته شده است.
(۲) شاید اول مصرع چهارم «دیدم به دو چشم» باشد که به علت شکستگی از بین رفته است.

(به قیاس این بیت از غزل سعدی:

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن

من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود)

۸۴

الف) مه از حسن رخت برخیزاد چشم تو مرا خمار زد کرد نخست پس زلف در آمد و قلم برخیزد
ب) [شاید] که مه از حسن رخت برخیزد چشم تو مرا خمار زد کرد نخست پس زلف در آمد و قلم برخیزد
متن کامل رباعی چنین است:

گر دل به هوای چون تویی برخیزد
شاید که مه از حسن رخت برخیزد
چشم تو مرا خمار زد کرد نخست
پس زلف در آمد و قلم برخیزد.

این رباعی همچنین روی کاشی شماره ۳۹/۳۸۱ موجود در مؤسسه هنر^۱ شیکاگو آمده است.
قطعه کاشی «۸۴-الف» در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می‌شود.

روی قطعه کاشی «۸۴-الف» قسمتی از تاریخ ساخت به صورت «فی شهر س[نة]» نوشته شده است.
جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۸۴-ب» آمده است، شماره ۷۲ را ملاحظه کنید.

(۱) عکس این کاشی در (Day, F. E., fig. 1.) چاپ شده است. «تویی» روی این کاشی به صورت «توای» نوشته شده است.

۸۵

الف) گریک شبکم با تو کنار افتد بوس بر دستگه فلک زخم پای فسوس
پس خون بناحق که بریزم

ب) بریزم آن شب از گردن شیشه و صراحی و خروس

تصویر ۸۳

تصویر ۸۴

متن کامل رباعی چنین است:

گر يك شيكم با تو كنار افتد [و] بوس
بر دستگه فلک زخم پای فسوس
بس خون بناحق که بریزم آن شب
از گردن شیشه و صراحی و خروس.^۱

قسمتهایی از این رباعی روی هفت قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی يك ظرف سفالی متعلق به اواخر قرن هفتم هجری، که در موزه هیتجنس^۲ دوسلدورف موجود است، آمده است.

روی قطعه کاشی «۸۵-الف» تاریخ ساخت به صورت «فی ماه شوال سنة سبعین و ستمائة» (۶۷۰) آمده است.

(۱) خروس، نوعی صراحی است که سر و دهانه آن به سر خروس شباهت دارد، نگاه کنید: مقاله «سفالینه‌های زرین قام و نقاشی شده زیر لعاب» نگارنده در مجله باستانشناسی و تاریخ، سال اول، شماره دوم، ص ۴۱، پانویشت شماره ۲۳؛ و نیز به ص ۲۵ مقدمه کتاب حاضر.

(۲) عکس این ظرف در

Hetjens Museum, pl. 225.

چاپ شده است.



تصویر ۸۵

۸۶

الف) من مهر تو در میان جان آوردم با او همه خرده در

ب) [آورد] دم سر تا مهر تو بر سر جهان

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

من مهر تو در میان جان آوردم
با او همه خرده در میان آوردم
آخر ز همه جهان بر آوردم سر
تا مهر تو بر سر جهان آوردم.

قسمتهایی از این رباعی روی بیست و يك قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی دهها کاشی و ظرف دیگر موجود در موزه‌های مختلف آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۸۶-الف» آمده است، شماره ۲ را ملاحظه کنید. روی این قطعه کاشی تاریخ ساخت به صورت «فی شهر سنة احدى و سبعین و ستمائة» (۶۷۱) آمده است.

روی قطعه کاشی «۸۶-ب» قسمتی از تاریخ ساخت (۶۷۱) به صورت «سنة [احدی]» نوشته شده و بقیه تاریخ به علت شکستگی از بین رفته است.



تصویر ۸۶



تصویر ۸۷



تصویر ۸۸

(۱) این رباعی را «ابوزید سیدشمس الدین حسنی»، سفالگر و کاشیکار معروف کاشان، سروده است، متن این رباعی روی يك كاسه مینایی که در سال ۵۸۳ هـ ساخته شده آمده است. روی این کاسه نام ابوزید نیامده فقط در پایان رباعی نوشته شده است: «قائله کاتبه فی محرم سنة ثلث وثمانین و خمسمائة». با مقایسه این ظرف مینایی با چند ظرف دیگر، که نقش همه آنها یکی است و به دست يك نفر ساخته شده و یکی از آن ظروف دارای نام ابوزید است، مسلم می شود که این رباعی و آن ظرف را ابوزید سروده و ساخته است، از محل نگهداری ظرف مینایی موصوف، در حال حاضر، اطلاعی در دست نیست.

۸۷

نگهدار بادا جهان آفرین بهر جا که باشد خداوند این

متن این بیت چنین است:

نگهدار بادا جهان آفرین

بهر جا که باشد خداوند این.

قسمتهایی از این بیت روی سی و هشت قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این بیت همچنین روی دهها کاشی و ظرف سفالی دیگر موجود در موزه های مختلف آمده است. بیت مذکور اول بار روی يك قطعه سفال متعلق به قرن سوم یا چهارم هجری دیده شده است. این قطعه سفال از حفاری شهر نیشابور^۱ به دست آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل دو بیت شعری که قسمتی از آن روی این قطعه کاشی آمده است، شماره ۷۷ را ملاحظه کنید. روی این قطعه کاشی قسمتی از تاریخ ساخت به صورت «فی تاریخ ماه» نیز نوشته شده است.

(۱) عکس این قطعه سفال در

Wilkinson, Ch., p. 358, fig. 161.

چاپ شده است.

۸۸

(الف) زلفت صنما دلم می گرد[د]

(ب) [چو] يك زن صبر کو که دزد غم تو شبه[است]

(ج) دزد غم تو شبه است که بر بام دلم می گردد

(ج) دلم می گردد وین چرخ[خ]

متن کامل رباعی چنین است:

زلفت صنما دلم می گردد

وین چرخ نه بر کام دلم می گردد

چوبك زن صبر كو كه دزد غم تو
شبهاست كه بر بام دلم مي گردد.

قسمتی از این رباعی روی چهار قطعه کاشی دیگر از
تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی چند کاشی دیگر موجود در
موزه‌های مختلف آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن
روی قطعه کاشی «۸۸-الف» آمده است، شماره ۱۷ را
ملاحظه کنید.

روی قطعه کاشی «۸۸-الف» تاریخ ساخت به صورت «فی
سنة سبعین و ستمائة هجرية» (۶۷۰) نوشته شده است.

۸۹

الف) زلفین تو دوش دل ربایی

ب) تو دوش دل ربایی می کرد با فتنه حدیث آشنایی می کرد زنگیست
ولی

ج) زنگیست ولی غارت لشکر که دل بر شیوه ترکان خطایی می کرد
متن کامل رباعی چنین است:

زلفین تو دوش دل ربایی می کرد

با فتنه حدیث آشنایی می کرد

زنگیست ولی غارت لشکر که دل

بر شیوه ترکان خطایی می کرد.

قسمتهایی از این رباعی روی هفت قطعه کاشی دیگر از
تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی چند کاشی دیگر موجود در
موزه‌های مختلف آمده است.

روی قطعه کاشی «۸۹-الف» قسمتی از تاریخ ساخت به
صورت «وستمائة هجرية» نوشته شده است. بقیه تاریخ، که
۷۰، ۷۱ یا ۷۴ باید باشد، به علت شکستگی از بین رفته است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی که قسمتی از آن روی
قطعه کاشی «۸۹-ج» آمده است، شماره ۲۵ را ملاحظه کنید.

۹۰

الف) ای رای تو صحرای

ب) [ای] رای تو صحرای امل بیمودن تا چند بر آفتاب گل

ج) اندودن [گ] [ر] [د] [ر] [د] هن شیر شوی بهر طمع آخر نه شکار گور

الف

ب

ج

تصویر ۸۹

الف

خواهی بودن

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

ای رای تو صحرای امل پیمودن
تا چند بر آفتاب گل اندودن
گر در دهن شیر شوی بهر طمع
آخر نه شکار گور خواهی بودن.

قسمتهایی از این رباعی روی هشت قطعه کاشی از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی کاشی شماره ۳۵۱۶ موجود در موزه ملی ایران و همچنین روی چند ظرف نقاشی شده در زیر لعاب آمده است.

روی قطعه کاشی «۹۰-ب» قسمتی از تاریخ ساخت (۶۷۱) به صورت «احدی و سبعین» آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۹۰-الف» نوشته شده است، شماره ۵۲ را ملاحظه کنید.

(۱) مصرع دوم این رباعی در يك رباعی دیگر در ص ۱۵۸ دیوان افضل الدین کاشانی به صورت زیر آمده است:

تا چند بر آفتاب گل اندودن
تا چند درین راه سفر پیمودن
تو راه نرفته‌ای از آن ننمودی
ور نه که زد این در که درش نگشودن.

مشخص است که بیت دوم این رباعی با کمی تحریف متعلق به رباعی روی قطعه کاشی ۲ است.

۹۱

(الف) [فارغ ز من و شاد بغم خوردن من گفتمی نکنم با

ب] (نی-نکردن تو در گردن من

متن کامل رباعی چنین است:

ای رای تو سال و ماه آزدن من
فارغ ز من و شاد بغم خوردن من
گفتمی نکنم با تو دگر بدعهدی
این نیز نکردن تو در گردن من.

قسمتهایی از این رباعی روی دو قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی همچنین روی دهها کاشی و ظرف دیگر موجود در موزه‌های مختلف آمده است.

جهت اطلاع از متن کامل بیتی که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۹۱-ب» آمده است، شماره‌های ۳ و ۷۶ را ملاحظه

۹۲ کنید. يك قسمت از بیت شعری که روی قطعه کاشی



الف



ب

تصویر ۹۰



الف



ب

تصویر ۹۱

«۹۱-ب» آمده است، مطابق با شروع بیت شعر در شماره‌های ۳ و ۷۶ است.

۹۲

الف) جز یاد تو در جهان هوس می‌نکنم وز دیدن تو نگه بکس می‌نکنم
ب) می‌نکنم عهدیست مرا بارخ و با خال [و] خط می‌یادم و می‌مانم
از نوشته‌های خوانای روی این قطعه کاشیها رباعی زیر به دست می‌آید:

جز یاد تو در جهان هوس می‌نکنم
وز دیدن تو نگه به کس می‌نکنم
عهدیست مرا بارخ و با خال و خط
می‌بازم و می‌مانم [و بس می‌نکنم].

قسمتهایی از این رباعی نیز روی دو قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان آمده است.
این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

قطعه کاشی «۹۲-الف» در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگاهداری می‌شود.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۹۲-الف» آمده است شماره ۶۳ را ملاحظه کنید.

قطعه کاشی «۹۲-ب» به شماره ۲۰۹۴۶ در موزه ملی ایران نگاهداری می‌شود.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۹۲-ب» آمده است، شماره ۴۲ را ملاحظه کنید.



تصویر ۹۲

۹۳

تا بر دل از فراق تو بیداد می‌رود دل را به چرخ ناله و فریاد می‌رود جایی
رسید سنگ دلت را کزان بر چرخ.... دامن یاد می‌رود
نوشته‌های خوانای روی این قطعه کاشیها به این صورت منظوم درمی‌آید:

تا بر دل از فراق تو بیداد می‌رود
دل را به چرخ ناله و فریاد می‌رود
جایی رسید سنگ دلت را جفا کزان
بر چرخ..... [فرهاد می‌رود]

.....
منت یاد می‌رود.



تصویر ۹۳

این اشعار تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

۹۴

زمانه برداشت برخیزم و چاره ساز گردم وز می شراب... گردم یاقوت [و]
گهر بهم نشانم خورشید [و] قمر بهم رسانم می بود. بدین حدیث کز راه
شیر آمد و صید یافت ناگاه
نوشته‌های روی این قطعه کاشیها را به صورت زیر
می‌توان مرتب ساخت:

.....زمانه برداشت.

برخیزم و چاره ساز گردم
وز می شراب... گردم
یاقوت و گهر به هم نشانم
خورشید و قمر به هم رسانم
می بود بدین حدیث کز راه
شیر آمد و صید یافت ناگاه.

این اشعار تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

این کاشی در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگهداری می‌شود.



تصویر ۹۴

۹۵

الف) دیدار تو آسایش جانم باشد [د]
ب) [آس]ایش جانم باشد نام تو خوش آمد ز [بانم باشد]
ج) ... شکر دهانم باشد دلدار
نوشته‌های خوانای روی این قطعات را به صورت زیر
می‌توان مرتب ساخت:

دیدار تو آسایش جانم باشد
نام تو خوش آمد ز بانم باشد
... تو شکر دهانم باشد
دلدار... [باشد].

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل بیت‌ی که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۹۵-الف» آمده است شماره ۸۷ را ملاحظه کنید.



الف) ای لعل لبث شکر بتنگ آورده وی زلف خوش تو ختن بزنگ آورده گویی.

ب) گویی نکنم پرده وصلت..... سی بهچنگ آورده.

ج) سی بهچنگ آورده.

نوشته‌های خوانای روی این قطعه کاشیها را به صورت زیر می توان مرتب ساخت:

ای لعل لبث شکر به تنگ آورده

وی زلف خوش ختن به زنگ آورده

گویی نکنم پرده وصلت.....

.....سی بهچنگ آورده.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۹۶-ج» آمده است شماره ۱۴ را ملاحظه کنند.

قرار بودم همه شب

متن کامل رباعی چنین است:

من دوش در انتظار بودم همه شب

در بند وصال یار بودم همه شب

او با دگری قرار [و آرامی داشت] ۱

من بی دل و بی قرار بودم همه شب.

قسمتهایی از این رباعی روی يك کاشی صلیبی شکل وصال شده موجود در مجموعه مرحوم دکتر محسن مقدم آمده است و متن آن را نگارنده به چاپ رسانیده است.^۲ این رباعی همچنین روی کاسه زرین فام متعلق به اوایل قرن هفتم هجری آمده است، این کاسه در موزه صنایع دستی فرانکفورت^۳ آلمان غربی موجود است.

۱) روی کاسه موزه صنایع دستی فرانکفورت به جای «قرار و آرامی داشت»، «قرار می دادش» آمده است.

۲) مجله باستانشناسی و تاریخ، سال اول، پائیز و زمستان ۱۳۶۵، ش ۱، ص ۸۵.

۳) عکس این کاسه در

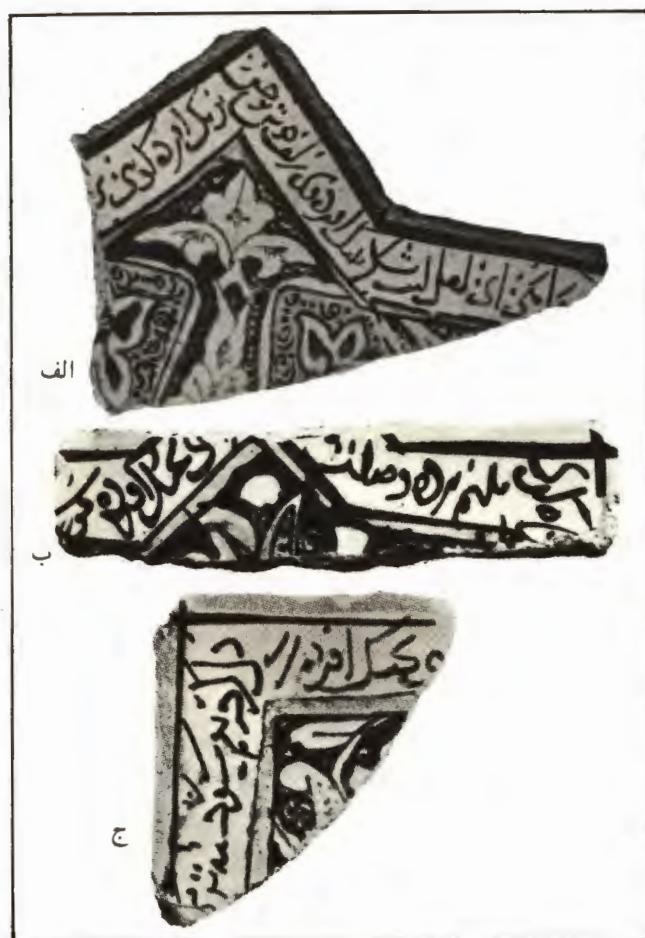
Museum für Kunsthandwerk, Frankfurt am Main, Abb 83

چاپ شده است.

آه از دل تنگ من برون می آید چون ناله که از چنگ



تصویر ۹۵



تصویر ۹۶



تصویر ۹۷

نوشته‌های روی این قطعه کاشی بخشی از رباعی است،
به این صورت:

آه از دل تنگ من برون می‌آید
چون ناله که از چنگ.....

.....
.....

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده
نشده است.

روی این قطعه کاشی قسمتی از تاریخ ساخت به صورت
«[سبع-]سین و ستمائة» دیده می‌شود. و معلوم نیست عدد
کامل آن ۶۷۰، ۶۷۱ یا ۶۷۴ است.

۹۹

(الف) شکر تو بیک زبان نمی‌یارم... تو بصد سخن نمی‌یارم [خواست]
(ب) [نمی‌یا] رم گفت علم تو بصد سخن نمی‌یارم
(ج) [سخن-] نمی‌یارم خواست
نوشته‌های روی این قطعه کاشیها بخشهایی از رباعی
است به این صورت:

.... نمی‌یارم خواست

.... نمی‌یارم خواست

شکر تو به یک زبان نمی‌یارم گفت

عذر تو به صد سخن نمی‌یارم خواست.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده
نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل بیتی که قسمتی از آن روی قطعه
کاشی «۹۹-ج» آمده است شماره ۸۷ را ملاحظه کنید.

۱۰۰

بهبودی هرگز ز تو جز زیان نیاید سودی معلوم شد که پای تو اسب
شکست‌ای کاشک بجای پای گردن]

نوشته‌های این قطعه کاشی بخشی از رباعی است به این
صورت:

..... بهبودی

هرگز ز تو جز زیان نیاید سودی

معلوم شد که پای تو اسب شکست

ای کاش به جای پای گردن [بودی]

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده ۹۶



تصویر ۹۸



تصویر ۹۹

نشده است.

این قطعه کاشی در موزه هنر اسلامی برلن غربی نگاهداری می شود.

۱۰۱

بر یاد تو هر صبحدمی برخیزم وز بوی تو در باد صبا آویزم گریان همه
متن کامل رباعی چنین است:

بر یاد تو هر صبحدمی برخیزم
وز بوی تو در باد صبا آویزم
گریان همه خاک ره به خون آمیزم
وز حسرت دیدار تو بر سر ریزم.

این رباعی همچنین روی يك کاشی موجود در موزه هنر شرقی مسکو آمده است. عکس این کاشی را نگارنده به چاپ رسانیده است.^۱

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی این قطعه کاشی آمده است، شماره ۱۵ را ملاحظه کنید.

(۱) عکس این کاشی در مقدمه ای بر هنر کاشیگری ایران، ص ۵۳ چاپ شده است.
این کاشی در

Maslenitsyna, S., pl. 25.

نیز چاپ شده است.

۱۰۲

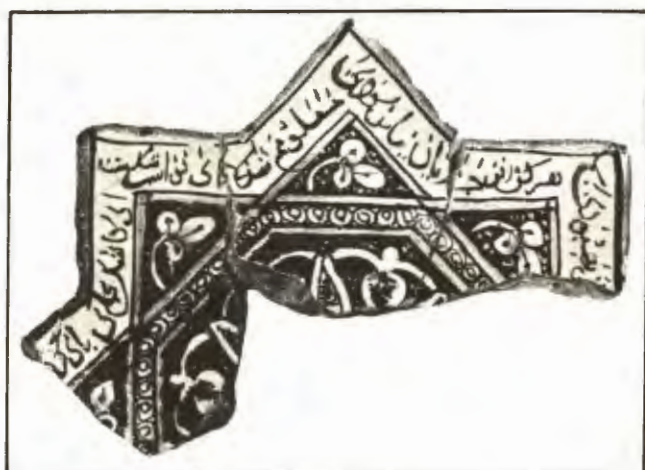
(الف) تو بسیار بجان گردیدست... [شد ز غم تو
(ب) در سنگ [دلی] بتا او در بی آبی مثل تو ب خاک پای
(ج) او در بی آبی مثل تو ب خاک پای تو گردیدست
متن کامل رباعی چنین است:

چاکر ز تو بسیار به جان گردیده ست
خون شد زغم تو گر دل و گردیده ست
در سنگدلی بتا و در بی آبی
مثل تو به خاک پای تو گردیده ست.

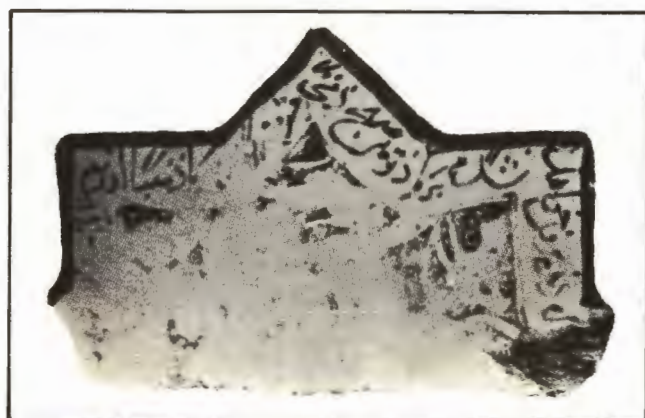
قسمتهایی از این رباعی نیز روی دو قطعه کاشی دیگر از تخت سلیمان آمده است.

این رباعی همچنین روی دهها کاشی و ظرف دیگر موجود در موزه های مختلف آمده است.

(۱) حرف «و» در این رباعی تا به حال روی ظروف و کاشیهای مختلف، از جمله روی قطعات کاشی «۱۰۲/ب-ج»، به صورت «او» آمده است.



تصویر ۱۰۰



تصویر ۱۰۱





تصویر ۱۰۲

الف) چون در تو اثر نمی کند
 ب) [سخن] بگذاشتم هر آنچ
 ج) احسنت و زهی شایسته بی سرو بن.
 متن کامل رباعی چنین است:
 چون در تو اثر نمی کند هیچ سخن
 بگذاشتم هر آنچه خواهی می کن
 نه یار نوی تو نه یار کهن
 احسنت و زهی شیفته بی سرو بن.
 قسمتی از این رباعی نیز روی يك قطعه کاشی دیگر از
 تخت سلیمان آمده است.
 این رباعی همچنین روی يك ظرف زرین فام موجود در



تصویر ۱۰۳

گالری منصور^۱ لندن آمده است.

Mansour Gallery, p. 29.

(۱) عکس این ظرف در

چاپ شده است.



الف) کی تو ز هجر چشم من
 ب) تریابی نامد گه آنکه کارم اندریابی گر زانک
 ج) بخواهی بخود
 متن کامل رباعی چنین است:
 تا کی تو ز هجر چشم من تریابی
 نامد گه آنکه کارم اندریابی
 گر زانک تو... بخواهی بخود
 بیچاره تر گیر من بخدا گریابی.

این رباعی همچنین روی کاشی شماره «۱۸-۱۶۵-۴۱»
 موجود در موزه متروپولیتن آمده است. قسمتی از این رباعی

نیز روی کاشی موجود در موزه لوور^۱ آمده است.

(۱) عکس این کاشی را مرحوم دکتر مهدی بهرامی در

Bahrami, M.(2), fig. 49

به چاپ رسانیده است.

۱۰۵



تصویر ۱۰۴



تصویر ۱۰۵

که درین شیب و فراز هان ای دل خسته گوشه... خود شوم طلب محرم راز
نوشته‌های این قطعه کاشی بخشی از رباعی است به این صورت:

.....
... که درین شیب و فراز

هان ای دل خسته گوشه...

... خود شوم طلب محرم راز.

قسمتی از این رباعی روی يك قطعه کاشی دیگر از تخت
سلیمان آمده است.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده
نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن
روی این قطعه کاشی آمده است، شماره ۸۱ را ملاحظه کنید.

۱۰۶



تصویر ۱۰۶

ز خودم مهر گسل باید شد و ندر همه عالم خجل باید شد با یار بکام
خویش دستی بزخم گر نیم شبم بکار گل باید شد
متن این رباعی چنین است:

گر خود ز خودم مهر گسل باید شد

و ندر همه عالم خجل باید شد

با یار به کام خویش دستی بزخم

گر نیم شبم به کار گل باید شد.

قسمتی از این رباعی روی چهار قطعه کاشی دیگر از
تخت سلیمان نیز آمده است.

این رباعی بر روی يك بشقاب زرین فام متعلق به اوایل
قرن هفتم هجری، که در مرکز میراث فرهنگی تهران
نگهداری می‌شود، نیز آمده است. مصرع اول روی این
بشقاب به صورت «گر خود ز خود مهر گسل باید شد» است.

۱۰۷

قدحی باده که معلوم

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

تا کی غم آن خورم که دارم یا نه
این^۲ عمر به خوشدلی گذارم یا نه
پر کن قدحی باده که معلوم نیست
کین^۳ دم که فرو برم بر آرم یا نه.

این رباعی همچنین روی کاشی زرین فام ساخته شده در سال ۶۶۵ هجری، که در موزه سیاتل^۴ آمریکا نگهداری می شود، آمده است.

(۱) این رباعی از خیام است و در طربخانه رباعیات حکیم خیام (ص ۲۵۶) آمده است.

(۲) و (۳) در طربخانه به جای «این»، «وین» و به جای «کین»، صورت املایی «کاین» آمده است.

(۴) عکس این کاشی در

Arte Iranica, Tav. LVII.

چاپ شده است.



تصویر ۱۰۷



تصویر ۱۰۸

۱۰۸

امشب بر من زمانه شاد [ساد]

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

امشب بر من زمانه شاد آوردت
جوزا وش و مشتری نژاد آوردت
امید نبد مرا که آبی به برم
ای آتش رخ کدام باد آوردت.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل بیت دیگری که قسمتی از آن روی این قطعه کاشی آمده است، شماره ۱۶ را ملاحظه کنید.

(۱) این رباعی از مجیر الدین بیلقانی است و در دیوان مجیر الدین بیلقانی (ص ۳۸۹) آمده است.

در این مرجع به جای «آوردت»، «آوردست» و به جای «جوزا»، «حورا» ضبط شده است. این رباعی بدون ذکر نام سراینده در نزهة المجالس فی الاشعار (ص ۴۹۳، رباعی ۳۱۳۹) نیز آمده است.

در این مرجع، به جای «بر من»، «نژاد» و «رخ»، بترتیب، «برم»، «نهاد» و «دل» آمده است. مصرع سوم نیز به این صورت است: «او امید نداشتم که آبی بر من».

۱۰۹

الف) از در دهننت وی نفزتر از بلور و سیم [سیم]

ب) دهننت وی نفزتر از بلور و سیم تنت از

ج) پیرهننت

۱۰۰ نوشته های این قطعه کاشی بخشی از رباعی است به این صورت:



[ای] از دردهنت
وی نفزتر از بلور وز سیم تنت
از... ..
..... پیرهنت.

این رباعی تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده نشده است.

جهت اطلاع از متن کامل رباعی دیگری که قسمتی از آن روی قطعه کاشی «۱۰۹-ج» آمده است، شماره ۵۶ را ملاحظه کنید.



ج

تصویر ۱۰۹

۱۱۰

(الف) [نال]ش من همه شب خونین جگرند برستمش همه
(ب) ... بی تابی بر من همه شب [ب]

نوشته‌های این قطعه کاشی بخشی از رباعی است به این صورت:
... ن به جان و نالش من همه شب
خونین جگرم از ستمش من همه شب
حالیست مرا که... هنگام...
... بی تابی برش من همه شب.

این رباعی روی کاشی شماره I 22/68 موجود در موزه هنر اسلامی برلن غربی نیز آمده است. این کاشی در سال ۶۸۱ هـ ساخته شده است و متأسفانه قسمتهایی از رباعی روی آن محو شده و مشخص نیست.



الف

ب

تصویر ۱۱۰

۱۱۱

(الف) لعل لب تو که آفرین

(ب) برو دیدار مرا شبی کمین باد برو از حلقه پرستاره [ه]

متن کامل رباعی چنین است:

لعل لب تو که آفرین باد بر او
دیدار مرا شبی کمین باد بر او
از حلقه پرستاره یعنی که دهن
... یکی بوسه نگین باد بر او

این رباعی روی یک کاشی، که در موزه هانووور^۱ آلمان غربی نگهداری می‌شود، نیز آمده است.

جهت اطلاع از قسمتی از رباعی یا بیتی که روی قطعه کاشی «۱۱۱-الف» آمده است، شماره «۱۱۹-و» را ملاحظه کنید.

(۱) عکس این کاشی در

Die Mongolen und Ihr Weltreich, Abb. 46.

چاپ شده است.



الف



تصویر ۱۱۱



تصویر ۱۱۲



تصویر ۱۱۳

الف) گفتم گردم گرد لبث باری چند]

ب) بنهم لب شیرین ترا خاری چند لیک از خط و زلف

متن کامل این رباعی چنین است:

گفتم گردم گرد لبث باری چند

بنهم لب شیرین ترا خاری چند

لیک از خط و زلف و چشم [تو] ترسیدم^۱

کاندر مانم به دست طراری چند

این رباعی روی کاسه زرین فام شماره 19284.21.1 موجود

در موزه بریتانیا، که در سال ۶۰۶ هـ ساخته شده، نیز آمده

است.^۲

(۱) مصرع سوم روی کاسه موزه بریتانیا به صورت «لیکن ز دو چشم و زلف ترسیدم» آمده است.

(۲) عکس این کاسه در

Hobson, R. L., fig. 45-A.

چاپ شده است.

خری چون بیاوردند دنبه گفتمش هیچ نرزد هرچه تو نادان خری بگفت من

زین به ندانم گفتمش من چه دانستم که تو

نوشته‌های این قطعه کاشی بخشی از یک قطعه شعر است

به این صورت:

..... خری

چون بیاوردند دنبه گفتمش

هیچ نرزد هرچه تو نادان خری

گفت من زین به ندانم گفتمش

من چه دانستم که تو [انبان خری].

این اشعار تاکنون روی کاشی یا ظرف دیگری مشاهده

نشده است.

این قطعه کاشی با شماره ۲۰۹۵۲ در موزه ملی ایران

موجود است.

بخمال زلف [تو] خوش] بودم

متن کامل رباعی^۱ چنین است:

دوش از غم تو سخت مشوش بودم

تا روز دست شب بر آتش بودم



تصویر ۱۱۴

لیک ارچه سیاه بود و دلگیر و دراز
با او به خیال زلف تو خوش بودم.

این رباعی روی يك قطعه کاشی^۲ که در موزه اسلامی برلن نگهداری می شود نیز آمده است.
قسمتی از تاریخ ساخت کاشی به صورت «فی شهو[ر]» روی این قطعه کاشی باقی مانده است.
این قطعه کاشی در موزه ملی ایران بدون شماره ثبت موجود است.

(۱) این رباعی از کمال الدین اسماعیل اصفهانی است و در دیوان خلاق المعانی کمال الدین اسماعیل اصفهانی، (ص ۸۳۶، ش ۱۹۷)، آمده است.
در این مرجع به جای «سخت»، «نیک» ضبط شده است.
(۲) عکس این کاشی را دکتر مهدی بهرامی در

Bahrami, M. (3), pl. LXII, B.

به چاپ رسانیده است.

۱۱۵

الف) چون باز بخون

ب) چون باز بخون... (روی این قطعه کاشی قسمتی از بیتی که در تصویر ۸۷ آمده نوشته شده است.)

ج) [خود] شب] قدرست در آن شب مستم

د) گر خود شب قدرست در آن شب مستم

هـ) جام ارغوان ز...

و) وان جام چو ارغوان ز



تصویر ۱۱۵

الف) ... از نادیدن... عیبی نبود]

ب) ... از نادیدن... عیبی نبود]

ج) ... تهنیتی برخوانند مطربان هرگز...

د) ... گر خوانند آنها

هـ) لعل چو شیر آمدم آن کاسه لاجورد سرد مکن

و) ... کش و نامد آن چو ش...



تصویر ۱۱۶

الف) ... نان بخاک... آرند پیش دل... (روی این قطعه کاشی، تاریخ

ساخت آن به صورت «فی شهر سنة احدى وسبعين و سـ[تمائة]» نوشته شده

است)

ب) زبید سخن گوزن؟ از آتش دلدا...

ج) کردی شوریده و

د) ... ستم نیاید حسن...

هـ) ز نگاری گمان کرد دلم... ز خورشید

و) [خوارشید نگاشته سخنی خوش (این عبارت متعلق به شعر قبلی

است.)



تصویر ۱۱۷

الف) بس.....

ب) ... آب... وی مرد....

ج) کر از... بی...

د) منه مرا هست این... آنرا که...

هـ) ... دستان...

و) تشنه تا...



تصویر ۱۱۸

الف) تر باران گرفت چپ و راست

ب) (ب)

ج) ... جنگ هست در...

د) بودی بد... تو درخت که...

هـ) چو آتش....

و) ز غصه که دلدار آمده نیست که



تصویر ۱۱۹

الف) چشم بد... (روی این قطعه کاشی، قسمتی از بیتی که در تصویر ۳۴ آمده به اضافه تاریخ ساخت به صورت «فی تاریخ سنة» نوشته شده است.)

ب) تو خستوشو آنرا که هست..... (کلمه «خستو» در چند بیت فردوسی آمده است ولی هیچ کدام منطبق با این کلمه نیست این کلمه روی کاشی حاوی اشعار فردوسی نیز آمده است ولی به علت فقدان جای کافی فقط «تو خستوش» نوشته شده است.)

ج) که دیر آمدنم (روی این قطعه کاشی قسمتی از رباعی آمده در تصویر ۷۳ نوشته شده است.)

د) بنده که هست بی تو بد هیچ اخلاص تو دارد و دگر.

هـ) باد تو خون جان قرین... خون.

و) حکم.



تصویر ۱۲۰

الف) ... کاندم بدست من می صافی خوش گوارا

ب) ... بتو دارد...

ج) آنها که ز خر مـ[ن]

د) دست جانت گرامی که

هـ) ... یا چهره ببوس...

و) ... بچست



تصویر ۱۲۱

الف) فرو کوبد کوس و از شب که برد هج...
 ب). ... شهود...
 ج) ... یش ... جوان بینم (روی این قطعه کاشی قسمتی از بیت شعری که در تصویر ۸۷ آمده، نوشته شده است)
 د) بر دیار یارش تا یک زمان دادی
 هـ) ... دمامم بی داد مستی...
 و) خواهد شد وان زندگی در...



تصویر ۱۲۲

الف)
 ب) جهتی دو کار...
 ج) ... نی چون گریه رسید باده
 د) ... نی چون گریه ر...
 هـ) بی هرگز
 و) ... که بر دستم



تصویر ۱۲۳

الف) ... شکسته از که...

ب) غرفه خو...

ج) سمی سر نیاید

د) روشن شده بین ز عکس و (روی این قطعه کاشی قسمتی از بیت شعری

که در تصویر ۸۷ آمده، نوشته شده است.)

هـ)

و) هر ناله که از... (روی این قطعه کاشی انتهای رباعی آمده در تصویر

۱۰۵ نوشته شده است.)



تصویر ۱۲۴

الف) سده من غم

ب) را خورد چو پنهان شد

ج) ... پرسید چرا ز گلی نیا[ید]

د) دچو وصف...

هـ) ... نمی گشاید...

و) ... و نکومی داری



تصویر ۱۲۵

الف) ... دو صد معجز انصاف ز برداری

ب)

ج) ای هرج

د) شش گرفت و هم... ای دوست

هـ) ... با تو هستم... ایزدست

و) من بدان غم (روی این قطعه کاشی انتهای آن رباعی که در تصویر ۲۰

آمده نوشته شده است.)



تصویر ۱۲۶

الف) [ز]بانش سر برده

ب) دید ستم دیدی

ج) خواه تو گر چون رسته چون طوق کهن

د) ... گلهوش ببین با صو

هـ) چرخ باد نظمت... بجایی تو

و) بنهند یکی تو...



تصویر ۱۲۷

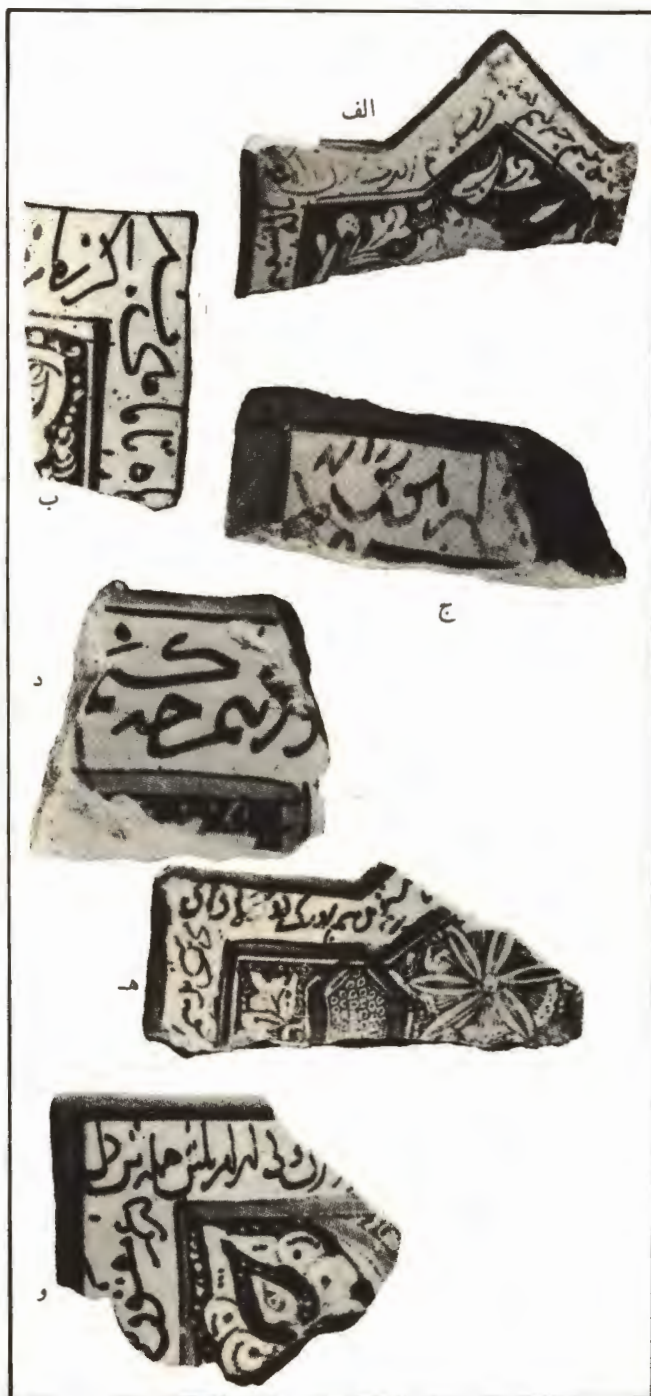
الف) نه بینم چکنم... نه بینم روزی دل با که نهیم با که نشینم [چه کنم]
ب) اگر زمانه (روی این قطعه کاشی قسمتی از آن رباعی که در تصویر ۲۵ آمده نوشته شده است.)

ج) ... از هوس

د) ... دینم چه کنم (به نظر می آید که این متن با متن ۱۲۸- الف مربوط باشد.)

هـ) مستی بدهم روزی... داده می پرستی ندهم

و) ولی آرام باش جمله تن و دل درغم معشوق



تصویر ۱۲۸

الف) با روی چنان زلفی ندارد عنـ[بری]

ب) با روی چنان زلفی ندارد عنبری

ج) گیری بالای سرو

د) برترم

هـ) دل آن به که در صماع (کذا) بنالم اگر بهای در...

و) شب نمی رسد باز خیال لطف تو بر دل من



تصویر ۱۲۹

الف) جانابرو

ب) نور بنده فسوس

ج) ترکش چنین یا... کن صورت گری

د) یادآوری صورت گری... چنین تو صو

هـ) ختگان جانان فی الجملة خویش...

و) نه مرده نه زنده در زمانه چون شمع...



الف



ب



ج



د



هـ



و

الف) ق می آید ازو

ب) عشق بود او داند

ج) ... کن دامن که بری تواند...

د) وقوف نه زمان

هـ) ترا نگه دارانند زنگی بهچگان بگرد



الف



ب



ج

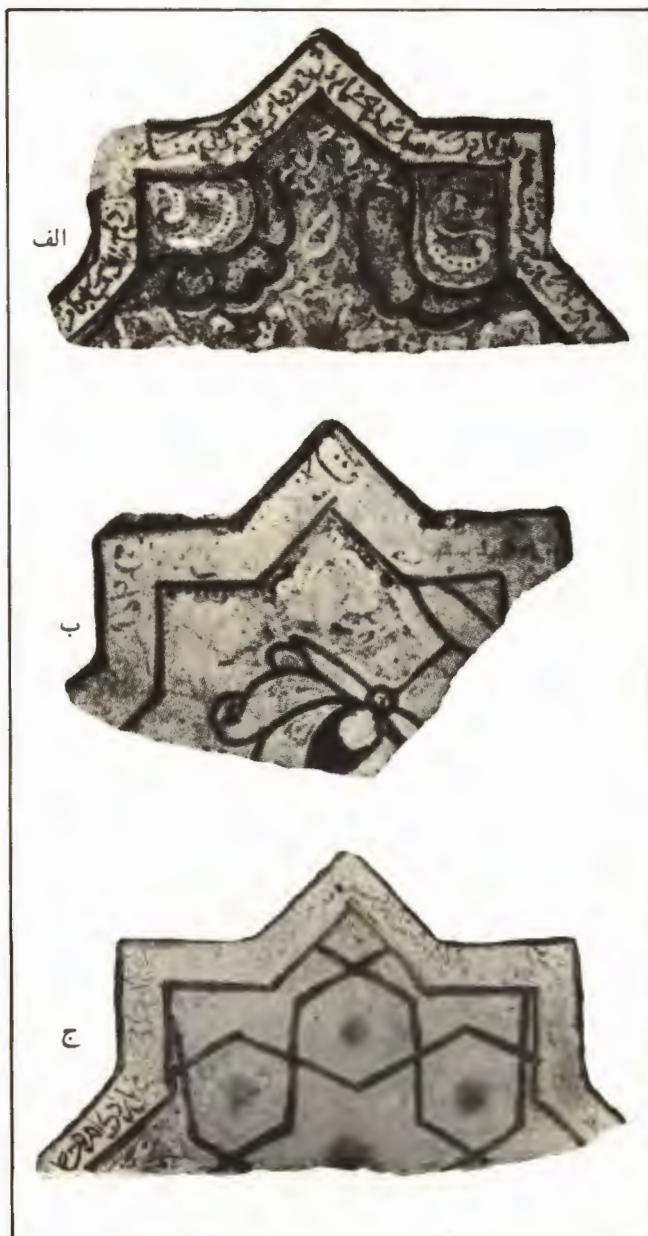


د



هـ

الف) با یارمستی قدح در دهبست خدمه رانی کردن هنگ ش نی بهچشمانم
 وش می بود می... لحن بی منگ... دلم... باد... بکام
 ب) ... ق کند... گل کند...
 ج) ... کرد باری دست... برفت... پراکنده از صد... بر من بازوی آورد خطا



تصویر ۱۳۲

کتابنامه

الف) فارسی

- احوال و آثار عین القضاة همدانی. به کوشش دکتر رحیم فرمنش، تهران، مولى، ۱۳۶۰.
- الاعجاز و الایجاز. تألیف ابومنصور الثعالبی، ج ۲، بیروت، دارالرائد العربی، ۱۹۸۳ م.
- الخزائن. تألیف احمد مهدی نراقی، به سعی محمدنصیر خوانساری، تهران، ۱۳۰۸ هـ.ق.
- المحاسن و المساوی. تألیف ابراهیم بن محمد البیهقی، بیروت، دارصادر، ۱۹۷۰ م.
- المستطرف فی کل فن مستظرف. تألیف شهاب الدین محمد الابشیهی، تصحیح دکتر مفید محمد قمیحه، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۶ م.
- امثال و حکم. تألیف علی اکبر دهخدا، ج ۴، چ ۵، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- تاریخ گیلان و دیلمستان. تألیف میر ظهیرالدین مرعشی، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.
- تجارب السلف. تألیف هندوشاه بن سنجر بن عبدالله نجوانی، به کوشش عباس اقبال، ج ۳، تهران، طهوری، ۱۳۵۷.
- تحف العقول عن آل الرسول. تألیف ابومحمدالحسن الحرانی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۴۰۰ هـ.ق.
- تذکره الشعراء. تألیف امیر دولتشاه بن علاءالدوله بختیشاه الغازی السمرقندی، به همت محمد رمضان، تهران، کلاله، خاور، ۱۳۳۸.
- تذکره روز روشن. تألیف مولوی محمد مظفر حسین صبا، تصحیح محمدحسن رکنزاده آدمیت، تهران، کتابخانه رازی، ۱۳۴۳.
- تلخیص مجمع الآداب فی معجم اللقب. تألیف کمالالدین عبدالرزاق معروف به ابن الفوطی، تحقیق دکتر مصطفی جواد دمشق، وزارة الثقافة والارشاد القومي.
- دیوان ازرقی هروی. به کوشش سعید نفیسی، مشهد، زوار، ۱۳۳۶.
- دیوان افضل الدین کاشانی. به کوشش مصطفی فیضی و...، تهران، زوار، ۱۳۶۳.
- دیوان الامام علی. جمع و ترتیب عبدالعزیز الکریم، بیروت، المكتبة الشعبية.
- دیوان الخرمی. به کوشش عفیف علی جواد طاهر و محمد جبار المعید، دارالکتاب الجدید، بیروت، ۱۹۷۱.
- دیوان امیر معزی. به کوشش ناصر هیروی، تهران، نشر مرزبان، ۱۳۶۲.

- دیوان انوری. به کوشش سعید نفیسی، چ ۲، تهران، پیروز، ۱۳۳۷.
- دیوان انوری. به کوشش محمدتقی رضوی، ج ۲، چ ۳، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی. به کوشش حسن وحید دستگردی، چ ۲، تهران، سنائی، ۱۳۶۲.
- دیوان حافظ. به کوشش سیدمحمدرضا جلالی نائینی و دکتر نذیر احمد، چ ۵، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- دیوان خاقانی. به کوشش علی عبدالرسولی، تهران، خیام، ۱۳۵۷.
- دیوان خلاق المعانی کمال الدین اسمعیل اصفهانی. به کوشش حسین بحر العلوم، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۸.
- دیوان رباعیات اوحالدالدین کرمانی. به کوشش احمد ابومحیوب، تهران، سروش، ۱۳۶۶.
- دیوان رضی الدین نیشابوری. نسخه خطی متعلق به کتابخانه آقای فخرالدین نصیری، (از این نسخه خطی يك نسخه عکسی با شماره ۲۹۱۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است).
- دیوان رکن الدین دعویدار قمی. به کوشش علی محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- دیوان سراج الدین قمی. به کوشش دکتر یدالله شکری، تهران، معین، ۱۳۶۸.
- دیوان سنائی. به کوشش مدرس رضوی، تهران، سنائی.
- دیوان شمس الدین طبسی. به کوشش تقی بینش، مشهد، زوار، ۱۳۴۳.
- دیوان طالب جاجرمی. نسخه خطی شماره ۴۲۲۶، متعلق به موزه ملی ایران.
- دیوان ظهیرالدین فاریابی. به کوشش احمد شیرازی، چ ۲، تهران، فروغی، ۱۳۶۱.
- دیوان عبدالواسع جبلنی. به کوشش ذبیح الله صفا، چ ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- دیوان علاءالدوله سمنانی. به کوشش عبدالرفیع حقیقت، تهران، بهجت، ۱۳۶۴.
- دیوان کامل نظامی گنجوی. به کوشش دکتر معین فر، چ ۲، تهران، زرین، ۱۳۶۲.
- دیوان مجیرالدین بیلقانی. به کوشش دکتر محمدآبادی، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۵۸.
- دیوان منوچهری دامغانی. به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، چ ۴، تهران، زوار، ۱۳۵۶.

دیوان مهستی. به کوشش طاهری شهاب، ج ۳، ابن سینا، ۱۳۴۷.
رباعیات افضل الدین کاشانی. به کوشش سعید نفیسی، ج ۲، تهران، فارابی، ۱۳۶۳.
رباعیات خواجه عبدالله انصاری. به کوشش محمود مدبری، تهران، زوار، ۱۳۶۱.
زینت المجالس. تألیف مجدالدین محمدالحسینی، تهران، سنائی، ۱۳۴۲.
سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر. به کوشش سعید نفیسی، ج ۳، تهران، سنائی.
شاهنامه فردوسی. به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، ج ۶، تهران، علمی، ۱۳۵۳.
طربخانه رباعیات حکیم خیام. به کوشش جلال الدین همائی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۲.
فارسنامه ناصری. ج ۲، تألیف حاج میرزا حسن حسینی فسانی، تصحیح دکتر منصور رستگار فسائی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
فرهنگ آندراج. تألیف محمد پادشاه، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، ج ۷، تهران، خیام، ۱۳۳۵.
کلیات شمس تبریزی. به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، ج ۸، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱.
کلیات عراقی. به کوشش سعید نفیسی، ج ۴، تهران، سنائی.
گنج بازیافته. بخش نخست به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، اشراقی، ۱۳۵۵.
گنجینه آثار قم. تألیف عباس فیض، قم، ۱۳۴۹.
لباب الالباب. تألیف محمد عوفی، به کوشش محمد قزوینی، ج ۲، لیدن، ۱۹۰۶.
لغت نامه دهخدا. تألیف علی اکبر دهخدا، تهران، سازمان لغت نامه دهخدا.

ب) انگلیسی و فرانسه

Paris, 1937.
Bahrami, M. (3). «Le Problème des ateliers d'étoiles de faïence lustrée», Extrait de *La Revue des Arts asiatiques*, Tome X, Fascicule 4 (1937), Paris.
Day, Florence E. «A Review of The Ceramic Art in Islamic Times, B. Dated Faïence», *Art Islamica*, vol.8, pp. 47-58, (1941)
Lévy, Émile (Éditeur). *La Céramique dans l'art musulman*, publié sous la direction de Henri Rivière, 2 volumes, Paris, MCMXIII [1913].
Hayward Gallery. *An exhibition Organized by the Art Council of Great Britain in Association with the World of Islam Festival Trust*, 1976.
Hetjens Museum. *Islamische Keramik*, Hetjens Museum, ۱۱۴

مجمع الفصحاء. تألیف رضا قلیخان هدایت، به کوشش مظاهر مصفا، ج ۶، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶-۴۰.
مجله باستانشناسی و تاریخ. س ۱، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۶۵، عبدالله قوچانی، «اشعار فارسی روی کاشیهای مجموعه دکتر محسن مقدم»، ص ۷۶-۸۷.
مجله باستانشناسی و تاریخ. س ۱، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۶۶، عبدالله قوچانی، «سفالینه‌های زرین قام و نقاشی شده در زیر لعاب»، ص ۳۰-۴۱.
مختارنامه عطار نیشابوری. به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، طوس، ۱۳۵۸.
مقدمه‌ای بر هنر کاشیگری ایران. تألیف محمد یوسف کیانی، فاطمه کریمی و عبدالله قوچانی، تهران، انتشارات موزه رضا عباسی، ۱۳۶۲.
مناقب العارفین. تألیف شمس الدین احمد الافلاکی العارفی، به کوشش تحسین یازجی، ج ۲، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
مؤنس الاحرار فی دقائق الاشعار. تألیف بدر بن محمد جاجرمی، به کوشش میر صالح طبیبی، ج ۲، تهران، انجمن آثار ملی.
نزهة المجالس فی الاشعار. تألیف جمال الدین شروانی، به کوشش دکتر محمدامین ریاحی، تهران، زوار، ۱۳۶۶.
نسخه خطی ۹۰۰. جنگ اشعار شماره ۹۰۰ متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
نسخه خطی ۲۰۵۱. جنگ رباعیات و غیره متعلق به کتابخانه ایاصوفیا، ترکیه (از این جنگ يك ميكرو فیلم با شماره ۱۰۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است).
نهج البلاغه (شرح و ترجمه). به قلم فیض الاسلام، ۶ جلد در يك مجلد (بدون نام ناشر و سال چاپ).
هفت اقلیم. تألیف امین احمد رازی، تصحیح و تعلیق جواد فاضل، ج ۳، کتابفروشی علی اکبر علمی و کتابفروشی ادبیه.

Adle, C. (1). «Un disque de fondation en céramique (Kâšân 711/1312)», *JA.*, CCLX (1972), pp. 277-297.
Adle, C. (2). *Art et société dans le monde iranien*, Paris 1982.
Arbor, Ann. *Persian Art before and after the Mongol Conquest*, The University of Michigan, Museum of Art, 1959.
[...], *Arts Iranica*. Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente, Roma, 1956.
Atil, Esin. *Ceramics from the World of Islam*; The Freer Gallery of Art, 50th anniversary exhibition, 1973.
Bahrami, M. (1). *Gurgan Faïences*, Publle Scribe Egypt S. A. E., Cairo, 1949.
Bahrami, M. (2). *Recherches sur les carreaux de revêtement lustré dans la céramique persane du XI^e au XV^e siècle*,

- Dusseldorf, 1973.
- Hobson, R. L. *A Guide to the Islamic Pottery of the Near East*, 1932.
- Majolika*, Brigitte Klesse, Köln, 1966.
- Le Bon, G.
The World of Islamic Civilization, Genève, 1974.
- Museum für Kunsthandwerk, Frankfurt am Main
 Neuerwerbungen 1956-1974.
- Mansour Gallery.
Exhibition of Islamic Art, Iranian Lusterware of the Thirteenth Century, Mansour Gallery, London, 1978.
- Maslenitsyna, S.
Persian Art in the Collection of the Museum of Oriental Art, Leningrad, 1975.
- Naumann E. und R.
Takht-i Suleiman, Katalog Der Ausstellung München, 1978.
- Pope, A. U. (1)
A Survey of Persian Art, The Third Edition, Tehran, Surush Publications, 1978.
- Pope, A. U. (2)
 «New Finding in Persian Ceramics of Islamic Period», *Bulletin of the American Institute For Iranian Archaeology*, vol. 5, No. 2, December 1937, pp. 149-169.
- Sothebys (1)
Antiquities and Islamic Art, Sotheby Parke Bernet Inc, New York, May 13, 1978.
- Sotheby's (2)
Islamic Works of Arts, Carpets and Textiles, Sotheby Park Bernet & Co., London, October 19, 1983.
- Sotheby's (3)
Islamic Works of Arts, Carpets and textiles, London, 16th April 1987.
- Victoria and Albert Museum
Islamic pottery 800-1400 A. D., An Exhibition Arranged by the Islamic Circle and Held at the Victoria and Albert Museum, 1 October to 30 November, 1969.
- Von Zabern, Philipp.
Die Mongolen und ihr Weltreich, Mainz am Rhein.
- Watson, O. (1)
 «The Masjid-i 'Ali Quhrūd: An Architectural and Epigraphic Surey», *Iran Journal*, vol. XIII, 1975, pp. 59-74.
- Watson, O. (2)
Persian Luster Ware, London, 1985.
- Wilkinson, Ch. K.
Nishapur pottery of the Early Islamic Period, New York, 1973.
- Wiet, G. (1)
L'Exposition persane de 1931, Le Caire, Imprimerie de l'Institut Français d'Archéologie Oriental, 1933.
- Wiet, G. (2)
Soieries persanes, Le Caire, Imprimerie de l'Institut Français d'Archéologie Orientale, 1948.

فهرست اشعار

- | | |
|--|---|
| <p>گفتند دل تو از خرد بیگانست ۶۳</p> <p>می‌خور که نهاد ملك محمود اینست ۵۶،۲۶</p> <p>می را که همیشه بر خرد دندانست ۵۴،۲۶</p> <p>..... ز درّ دهند ۱۰۱</p> <p>..... زمانه برداشت ۹۴</p> <p>..... نمی‌یارم خواست ۹۶</p> <p>آن چهره نگر که بر قمر می‌خندد ۱</p> <p>آه از دل تنگ من برون می‌آید ۹۶</p> <p>آنها که بر آسمان حکمت ماهند ۵۷</p> <p>آنها که بنای عمر بر زرق نهند ۵۷،۲۵</p> <p>از بس که دل شکسته در ... شکند ۱۸</p> <p>اهل طبرستان همه چون فاخته‌اند ۶۵</p> <p>با بدان کم‌نشین..... پلید کند ۱۹</p> <p>بذات خود اگر چه..... تباه کند ۶</p> <p>به کام تو بادا سپهر بلند ۳</p> <p>تا بر دل از فراق تو بیداد می‌رود ۹۳</p> <p>جانها در عالم غیبی بردند ۱۹</p> <p>جهان آفرین رهنمای تو باد ۶۰</p> <p>چو در دشت مر رخس را یافتند ۶۲</p> <p>چو رستم به گفتار او بنگرید ۶۱</p> <p>خداوند دارنده یار تو باد ۵۸</p> <p>دردا که دلم ز هجر خون خواهد شد ۵۱</p> <p>داری سر آن که این دل غم پرورد ۱۷</p> <p>در دهر کسی به گل‌گذاری نرسید ۷۷</p> <p>دل از نظر تو جاودانی گردد ۷۰</p> <p>دل‌تنگ مشو اگر شوی تنگ چه سود ۴۵</p> <p>دل گرچه به غم سوخته‌تر می‌گردد ۵۰</p> <p>دیدار تو آسایش جانم باشد ۹۴</p> <p>رو دیده بدوز تا دلت دیده‌شود ۷۱</p> <p>زلفت صنما دام دلم می‌گردد ۹۰</p> <p>زلفت که چو افهی پی شر می‌گردد ۵۱</p> | <p>اقلل مجالسة الاشرار..... ان امرا ۱۹</p> <p>اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل مارا ۱۶</p> <p>الناس من جهة الشمال اكفاء ۱۰</p> <p>ان الامور اذا الاحداث دبرها ۲۵</p> <p>شبهها زغمت بهره نیازست مرا ۸۰</p> <p>لا طاقة لی بما حوی الاحشاء ۲۰</p> <p>نگه کردن اندر همه کارها ۴۴</p> <p>..... این دل بی حاصل را ۱۸</p> <p>ای دل تو ز هیچ خلق یاری مطلب ۳</p> <p>من دوش در انتظار بودم همه شب ۹۵</p> <p>... ن به جان و نالش من همه شب ۱۰۱</p> <p>آباد خرابات ز می‌خوردن ماست ۲۶</p> <p>از آن راز جان تو آگاه نیست ۵۸</p> <p>امشب بر من زمانه شاد آوردت ۱۰۰</p> <p>ای برده دلم قامت رعنای خوشت ۸۲</p> <p>ای بی‌خبر از مغز شده غره به پوست ۶۸</p> <p>با يك سر موی اگر ترا پیوندست ۴۶</p> <p>به صد منت جانست ۵</p> <p>تا دست فلك تخم بد و نيك بکشت ۱۹</p> <p>جانا به زمین خاوران خاری نیست ۲۴</p> <p>جهان را چه سازی که خود ساخته‌ست ۶۳</p> <p>چاکر ز تو بسیار به جان گردیدست ۹۷</p> <p>خرد مرد را خلعت ایزدیدست ۶۲</p> <p>در عالم عشق غم ز شادی کم نیست ۸۷</p> <p>دل جای غم تست چنین تنگ که هست ۸۵</p> <p>دی بر سر ره چو دلستانم می‌رفت ۸۷</p> <p>دیشب هوس دل غمینم بگرفت ۶۴</p> <p>زلفت که دلم در خم او پیخته است ۸۱</p> <p>عالم ز لباس راحتم عریان یافت ۷۴</p> <p>عشق آمد و شد چو خونم اندر درگ و پوست ۷۹</p> |
|--|---|

- ۴۷،۲۶ آن به که دل از کار جهان بر گیریم
 ۵۳ ای دل همه ساله دردمندت بینم
 ۴۹ با دل همه شب حدیث تو می‌گویم
 ۹۷ بر یاد تو هر صبحدمی برخیزم
 ۹۳ جز یاد تو در جهان هوس می‌نکنم
 ۴۰ دوش احوالی ز دل همی پرسیدم
 ۱۰۲ دوش از غم تو سخت مشوش بودم
 ۴۳ گر خاک تویی خاک ترا خاک شدم
 ۷۴ گفتم که مگر غمت بود درمانم
 ۳۳ لب باز مگیر يك زمان از لب جام
 ۶۵ من دوش در آرزوی رویت هر دم
 ۸۹ من مهر تو در میان جان آوردم
 ۴ من نه آن رندم که ترك شاهد و ساغر کنم
 وفدت علی‌الکریم.....والقلب السليم ۲
 ۶۶ هر ناله که بر سر شتر می‌کردم
 ۶۶ آساید اگر شوی تو همخواه من
 ۴۸ آنجا که بود آن دلستان بادوستان در بوستان
 ۱۹ اعراض و جواهرند اسباب جهان
 ۹۲ ای رای تو سال و ماه آزدن من
 ۹۲ ای رای تو صحرای امل پیمودن
 ۴۸ ای ساریان منزل مکن جز در دیار یار من
 ۶۷ ای گرسنه مهر تو سیران جهان
 ۹۲ تا چند بر آفتاب گل اندودن
 ۸۶ جانا به جواب نامه دلشادم کن
 ۹۸ چون در تو اثر نمی‌کند هیچ سخن
 ۷۵ دانی که چراست ای پسندیده من
 ۷۷ هرگز نشود ای بت بگزیده من
 ۹۰ نگه‌دار بادا جهان آفرین
 ۲۰ نه طاقت غمخوردن و نه زهره آن
 ۴۳ ای آمده کار من به جان از غم تو
 ۸۳ به کام تو بادا همه کار تو
 ۵۳ گر دور شود زلف پشولیده او
 ۱۰۱ لعل لب تو که آفرین باد بر او
 ۸۳ نگه کردن اندر همه کار تو
 ۴۵ ای دل به چه غم خوردنت آمد پیشه
 ۵۰،۲۶ ای روی تو آب از گل رعنا برده
 ۹۵ ای لعل لب شکر به تنگ آورده
 ۸۱ زلفت که هزار زنگی افزون دارد
 ۹۱ زلفین تو دوش دلربایی می‌کرد
 ۶۱ ز موبد برین گونه داریم یاد
 ۲۷ شب گرچه ز روشنی جدایی دارد
 ۶۹ غم با لطف تو شادمانی گردد
 ۹۹ گر خود ز خودم مهر گسل باید شد
 ۸۸ گر دل به هوای چون تویی برخیزد
 ۷۲ گر رنگ رخت به باد بر داده شود
 ۱۰۲ گفتم گردهم گرد لب تاب باری چند
 ۵۱ گفتم می‌لعل در شهوار ارزد
 ۳۸ گیرم که صبا زلف تو در تاب کشد
 ۱۴ مسکن کاشی اگر در خطه امل بود
 ۷۶ من می‌خورم و هر که چو من اهل بود
 ۵۲ می‌خور که جزو عیش تو شیرین نکند
 ۴۴ نا بوده دمی آنچه ترا فرمودند
 ۸۰ هر بار که یار نزد ما می‌آید
 ۵۰ هر چند دلم سوخته‌تر می‌گردد
 ۷۱ هر دل که ز چشم رفته فرسوده شود
 ۲۵ همواره ترا دولت و عز افزون باد
 ۷۵،۱۶ یادم چو ازین عزم سفر می‌آید
 ۸۲ چراغ او بر افروخته‌اند
 ۳۸ چو بر کس نماند جهان پایدار
 ۱۸ گفتم به شکسته دل که چون داری کار
 ۴۲ نباشد جهان بر کسی پایدار
 ۴۲ نباشد کسی در جهان پایدار
 ۵ رفتم به سر تربت شمس تبریز
 ۹۹ که درین شیب و فراز
 ۵۴ ای چرخ من از تو خود جفا بینم و بس
 ۸۹ گر يك شبکم با تو کنار افتد و بوس
 ۲۴ من بودم دوش و آن پری زاده و بس
 ۲۵ خروس صراحی در آمد به جوش
 ۶۷ دل یاد تو آرد برود هوش از هوش
 ۵۹ که آمد پیاده گو تاجبخش
 ۷۳ بر سین سریر ملك شاه آمد عشق
 ۱۹ ای شهنه شرع و شوهر پاك بتول
 ۵۹ جوانی و پیری به نزد اجل

۱۶	ای رشته چو قصد لعل کانی گردی	۶۲	بخور هر چه داری فزونی بده
۶۴، ۱۶	ای کرده رخت به ماه و اختر بازی	۸۵	بیچاره دلم در خم زلفت ناگاه
۷۲	ای نور دل و دیده و جانم چونی	۱۰۰	تا کی غم آن خورم که دارم یا نه
۱۷	با دل گفتم چو دلبری بگزیدی	۵۵، ۲۵	جز می ز هر آنچه هست کوتاهی به
۹۸	تا کی تو ز هجر چشم من تر یابی	۶۹	دل خوش کن و بر صبر گمار اندیشه
۷۰	جانا بر نور شمع دود آوردی	۲۵	صراحی چو خروسی ساز کرده
۵۹	جهان یادگارست و ما رفتنی	۶۹	گفتی که ترا شوم مدار اندیشه
۴۶، ۲۶	در دیده کاینات موجود تویی	۲۵	می ز خروس ده منی همچو پر تذروده
۷۹	دل داغ تو دارد ار نه بفروختمی	۱۵	ندارم هیچ گونه توشه راه
۵۵	دوش آوازه در افکند نسیم سحری	۸۷	آن خال نگر برده ز هر دل گروی
۸۰	گر روی تو بر فلک زند خرگاهی	۸۴	اگر بد کنی کیفرش خود کشی
۹۶	 بهبودی	۷۷	الا ای لعبت ساقی زمی پر کن مرا جامی
۱۰۲	 خری	۵۵	انگشت نمای این و آنم کردی

فهرست اعلام

- آمل ۱۴
 اباقا خان ۳۶
 ابن الفوطی ۱۴
 ابن ملجم ۴۱
 ابوالقاسم کاشانی ۷
 ابورفاظه ← ابوزید
 ابوزید ۲، ۵، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۳۵، ۴۱، ۹۰
 ابوزید بظه ← ابوزید
 ابوزید بن محمد بن ابی زید النقاش ← ابوزید
 ابوسعید ابوالخیر ۲۳، ۲۴، ۴۳، ۴۴، ۷۰، ۷۹
 ابوشکور بلخی ۴۴
 ابوطاهر کاشانی ۶، ۷، ۲۱، ۳۵
 اثیرالدین اخسیکتی ۷۲
 ازرقی هروی ۷۰
 اصغر پورشیروی پنج ۳۲
 افضل‌الدین کاشانی ۲، ۳۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۹
 الخرمی ۲۵
 امام حسن (ع) ۹، ۱۱، ۴۱
 امام حسن عسکری (ع) ۹، ۱۱، ۴۱
 امام حسین (ع) ۱۰، ۴۱
 امام رضا (ع) ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲
 امامزاده جعفر ۳۸
 امامزاده علی بن جعفر ۶
 امام محمدباقر (ع) ۹، ۱۱
 امیر معزی ۴۸، ۷۳
 انوری ۴۹، ۷۰
 اوحدالدین کرمانی ۳، ۶۹، ۷۱، ۷۹
 اولجایتو ۱۵
 برهان‌الدین گنجه ۷۳
 بغداد ۱۴
 بهاء‌الملة والدین حیدر فارس ۱۴
 پوپ ۴۱
 تخت سلیمان (تقریباً در همه صفحات آمده است)
 جاسب ۲۲
- جلال‌الدین رومی ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۹
 جمال‌الدین اشهری ۲۶، ۵۰
 جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی ۵۱
 جمال‌الدین نقاش ۶، ۷، ۹
 حافظ شیرازی ۴، ۱۶، ۶۹
 حسام ... حیدر قصاب ۳، ۷، ۹
 حضرت علی (ع) ۳، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۴۱
 حضرت معصومه (س) ۵
 حمزه بن موسی بن جعفر ۱۴
 خاقانی ۶۹، ۷۴
 خواجهر بیع ۱۵
 خواجه عبدالله انصاری ۳، ۷۷
 خوانسار ۲
 دامغان ۳۸
 درب مهریقاباد ۱۳، ۱۴
 دروازه عطا ۱۴
 دروازه ملک ۱۴
 دوسلدورف ۸۹
 رشیدالدین خوارى ۵۱
 رضی‌الدین نیشابوری ۸۵
 رفیع‌الدین بکرانی ابهری ۵۲
 رکن‌الدین دعویدار قمی ۵۲
 روزبهان بقلی ۷۹
 سراج‌الدین قمری ۷۶
 سعدی ۴۱، ۸۸
 سلطان محمد ۵۳
 سلطان سنجر ۲۲
 سلطانیه ۱۵
 سلیمان شاه ایوه ۵۰
 سنایی غزنوی ۱۹، ۷۳، ۷۸
 سیدحسین غزنوی ۷۶
 سید رکن‌الدین محمد غضایری ۶، ۷
 سید زین‌الدین علی الغضایری ر. ک علی بن محمد بن ابوطاهر کاشانی ۱۱۹

سید شرف الدین مرتضی ۷۷

سید شمس الدین حسنی ابی زید ر. ک ابوزید

سید ضیاء الدین ابن سید شرف الدین حسین الحسنی ۸

سید علی بن احمد الحسنی ۲

سید فخر الدین حسن طبری ۱۵، ۱۴، ۱۳

سید محمد موسی ۲۳

شاه سنجان خوافی ۲

شرف الدین شفره ۵۴، ۷۶

شهر ری ۱۵

شهریار عدل ۱۲

شیخ جعد ۲۲، ۲۳

صدرالدین خجندی ۵۴

طالب جاجرمی ۷۶

طبرستان ۱۴

ظہیر الدین فاریابی ۵۴، ۵۵

عایشہ سمرقندیہ ۶۹

عبدالعزیز بن آدم بن ابونصر قمی ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳

عبدالواسع جبلی ۷۸

عدل، شهریار ۴۱

عراقی ۷۴

عطار نیشابوری ۷۱

علاء الدولہ سمنانی ۵۵

علی بن جہان الحسنی ۶

علی بن محمد بن ابوسعدا نقاش ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲

علی بن محمد بن ابوطاهر کاشانی ۷، ۲۱، ۳۶

عمادی شهریار ۱۸، ۴۱

عمر خیام ۳۱، ۵۶، ۵۷، ۷۶، ۷۷، ۱۰۰

عین القضاة ہمدانی ۵۷، ۷۳

فخرالدین حسن بن حسن بن حسین العلوی الآملی ر. ک سید

فخرالدین حسن طبری

فخرالدین حسین بن الحسن الموسوی الطبری ر. ک سید فخرالدین

حسن طبری

فخرالدین خالد ہروی ۷۰

فردوسی ۱۵، ۳۸، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۱۰۶

فیض، عباس ۴۱

قاضی احمد قمی ۲۲

قاضی شمس الدین طہسی ۱۹، ۴۱، ۷۶

۱۲۰

قم ۶

قہرود ۲۲

کاشان ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۳۶، ۳۸

کمال الدین اسماعیل اصفہانی ۶، ۲۶، ۳۳، ۶۴، ۶۵، ۱۰۳

گنبد سلطانیہ ۱۵

لبون ۴۱

لرزادہ ۱۵

لوی، امیل ۴۱

مجدالدین ابوسنجر ۴۱

مجدالدین بغدادی ۷۳

مجیر الدین بیلقانی ۱۵، ۴۱، ۶۶، ۱۰۰

محمد بن ابوطاہر بن ابوالحسین ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۳۵

محمد بن فضل اللہ بن علی القہرودی ۱۲

مشہد ۱۵

معاویہ ۹، ۱۱

ملاحسن کاشی ر. ک سید فخرالدین حسن طبری

ملک طغانشاہ ۷۴

مولانا جلال الدین رومی ۶۷، ۶۸

مولانا حسن کاشی ر. ک سید فخرالدین حسن طبری

مہدی بہرامی ۴۱، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۶۸، ۸۶، ۹۹، ۱۰۳

مہستی ۱۶، ۴۱، ۶۶، ۷۰

مہناز عبداللہ خان گرجی پنج

ناصر نوروززادہ چگینی پنج

نجیب الدین عمر گنجہ ۷۰

نراقی ۲۲

نظامی گنجوی ۲۵

نیشابور ۹۰

واتسن ۴۱

واشنگتن ۵، ۲۵، ۸۴

ویت ۴۱

ہندوستان ۱۴

ہورایس ہاومایر ۱۵

ہولاکو ۳۶

یمین الدین سبط اصفہانی ۷۷

یوسف بن علی بن محمد بن ابوطاہر القضایری القاشانی ۷، ۲۲



فهرست موزه‌ها، مجموعه‌ها و مؤسسه‌های فرهنگی

موزه لوور ۱۳، ۳۸، ۹۹	فریر گالری ۵، ۲۵، ۵۳، ۸۴
موزه متروپولیتن پنج، ۱۵، ۹۸	گالری منصور ۹۸
موزه مردم‌شناسی مونیخ پنج، ۴، ۴۶	مجموعه جان هونتینگتون ۵۲
موزه ملی ایران (ایران باستان) پنج، ۲، ۴، ۵، ۶، ۹، ۳۲، ۴۷، ۴۸، ۵۳، ۵۶، ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۷۷، ۷۸، ۹۲، ۹۳، ۱۰۲	مجموعه جیرالد ریتلنگر ۴۵
موزه ملی سرامیک سور ۱۲	مجموعه محسن مقدم ۱۶، ۲۶، ۴۴، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۷۹، ۹۵
موزه ویکتوریا و آلبرت ۶۶	مجموعه منزلی ۵۲
موزه هامبورگ پنج، ۳۴	موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران ۸۴
موزه هانووور ۱۰۱	موزه اشمولین ۵، ۷
موزه هنر اسلامی برلن (شرقی) پنج، ۲، ۱۰۱، ۱۰۳	موزه بریتانیا ۱۰۲
موزه هنر اسلامی برلن (غربی) پنج، ۲۵، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۵۷، ۶۲، ۶۷، ۷۶، ۷۸، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۸، ۹۳، ۹۴، ۹۷، ۱۰۱	موزه پنسیلوانیا ۱۰
موزه هنر شرقی مسکو ۵۷، ۵۸، ۹۷	موزه دفینه ۲۶
موزه هنر شیکاگو ۸۸	موزه رضا عباسی پنج، ۲، ۹، ۱۵
موزه هنرهای زیبای بوستن ۱۸	موزه سیاتل ۲۵، ۵۷، ۱۰۰
موزه هنرهای زیبای پاریس ۸۶	موزه صنایع دستی فرانکفورت ۹۵
موزه هیتجنس ۸۹	موزه عربی قاهره ۱
میراث فرهنگی تهران ۲۳، ۹۹	موزه قم ۶، ۹، ۶۴، ۸۲
	موزه کلن ۷۱
	موزه کلیولند ۵۲



متن شماره ۲ و ۴۵



تصویر ۲- الف



تصویر ۷- الف و ۳۲

کلیه تصاویر رنگی به متن یا تصاویر سیاه و سفید ارجاع شده است. درضمن در ارائه تصاویر رنگی ارجحیت با نوشته‌ها نه با نقوش روی کاشی در نظر گرفته شده



تصویر ۱۱



متن شماره ۱۴ و ۳۴



تصویر ۱۴- الف



تصویر ۱۷- ب



تصویر ۱۶



تصویر ۱۷- الف



تصویر ۱۹- ب



متن شماره ۱۷



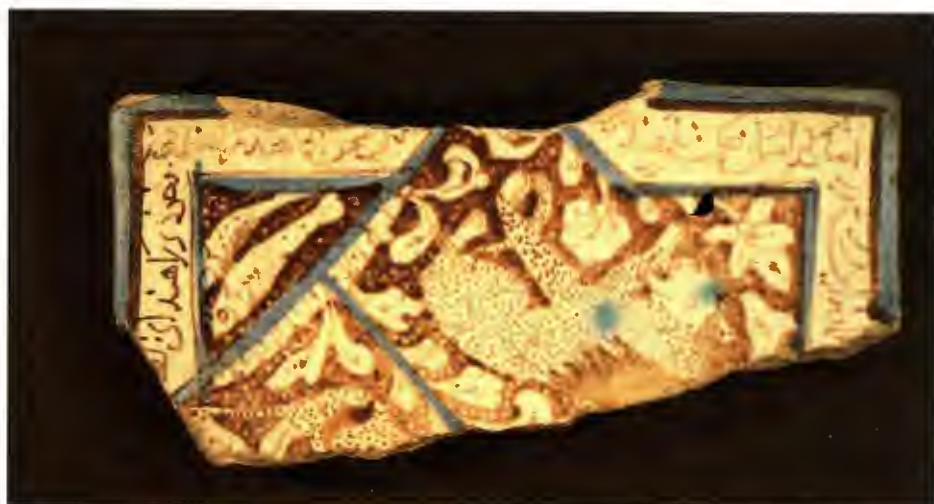
تصویر ۲۴



تصویر ۲۵- ج



تصویر ۲۶- ج



تصویر ۲۸



تصویر ۳۵- الف



متن شماره ۳۸



تصویر ۳۹- الف



تصویر ۴۰ و ۸۰



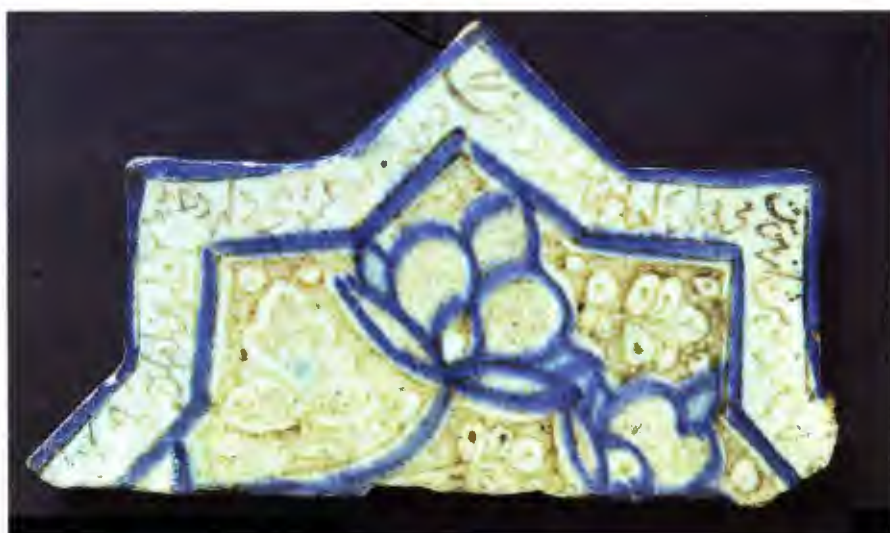
تصویر ۴۸ - الف



تصویر ۴۲



تصویر ۴۹- ب



متن شماره ۴۹



تصویر ۵۰- الف



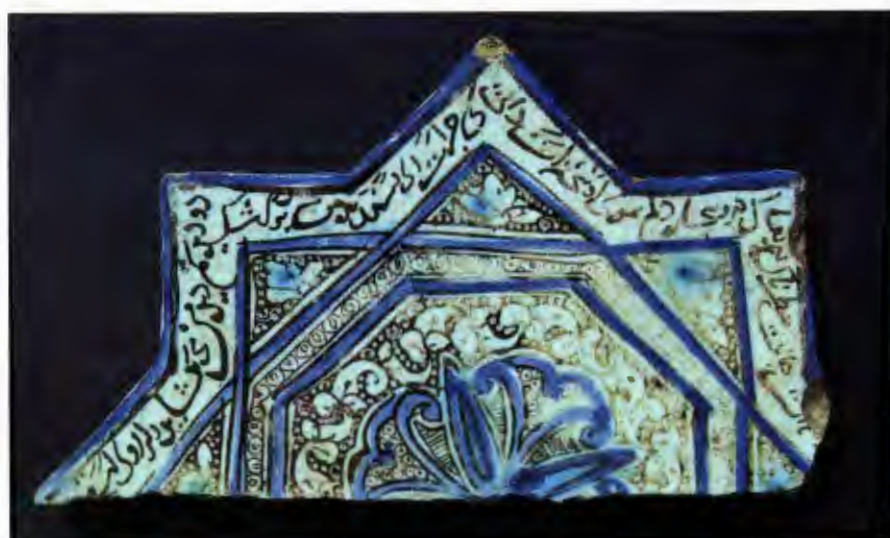
متن شماره ۵۳



تصویر ۵۹- ب



تصویر ۶۰- الف



تصویر ۶۱



متن شماره ۶۱



تصویر ۶۲- ب



تصویر ۶۳- ب



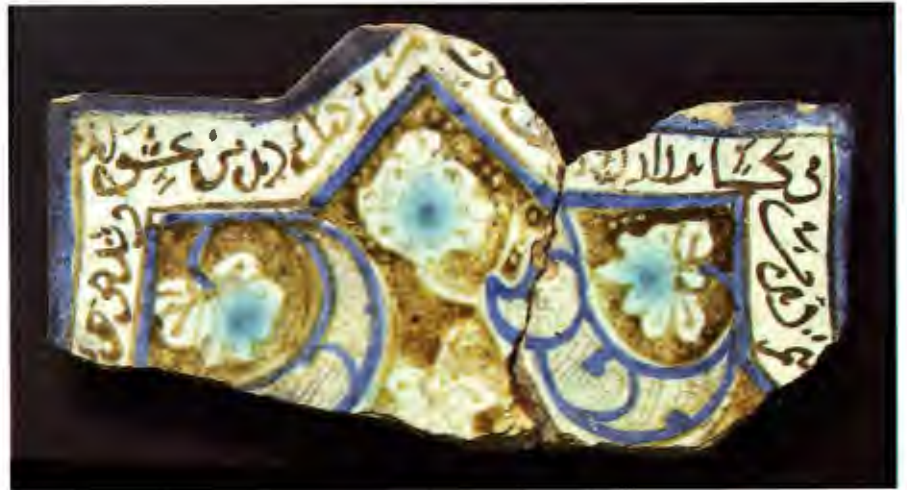
متن شماره ۶۲



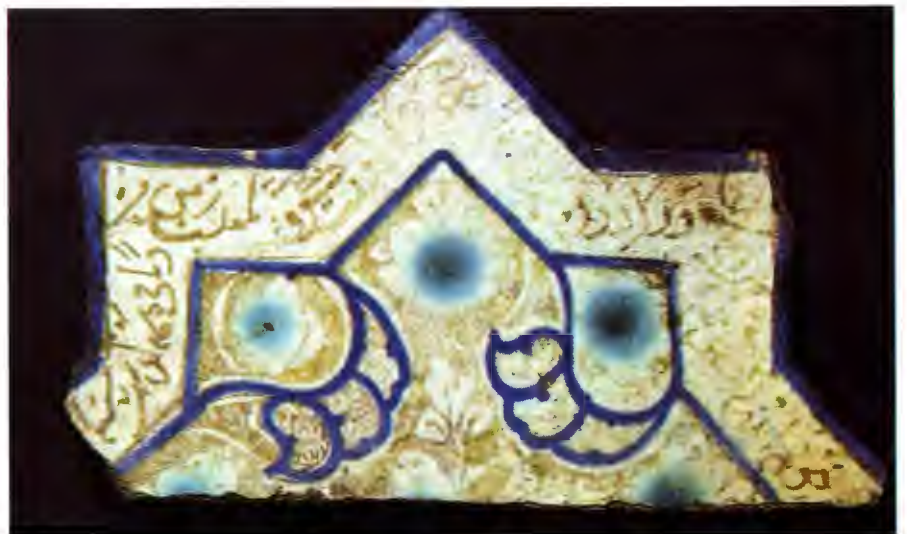
تصویر ۶۶



متن شماره ۶۶



تصویر ۶۸- الف



تصویر ۶۸- ج



تصویر ۷۱- ب و ۷۶- ب



تصویر ۷۳- الف



تصویر ۷۲- الف



متن شماره ۷۳



تصویر ۷۳- ب



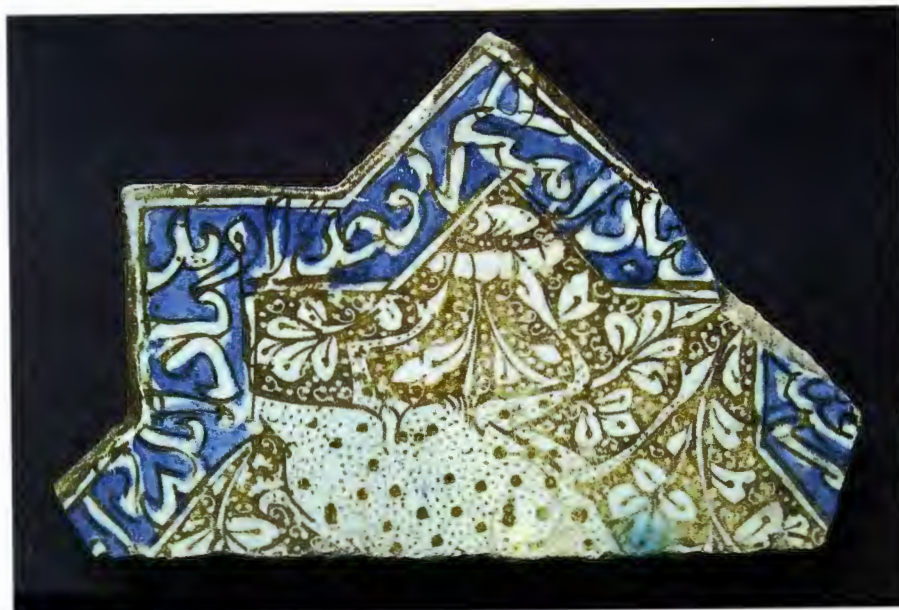
متن شماره ۷۳



تصویر ۷۵



تصویر ۷۶- الف



متن شماره ۷۶



تصویر ۷۷- الف



تصویر ۷۷- د



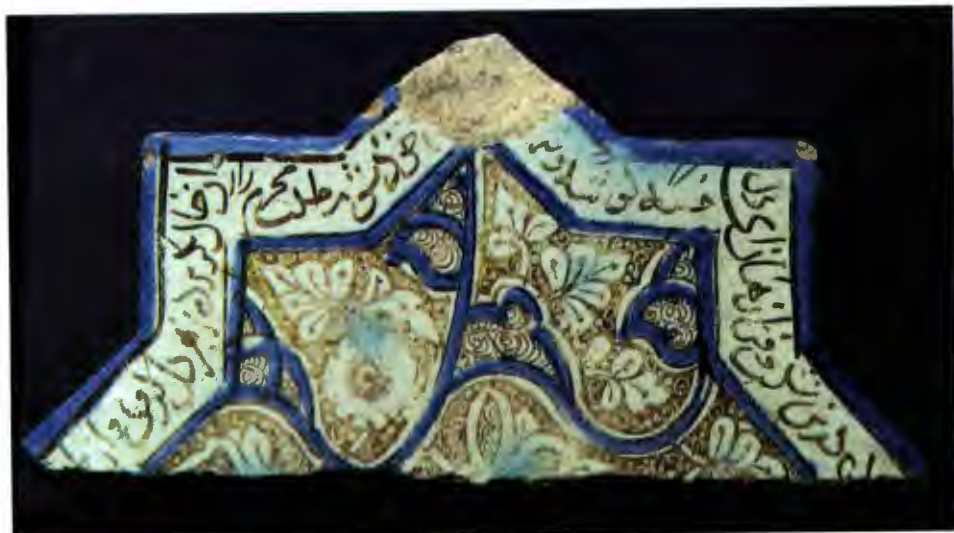
تصویر ۷۸



تصویر ۷۹- ب



تصویر ۸۱- الف



تصویر ۸۱- ب و ۱۰۵



تصویر ۸۳- ج



تصویر ۸۳- د



تصویر ۸۵- الف



تصویر ۸۶- الف



تصویر ۸۴- الف



تصویر ۸۴- ب



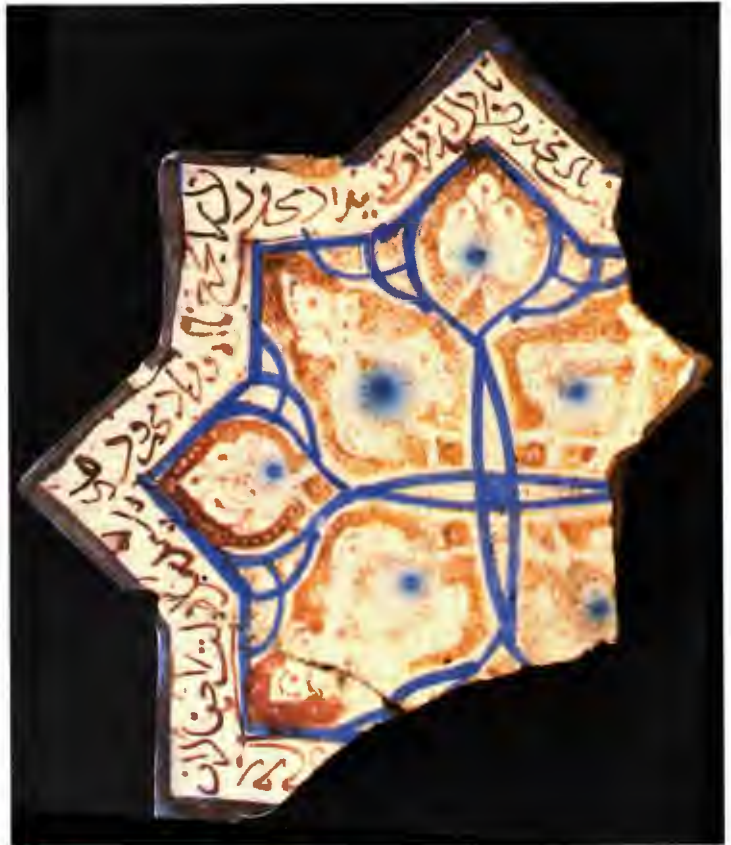
تصویر ۸۹- ج



تصویر ۹۰- ب



تصویر ۹۲- الف



تصویر ۹۳



تصویر ۹۴



تصویر ۱۰۰



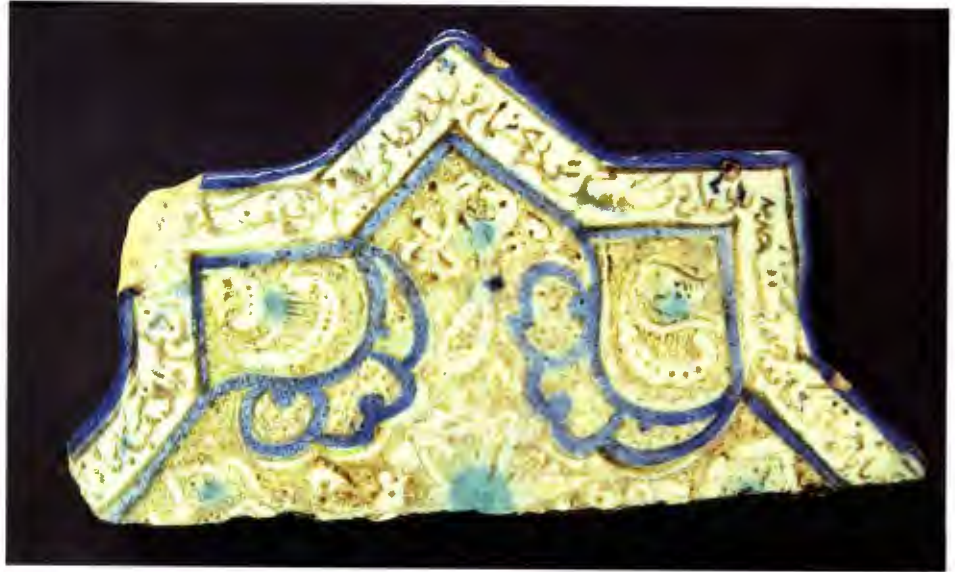
تصویر ۱۰۱



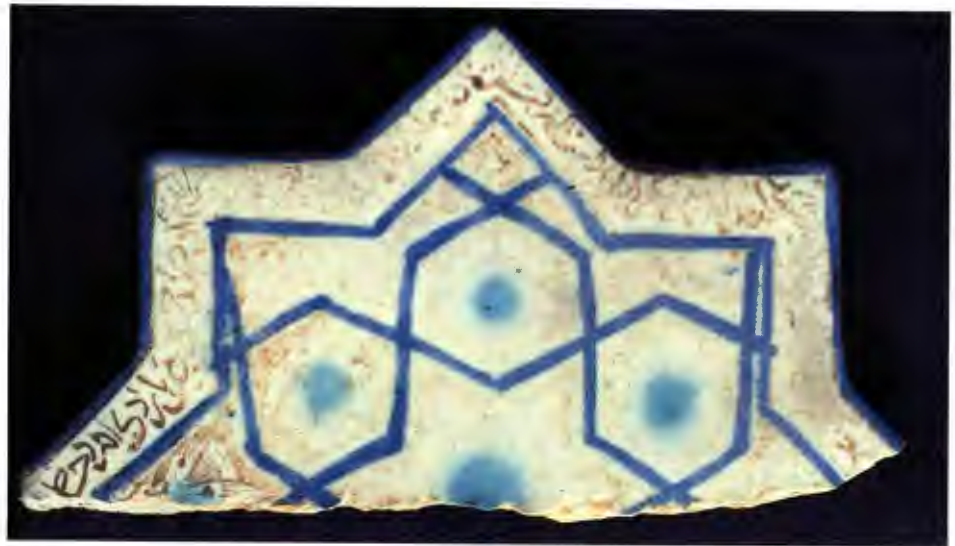
تصویر ۱۰۲ - ب



تصویر ۱۰۶



تصویر ۱۳۲- الف



تصویر ۱۳۲- ج

In Name of God

Persian Tilework

Among the several kinds of decorative building tiles one is known as golden or luster tile. It used to be made in various forms and sizes such as star, six pointed star, cross and rectangular or octagonal shapes. In regard to different contexts, sometime changes occur. Most of the tiles have also inscriptions on their margins. It should be mentioned that the other kinds of luster tile (i.e. «mihrab» or directional niche) will not be discussed here.

Our main concern in this book is the tiles discovered in Takht-i Sulaymān. They are classified according to their dates, construction places and finally marginal inscription of Persian poems. We have also tried to identify the poets and to point out the differences between tile's inscriptions and their printed versions.

Providing an introduction to the history of Pre-and-post Takht-i Sulaymān tileworking, we have also found it necessary to study the history of lustered tiles, potters, subject of inscriptions and circumstances in which the potters used to get their texts. The importance of these materials in correction literary texts is our final interest.

The tiles of Takht-i Sulaymān have here also been studied in the same way mentioned above and the sherds were cataloged at the end, from the earliest golden tiles dated to 529AH. There are three other pieces (dated to 600AH) the first of which is an eight pointed star and two others are six pointed. The only illustrated one is a six pointed tile. The latest dated one which has not been previously introduced, is in the holly shrine of Imam Riza in Mashhad (759 and 760AH.). Few pieces of late 8th and 9th century are also undated, but their approximate date can be deduced from their inscriptions.

Tile-workers of different periods, their names together with a sample of their works are the subjects discussed in second chapter. The first tile-worker, whose name occurs on some tile pieces of the late 6th century to the early second decade of 7th century AH is Shams al-din al-Hasani, known as Abu Zaid. We don't hear from any other tile-worker from 7th cen. AH. The

names of following tile-workers appear on few pieces from the 8th cen. AH.

Quranic verses, holly traditions (hadith) and poems from the first shiite Imam «Ali Ibn Abitalib», and some poems ascribed to the second, 5th, 11th and 12th shiite Imams; one piece from Bible, and two attributed to Mula Hasan Kashi are the subject of inscriptions studied in the third chapter. There are also few examples of inscriptions which contain a combination of subjects.

Procedures of selecting poems and figuring them on the tiles are studied in the 4th. chapter. However, we here suggest the presence of another person whose duty was to read the proposed text to the potter. There is no doubt that the inscriptions on the tiles and vessels have a very important role in the edition of the literary sources.

We have also given historical background of the tiles of Takht-i Sulaymān in two parts; the first part deals with the date of these tiles. There appears three dates 670, 671, 674.A H. Some indications of the months of construction also exist. Amongst hundreds of pieces there are two dated fragments that their dates have not yet been deciphered.

In the last part we have discussed the various patterns and the place of production of T.S. tiles. To point out the place of their production we have compared them with of other places. At this part, on the basis of different designs of the figures and features of humans and animals and their comparison with the other tiles, we have tried to argue that the tiles must have been made in the same place and by the same person. The study of poems and their poets is our main concern. We have also tried to find out the poets as far as possible and to complete the Ruba'is by putting together fragments. Where the completion of the Ruba'is was not possible through the completion of the tile we have used the printed literary sources.

Many colour prints have been provided in order to show the original colour of the glaze.



Persian Poetry on the Tiles of Takht-i Sulaymān

Abdollah Ghouchani

Tehran, 1992

Iran University Press



Persian Poetry on the Tiles of Takht-i Sulaymān

(13th. Century)

Abdollah Ghouchani